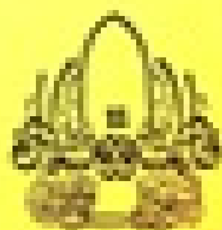


مجموعه آثار کنگره بزرگداشت
حضرت فاطمه معصومه
و مکانت فرهنگی قم
۴۵

چشم اندازی به
مکتب فلسفی قم

بسم الله الرحمن الرحیم

چشم اندازی به مکتب فلسفی قم

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

زائر- آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

چشم اندازی به مکتب فلسفی قم

مشخصات کتاب

سرشناسه : ایزدپور ، محمدرضا

عنوان و نام پدیدآور : چشم اندازی به مکتب فلسفی قم/ محمدرضا ایزدپور، مهدی منفرد، حوریه عظیمی.

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : دوازده، ۲۴۴ص.

فروست : کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه و مکانت فرهنگی قم؛؛ مجموعه آثار شماره ۴۵

شابک : ۱۱۰۰۰ ریال ۹۶۴-۶۰۴۰۱-۹۹-۶:

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۴۲] - ۲۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : فیلسوفان اسلامی

موضوع : فلسفه اسلامی

شناسه افزوده : منفرد، مهدی، ۱۳۴۶ -

شناسه افزوده : عظیمی، حوریه، ۱۳۵۵ -

شناسه افزوده : کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم (۱۳۸۳ : قم)

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

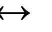
رده بندی کنگره : BBR۱۲/الف ۹چ ۵ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی : ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۳-۳۸۱۳۸

ص: ۱

اشاره



ص: ٢

چشم اندازی به

مکتب فلسفی قم

مکتب فلسفی قم ـ محمدرضا ایزدپور

فلاسفه بعد از ملاصدرا ـ مهدی منفرد

تاریخ حکمت در شهر قم ـ حوریه عظیمی

ایزدپور، محمد رضا

چشم اندازی به مکتب فلسفی قم / محمد رضا ایزدپور، مهدی منفرد، حوریه عظیمی . ـ ـ قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۳.

دوازده، ۲۴۴ ص . ـ ـ (کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم؛ مجموعه آثار شماره ۴۵)

ISBN: ۹۶۴-۶۰۴۰۱-۹۹-۶ ریال۱۱۰۰۰

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۲۴۲] ـ ۲۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. فیلسوفان اسلامی ـ ـ ایران ـ ـ قم. ۲. فلسفه اسلامی. الف. منفرد، مهدی، ۱۳۴۶ـ . ب. عظیمی، حوریه، ۱۳۵۵ـ . ج. کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم (۱۳۸۳: قم). د. آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر. ه . عنوان.

BBR۱/۱۸۹ ۱۲ / ۹ الف ۵ چ

کتابخانه ملی ایران ۳۸۱۳۸ ـ ۸۳ م

ص: ۴

کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم

مجموعه آثار شماره: ۴۵

چشم اندازی به مکتب فلسفی قم

گردآورندگان: محمدرضا ایزدپور _ مهدی منفرد _ حوریه عظیمی

صفحه آرا: محمدعلی محمدی

ناشر: زائر _ آستانه مقدّسه قم

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: اوّل ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰

بهاء: ۱۱۰۰ تومان

شابک:۶-۹۹-۶۰۴۰۱-۹۶۴

این اثر با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

مرکز پخش: قم، میدان شهداء (چهار راه بیمارستان)

تلفن: ۷۷۴۲۵۱۹ ص.پ. ۳۵۹۷-۳۷۱۸۵

ص: ۵

فهرست مطالب

میرزا علی اکبر حکمی یزدی قمی ... ۲۵

ص: ۶

شاگردان… ۹۵

ص: ۸

زندگی نامه… ۱۲۸

استادان… ۱۲۸

ص: ۹

استادان… ۱۳۸

شاگردان… ۱۳۹

ص: ۱۰

منابع ··· ۱۸۲

ص: ۱۲

ص: ۱۳

علامه سید محمد حسین طباطبایی… ۲۳۱

زندگی نامه… ۲۳۱

ص: ۱۴

مقدمه کنگره

مقدمه کنگره

حضرت امام صادق علیه السلام:

«حرم ما اهل بیت علیهم السلام ، شهر قم است. آنجا بانویی از فرزندانم به نام فاطمه دفن می شود، بهشت بر هر که اورا زیارت کند، واجب می گردد»(۱).

قم که به لقب «حرم اهل بیت علیهم السلام» مفتخر گردید، نه تنها به جهت وجود مردمی است که در آن به حسنِ عبادت و توحید عبادی در قیام و رکوع و سجود شناخته شده اند(۲)، و در آرمان شهر اسلامی گرد حضرت مهدی علیه السلام اجتماع کرده و به یاری آن حضرت قیام خواهند نمود، و نه صرفا به جهت وجود بزرگ ترین حوزه علمی و حدیثی و معرفتی شیعه در آن، بلکه این شهر مفتخر است که چونان صدفی زمینی، گوهر آسمانی و ملکوتی فرزند باب الحوائج الی الله را در بر گرفته و مسجد اولیای الهی گردیده است. اگر در گذشته شهر قم محل محدّثان بزرگ و معبد و سجده گاه فاطمه معصومه علیها السلام

ص: ۱

۱- ۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲- ۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.

بوده، امروزه نیز پرچم دار فرهنگ ناب فقه جعفری علیه السلام و معنویت و عرفان بوده و ضمن تربیت و پرورش یاران امام عصر ارواحنا فداه، زائران حضرتش را با معارف بلند دینی میزبانی می کند. آری، «زیبد اگر خاک قم به عرش کند فخر(۱)».

قم، شهری است که بر ولایت و مودّت اهل بیت علیهم السلام پایه گذاری شده و به همین جهت، پایگاهی برای علویان و شیعیان و دژ تسخیرناپذیری علیه ستمگران بوده است و ائمه علیهم السلام با تعبیراتی خاص و بلند از این شهر یاد کرده اند(۲).

از هنگامی که شهر قم مسکن حضرت ستی، فاطمه معصومه علیها السلام گردید، بُعد فرهنگی و معنوی آن در کنار تحوّلات اجتماعی و سیاسی متحوّل و شکوفا شد، و از چنان موقعیتی برخوردار شد که جناب حسین بن روح رضوان الله علیه، از نوّاب اربعه، تأیید محتوای یک کتاب علمی و فقهی را مشروط به نظر مساعد علمای قم نمود(۳). وجود حوزه غنی و بزرگ شیعه، در این شهر و دفاع علمی از اسلام راستین به وسیله تألیف کتابها، اعزام مبلّغان و زادگاه انقلاب اسلامی بودن و... همه و همه به برکت وجود فرزند رسول خدا، کریمه اهل بیت علیهم السلام در این شهر است.

از آنجا که سال ۱۳۸۴ ه .ش. با یک هزار و دویست و پنجاهمین سالگرد ولادت آن حضرت، و نیز با پایان تجدید طلاکاری گنبد مطهر ـ

۱- ۱.دیوان امام خمینی، ص ۲۵۷.

۲- ۲.بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۳- ۳.کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۰.

که در زیبایی کم نظیر و بلکه بی نظیر است _ مقارن شده، به منظور معرفی بیشتر آن حضرت و تبیین جایگاه ویژه شهر قم در ترویج فرهنگ تشیّع، به دستور تولیت عظمای آستانه مقدّسه، حضرت آیه الله مسعودی دام عزه «کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم» شروع به فعالیت نمود. و در چهار موضوع ذیل:

الف. حضرت معصومه علیها السلام و آستانه مقدسه؛

ب. قم و فرهنگ تشیّع؛

ج. حوزه علمیه قم؛

د. انقلاب اسلامی در قم،

با محوریّت آستانه مقدّسه، دهها جلد کتاب در موضوعات فوق که اکثر آنها جنبه تألیف داشته و برخی دیگر جنبه تراثی دارد و توسط محققان تألیف و تصحیح شده، اهتمام ورزیده است.

آثاری که در محورهای فوق تدوین و نگارش یافته تنها قدم کوچکی است که می تواند نقطه شروعی برای تحقیقات گسترده و عمیقی باشد که سزاوار موضوعات یاد شده است.

عقل گرایی از مشخصات بارز مکتب قم و مکتب اهل بیت علیهم السلام است که گرچه از قدیم در این شهر مقدس سابقه داشته اما در قرن ۱۱ و با ورود صدرالمتألهین به این شهر نقطه عطفی در حکمت اسلامی پدید آمد.

جناب آقای محمدرضا ایزدپور و جناب آقای مهدی منفرد و سرکار خانم حوریه عظیمی به بررسی قم از این زاویه پرداخته و اثر حاضر را

ص: ۳

که ضمن سه مقاله تنظیم شده است، پدید آورده اند که از آنان صمیمانه تشکر می کنیم.

همچنین از تولیت آستانه حضرت آیه الله مسعودی، مدیر عامل محترم انتشارات زائر، جناب آقای فقیه میرزایی و مدیریت فرهنگی حجه الاسلام و المسلمین عباسی که تلاش فراوانی در این امر داشته اند، نهایت امتنان و سپاس را داریم.

بر خود لازم می دانم که اذعان و اعتقاد قلبی خود را ابراز دارم که اگر توفیقات خدای متعال و عنایات کریمه اهل بیت علیهم السلام نبود، از برداشتن کوچک ترین قدمی در این راه عاجز و ناتوان بودیم.

و ما توفیقی الا بالله، علیه توکلت و الیه انیب.

احمد عابـدی

دبیر کنگره

ص: ۴

تحقیقی درباره زندگی نامه برخی از فلاسفه قم

مکتب فلسفی قم محمد رضا ایزدپور

اشاره

مکتب فلسفی قم

محمد رضا ایزدپور

ص: ۵

اشاره

نوشتار حاضر که به بررسی اجمالی قسمت هایی از زندگی نامه برخی از چهره های فیلسوف خطّه دانش پرور و دانشمندخیز قم، ام القرآی جهان اسلام و پناهگاه عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می پردازد هدیه ای است ناچیز به کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم جای بسی امید است که نگارنده حقیر آن از عنایات و توجّهات آن بانوی گرام و گوهر والامقام بی بهره نماند.

شکی نیست که از دیرباز تاکنون در تاریخ زرّین و پربار تشیع و ایران، شخصیت های بزرگی به بلندای آفتاب به درخشش نشسته و با پرتوافشانی معنوی خویش، خورشید عالم علم و معرفت گردیده اند، آنان علیرغم منوّر نمودن فضای عطرآگین عالم اسلام وجوامع اسلامی، جوامع بشری را نیز از حیات علمی و عملی خویش بهره مند ساخته و با تمام توان، ابعاد عظیم تفکر عمیق اسلامی و نورانیّت معارف سعادت آفرین اسلام را به جهانیان معرّفی کرده اند.

شهر قم به برکت و عنایت فاطمه معصومه علیها السلام از روزگاران

ص: ۷

کهن، مأوی و پناهگاه شمار بسیاری از این ستارگان عالمتاب بوده است، چهره هایی که در این خاک مقدّس و مطهّر دارای جایگاه رفیع تدریس و تعلیم در رشته فلسفه اسلامی و صاحب نظر در این رشته بوده اند به جهت حسن هم جواری با کریمه اهل بیت علیها السلام از درخشش و تلألؤ خاصی برخوردار گشته اند تا بدانجا که قلم زدن در ابعاد علمی و شخصیتی برخی از آنان کاری بس دشوار و از توان نوشتار حاضر و نگارنده آن خارج می باشد لکن چنانکه گفته اند «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید» این ناچیز نیز با مراعات اختصار، در این مجال شریف به ترسیم گوشه هایی از زندگی نامه تعدادی از فلاسفه شهر مقدس قم در دوره پس از مرحوم ملاصدرا پرداخته و در ابتدای مقاله این نکته را متذکر می شوم که در این نوشتار کوتاه احصاء تمامی این ستارگان پر فروغ از سویی و احراز ابعاد مختلف زندگی علمی و عملی ایشان از سوی دیگر و به دلیل محدودیّت این نوشتار، غیر ممکن خواهد بود.

الهی وفّقنا لما تحب و ترضی

محمدرضا ایزدپور

ص: ۸

عبدالرزاق لاهیجی قمی (مشهور به فیاض)

اشاره

عبدالرزاق لاهیجی قمی (مشهور به فیاض)

از ستارگان پر درخشش آسمان معرفت، شخصیتی است که تاکنون قلم های فراوانی در رسای ابعاد مختلف علمی و پیرامون زندگی پر برکت او به رشته تحریر درآمده است هر چند از زمان تولّد ایشان اطلاع دقیقی در دست نمی باشد و تنها برخی از مورّخین، شهر لاهیجان را به عنوان مکان تولد وی معرفی کرده اند.

این شخصیّت کبیر یکی از پر فروغ ترین چهره های فیلسوف قرن یازدهم هجری پس از استاد بزرگ خویش، مرحوم صدرالمتالّهین محسوب می شود و در فرزانگان متأخر، پس از استاد از أحدی از فلاسفه و حکما کسری نداشته،(۱) و گوی سبقت را در نظریّات نوین علمی از بسیاری از هم طرازان و هم فکران خود ربوده است، چنانکه از ظاهر برخی از کتب به دست می آید ایشان در سنّ میانسالی در شهر قم و در مدرسه معصومه آن شهر، فلسفه و کلام را تدریس می کرده است.(۲)

در توصیف شخصیت کم نظیر او یکی از ارباب قلم می گوید «او فاضلی بود متکلّم، حکیم و متشرّع، ادیبی بود محقّق، پژوهشگری

ص: ۹

۱- ۱ . ر.ک: آشتیانی، سید جلال الدین، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۱، ص۳۱۱، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱ و بزرگان تنکابن، ص۹۱.

۲- ۲ . حلبی علی اصغر، تاریخ فلاسفه ایرانی، ص۵۵۰ - ۵۴۹ و روضات الجنات، ج۴، ص۱۹۷/ انتشارات اسماعیلیان قم.

اندیشمند، دارای انشائی لطیف و دلپذیر، صاحب طبعی بلند در شعر و منطق، اکثر صاحبان تراجم حق او را اداء نکرده و احوالات او را به صورت مبسوط تبیین ننموده اند»(۱) دیوان شعر وی که مشتمل بر چندین هزار بیت است در کتابخانه آستان قدس نگه داری می شود.

ملا عبدالرزاق از بزرگترین محقّقان عصر خود در حکمت مشّاء و اشراق و از بزرگترین متکلمان در چهار قرن اخیر بلکه یکی از محقّق ترین متکلمان در دوره های اسلامی می باشد، او برای فرار از مصیبت ها و مشکلاتی که استاد اعظم وی مرحوم ملاصدار بدانها مبتلا بود در ارائه مشی علمی خویش با احتیاط گام بر می داشت و سعی می کرد که معتقدات خود را از دید نامحرمان و کوته نظران پنهان بدارد.

این فیلسوف گرانقدر که از عنوان دامادی ملاصدرا برخوردار بود در حکمت الهی نیز زانوی شاگردی را در مقابل ایشان زده و کتاب مبداء و معاد و قسمتی از أسفار و شواهد در رساله حرکت را در محضر آن استاد قرائت نموده و از روی نسخه اصلی کتاب مبدأ و معاد آن را با خط خود به رشته تحریر در آورده است.(۲)

یکی از نکاتی که در بُعد علمی ایشان قابل توجه است این است که ایشان در مباحث نظری از مرحوم فیض (داماد دیگر ملاصدرا) عمیق تر و دقیق تر بوده است و بر خلاف تصوّر بعضی که بر این باورند که ایشان در افکار فلسفی، تابع مسلک مشّأ است و از افکار

۱- ۱ . موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، ج۴، ص۱۹۶.

۲- ۲ . ر.ك: منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۱، ص۲۷۴ - ۲۷۲.

ملاصـدرا منفعـل و متأثر نشـده است، در حقیقت مشـی ایشان، مشـی اشـراق بوده و به مبانی اسـتاد خویش اعتقاد داشـته است، بهـترین شاهـد بر این مـدعا، کلام خود ایشـان است که در اواخر کتـاب گوهر مراد می گویـد: «ان طریقه الاشـراق هی طریقه الانبیاء تدعو الخواص من العالم الی احدیّه الوجود و أن طریقه أهل الرأی هی طریقه القاصـرین عن نیل سلوک الذات.» و دقیقاً در همین راسـتا بوده که مرحوم عبـدالرزاق شواهد ربوبیّه و مبدأ و معاد ملاصدرا و شـرح حکمت اشـراق را تدریس می نموده است.(۱)

او دارای مطالعات و اطلاعات وسـیعی در آثار عرفاء و حکمای اشـراق بوده و گاهی که به تناسب وارد مباحث عرفانی و ذوقی می شود با کمال مهارت، آن مباحث را تحریر می کند و آراء و تصرفات حکیمانه خویش را به نمایش می گذارد.(۲)

اسـتاد سـید جلال الـدین آشتیانی در ترسـیم شخصـیت این حکیم بزرگ می گویـد «در بین متأخّران و متصـدّیان بیان معرفت حقایق، حقیر کمتر کسـی را سـراغ دارد که نظیر ایشان، متعبّد به افکار عرفای صوفیّه و این نحو تسلیم عقاید اهل عرفان باشد با وجود آنکه شخصـیّت او برای همگان روشن است اما از جهاتی نیز قابل مطالعه است و به عقیده حقیر در بین متأخّران کم نظیر است و در دقت نظر و تحقیق از راسـخان در حکمت و فلسـفه است در فلسفه مشاء فیلسوفی راسخ و در کلمات اشراق حکیمی متضلّع و در احاطه بر اقوال متکلّمین از شخصیتهای

۱- ۱ . ر.ک: آشتیانی، سید جلال الدین، مقدمه شواهد ربوبیه، ص۸۱ - ۸۰.

۲- ۲ . منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۱، ص۲۰۳.

بارز شیعه است.(۱)

حکیم لاهیجی بر قسمتی از مباحث طبیعی شرح اشارات علامه طوسی «ره» نیز شرح نوشته و اگر چه منظور ایشان بیان مقاصد شارح محقق اشارات و بر طرف نمودن اشکالات صاحب محاکمات بر خواجه است اما از شرح و توضیح کتاب اشارات دریغ نورزیده و تصمیم ایشان بر این بوده که تمام قسمت های طبیعی و الهی شرح اشارات را حاشیه بزند، هر چند توفیق این کار برای او حاصل نشده است و تنها حاشیه ایشان بر قسمت دوم شرح اشارات (جزء طبیعی کتاب) به رشته تحریر در آمده است این تعلیقات از تحقیقی ترین آثار در حکمت بحثی و فلسفه مشّایی می باشد، وی معتقد بود که امثال قطب رازی صاحب محاکمات، از توان درک نکات علمی و رموز کلمات خواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله علیه (شارح اشارات) ناتوان است و در همین راستاست که خود تصریح می کند «محاکم از وراء أستار حجُب به تقریر مطالب خواجه پرداخته است»(۲)

اساتید

اساتید

دو استاد گرانقدر این فیلسوف بزرگ عبارتند از:

الف: مرحوم صدرالمتألهین(۳)

ب: مرحوم سید محمّد باقر شمس الدین محمد الحسینی استرآبادی

ص: ۱۲

۱- ۱ . همان، ج۱، صص ۲۸۵ و ۳۰۵.

۲- ۲ . همان، ج۱، ص۳۵۰.

۳- ۳ . امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج۷، ص۴۲۰.

معروف به داماد.(۱)

شاگردان

شاگردان

برخی از شاگردان ایشان عبارتند از:

الف: قاضی سعید قمی.

ب: میرزا حسن لاهیجی (پسر ایشان).

ج: ملا محمدباقر (پسر ایشان).(۲)

تألیفات

تألیفات

از حکیم لاهیجی تألیفات و آثار بسیاری به جای مانده است اما آمار تمام آنها قابل دسترسی نمی باشد، ما در این مجال، برخی از آنها را بر می شمریم،

۱. گوهر مراد

۲. سرمایه ایمان

۳. شرح تجرید (مشارق الالهام)(۳)

۴. شوارق الالهام

۵. شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق

۶. حاشیه ای بر تعلیقات خفری بر الهیات شرح تجرید

۷. حاشیه ای بر اشارات خواجه نصیرالدین طوسی

۱- ۱ . نعمه عبدالله، فلاسفه شیعه، دارالکتب الاسلامی.

۲- ۲ . ر.ک: دوّانی علی، مفاخر اسلام، ج۷، صص ۱۸۲ و ۱۷.

۳- ۳ . شوارق و مشـارق، دو اثر متفاوت می باشـند نه یک اثر با دو نام متفاوت، ر.ک: روضات الجنات، ج۴، ص۱۹۶ و اعیان الشیعه، ج۷، ص۴۷۰ و ریحانه الادب، ج۴، ص۶۲.

۸. الکلمات الطیبه (داوری بین دو استاد خود درباره اصالت وجود و اصالت ماهیت)

۹. ریاض العلماء

۱۰. حاشیه بر تعلیقه ملا عبدالله یزدی بر تهذیب المنطق

۱۱. حاشیه جواهر و أعراض شرح تجرید قوشجی

۱۲. رساله ای در حدوث عالم

۱۳. دیوان شعر (حاوی دوازده هزار بیت)(۱)

ابتکارات

ابتکارات

محقق لاهیجی در مباحث عقلی و فلسفی و کلامی نوآوری هایی دارند، در این نوشتار ما دو نمونه از آن ها را بیان می کنیم:

الف: ایشان درباره نحوه علم واجب الوجود می گوید: چون واجب الوجود، مجرّد است و هر مجرّدی عالم به ذات، بنابراین واجب الوجود به ذات خود عالم است، از طرف دیگر چون واجب الوجود به ذات خود علم دارد لازمه آن این است که به جمیع موجودات علم داشته باشد، زیرا همه آنها معلول و مخلوق او هستند و علم به علت مستلزم علم به معلول است.

توضیح آنکه، مراد از علم به علت، علم به وجهی است که علّت، به همان وجه، علت می باشد و آن وجه، مناسبت خاصی است که بین علت و

۱- ۱ . ر.ک: موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر، روضات الجنات، ج۴، ص۱۹۷ - ۱۹۶ و مدرس محمد علی، ریحانه الادب، ج۴، ص۳۶۲ و امین سید محسن، أعیان الشیعه، ج۷، ص ۴۷۱ - ۴۷۰ و قمی، حاج شیخ عباس، الکنی و الالقاب، ج۳، ص ۳۰.

معلول موجود است و بخاطر همان مناسبت خاص، معلول از او صادر می شود و علم به مناسبت به ناچار مستلزم علم به طرفین است پس علم به علت، از وجهی که واجب الوجود بخاطر آن وجه، علت معلول خود است عین ذات واجب الوجود است وجهتی زاید بر ذات در واجب الوجود، متحقّق نیست، بنابراین وقتی واجب الوجود عالم باشد به ذات خود، و ذات او به ذات های دیگر به منزله علت باشد، این نکته صدق می کند که واجب الوجود عالم است به علت معلول و خود معلول.(۱)

ب: وی در جلد اول و دوّم شوارق، اشتداد در حرکت جوهری را ابطال نموده و عمده استدلال ایشان در این زمینه «عدم بقاء موضوع در حرکت اشتدادی» می باشد.(۲)

وی در کتاب «گوهر مراد» ابراز می کند که دلیل عدم امکان حرکت در مقوله جوهر این است که جوهر، ذاتی جسمیّت است و حرکت در ذاتیات ناممکن است زیرا تمامیّت شی ء به ذاتیات آن است.(۳) سرانجام این حکیم نامدار در تاریخ ۱۰۷۲ هجری قمری در شهر مقدس قم دنیا را بدرود گفت(۴) و جنازه مطهر ایشان در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.(۵)

۱- ۱ . ر.ک: لاهیجی عبدالرزاق، گزیده گوهر مراد، ص۱۷۶.

۲- ۲ . منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۱، ص۲۹۱.

۳- ۳ . گوهر مراد، چاپ بمبئی، ص۵۲.

۴- ۴ . برخی از مورخین سال وفات را ۱۰۵۱ ه ق ثبت کرده اند به عنوان نمونه ر.ک: روضات الجنات، ج۴، ص۱۹۶، مفاخر اسلام، ج۷، ص۳۰.

۵- ۵ . ریحانه الادب، ج۴، ص۳۶۳.

محمد سعید بن محمد مفید قمی (معروف به قاضی سعید قمی)

اشاره

محمد سعید بن محمد مفید قمی (معروف به قاضی سعید قمی)

قاضی سعید معروف به حکیم کوچک(۱) در سال ۱۰۴۹ ه . ق در شهر قم دیده به دنیا گشود و بیشتر عمر با برکت خویش را در شهر قم به تدریس و تعلیم و تعلّم اشتغال داشت او در اوایل امر، حکمیّات را نزد مرحوم عبدالرزاق لاهیجی در شهر قم و مرحوم رجب علی تبریزی در اصفهان قرائت کرد.(۲) پس از مراجعت از اصفهان تا پایان عمر شریف خود در شهر قم اقامت نمود، وی شخصیتی جامع و دارای دستی باز در مراتب ولایت و عرفان و از اعاظم فضلاء در حکمت، ادب، حدیث و تأویل، مورد تأیید خدای متعال در مسیر استنباط نکات علمی و دقیق و اسرار علوم بود در برهه ای از عمر گرانبهای خود در شهر قم، متصدی منصب قضاوت شد که در دیدگاه برخی از مورخین، اعطای این منصب به ایشان شاهدی بر قوت علمی و فقهی ایشان می باشد.(۳)

بنابر آنچه از متون تاریخی استفاده می شود قاضی سعید دارای اخلاقی نیکو و صفاتی پسندیده و بیشترین گرایش علمی او در مباحث عرفانی و ذوقی بوده است او احادیث اسلامی را ملاک مباحث قرار می داد و مباحث عرفانی را با آنها تطبیق می داد در اکثر علوم خصوصاً حکمت نظری دارای طبعی متین می باشد.(۴)

ص: ۱۶

۱- ۱ . ر.ک: منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکما و عرفای متاخر، ص۱۳۵/ انتشارات حکمت/ تهران ۱۳۸۱.

۲- ۲ . همان، ص۱۳۵ و تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه جواد طباطبایی، ص۴۸۸.

۳- ۳ . ر.ک: روضات الجنات، ج۴، ص۹ و فوائد رضویه، ص۶۲۷.

۴- ۴ . روضات الجنات، ج۴، ص۱۱ و نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره الشعرا، ص۲۴۱/ انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸.

در فلسفه مشّاء از شاگردان ملا رجب علی تبریزی بوده و برخی از آثار گران سنگ خویش را تقدیم آن استاد بزرگ نموده و یکی دو اثر از آثار استاد خود را نیز ترجمه کرده است.

رساله اثبات واجب که اندیشمند معاصر سید جلال الدین آشتیانی برای به تصویر کشاندن افکار ملا رجب علی در بُعد حکمت الهی انتخاب کرده است مشتمل بر چند مسئله مهم فلسفی می باشد، در آن رساله و سایر آثار ملا رجب علی نیز میل به مسلک مشّاء، نمایان است و شاگردان او نیز به سبک استاد خود، اشتراک معنوی وجود را تقریر و تبیین نموده اند.(۱)

اساتید

اساتید

۱ - ملا محسن فیض کاشانی

۲ - ملا عبدالرزاق لاهیجی

۳ - ملا رجب علی تبریزی

۴ - محمد مفید قمی (محمدباقر)، پدر ایشان

۵ - محمدحسین قمی (برادر بزرگ ایشان)

۶ - سیّد ماجد بحرینی

شاگردان

شاگردان

۱ - کاظم ابن آقاصادق

۲ - محمدکریم

۱- ۱ . منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۱، ص۲۳۸ - ۲۳۷.

۳ - ملاعباس

۴ - محمدحسن قمی

تألیفات

تألیفات

از این حکیم وارسته آثار متعددی به جای مانده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱ - شرح توحید صدوق (۳ جلد)

۲ - شرح اربعین

۳ - اربعینیّات (لکشف أنوار القدسیّات)

۴ - حاشیه بر اثولوجیای ارسطو

۵ - کلید بهشت (طرح نظریه تباین وجود استاد رجب علی تبریزی)

۶ - اسرارالصنایع در صناعات خمسه منطق

۷ - شرح حدیث بساط

۸ - شرح حدیث غمام

۹ - حقیقه الصلاه

۱۰ - اسرار الصلاه

۱۱ - حاشیه بر اشارات خواجه نصیرالدین طوسی

۱۲ - شرح کافی(۱)

---

۱ - ۱ . ر.ک: الف، شیخ عباس قمی، فوائد رضویّه، ص۶۲۸ - ۶۲۷. ب، ریحانه الادب، ج۴، ص۴۱۳ - ۴۱۲. ج، روضات الجنات، ج۴، ص۱۰.

ابتکارات

ابتکارات

شاید به سختی بتوان از دیدگاه ها و نظریات قاضی سعید، نوآوری خاصی را ارائه کرد هر چند که وی، عالی ترین مباحث مربوط به نفس و عقل و نحوه ارتباط بین عقول و نفوس و نحوه تعلق نفوس و اجسام به انضمام نکات لطیفی از افکار صاحب نظران را، پیرامون شرح چهارم میمر اثولوجیا با کمال مهارت تبیین کرده است.(۱)

ما در این مجال، برخی از دیدگاههای ایشان را به صورت اختصار بیان می کنیم:

الف: در نظر ایشان نفوس نباتی، حیوانی و انسانی از تجرّد برخوردار هستند زیرا خواص صور مادی در آنها وجود ندارد.(۲)

ب: در دیدگاه این حکیم، نحوه ترکیب وجود و ماهیّت، انضمامی می باشد بدین سان که وجود در خارج، زاید بر ماهیّت محسوب گردیده و حمل وجود بر ماهیّت، نظیر حمل أعراض خارجی بر جوهر تلقّی می شود.(۳)

ج: موضوع فلسفه در نظر ایشان، نه وجود است نه موجود بلکه شی ء است و شی ء نیز مشترک معنوی است.(۴)

د: قاضی سعید نظیر برخی از چهره های متکلّم، تسلسل بدون شرط اجتماع در وجود و ترتّب را، امری باطل محسوب نموده و می گوید «غیر متناهی بودن سلسله اعداد، مطلقا محال است خواه مترتّب باشند

۱- ۱ . منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۳، ص۷۳، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۷۸.

۲- ۲ . کلید بهشت، ص۱۰۶.

۳- ۳ . منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۱، ص۲۵۷.

۴- ۴ . همان، ج۲، ص۴۶۵.

همانند سلسله علل فاعلیه خواه غیر مترتّب، چنانکه برخی آن را در نفوس انسانی پذیرفته اند.(۱)

س: در دیدگاه قاضی سعید، چون خدای متعال دارای ماهیت نمی باشد تا با وجود مقایسه شود، نمی توان بر ذات او واجب الوجود را اطلاق نمود و اگر چنین اطلاقی صورت پذیرد تنها مجاز است نه حقیقت.(۲)

سرانجام این فیلسوف گرانقدر در سال ۱۱۰۳ هجری قمری در شهر مقدس قم به دیدار معبود خویش شتافت(۳) و در کنار مرقد حکیم هیدجی در نزدیکی مقبره ابن بابویه رحمه الله علیه جنب مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (روبروی پارک سوم خرداد) به خاک سپرده شد.(۴)

میرزا حسن لاهیجی قمی

اشاره

میرزا حسن لاهیجی قمی

شخصیت وارسته، عارف، متکلم و حکیم، میرزا حسن لاهیجی فرزند ملا عبدالرزاق لاهیجی قمی می باشد، سال تولد او به صورت قطعی مشخص نشده است اما بنابر احتمال ۱۰۴۵ ه . ق و بنابر نظر برخی از مورخین در شهر مقدس قم بوده است.(۵)

حکیمی که بنابر شهادت تاریخ یکی از نوادر زمان و یکی از اعجوبه های روزگار خویش بوده(۶) و با سیر در دریای علوم الهی نکات

۱- ۱ . کلید بهشت، ص۵۴.

۲- ۲ . شرح توحید صدوق، ج۱، ص۳۸۳.

۳- ۳ . الذریعه، ج۶، ص۱۲.

۴- ۴ . گنجینه دانشمندان، ج۱، ص۱۱۹.

۵- ۵ . ر.ک: افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، ج۳، ص۲۰۷.

۶- ۶ . قزوینی عبدالنبی، تتمیم امل الآمل، ص۱۰۹، مکتبه آیه الله مرعشی/ قم، ۱۴۰۷.

ظریف و اسرار پنهان را استخراج و استنباط می کرد هنگامی که بر کرسی تدریس تکیه می زد اندیشمندان را به خاطر نکته سنجی های دقیق خویش خیره و مبهوت می ساخت(۱)، این حکیم فرزانه در برهه ای از عمر شریف خود که مصادف با دوران پس از رحلت پدر بزرگوار ایشان بود به عتبات عالیات، مسافرت نمود و به محضر مشایخ و اعاظم عصر در فقه و حدیث شرفیاب شد تا بدانجا که در فروع فقهی و حدیث شناسی به مراتب عالیه دست یافت و سپس به قم مراجعت کرده و به مطالعه، تدریس و تألیف پرداخت، رشد فزاینده علمی ایشان در دیدگاه برخی از اندیشمندان به گونه ای بوده است که از پدر گرانقدر خود نیز سبقت گرفته(۲) و تدریس او در رشته حکمت و کلام بوده است.

از کتاب «زواهر الحکم» وی، تسلط فراگیر او بر دریای پهناور مباحث عقلی و فلسفی و مباحث الهی معلوم می شود میرزا حسن به حسب ظاهر دارای مشرب مشایی و همانند پدر از اتباع شیخ الرئیس و شارح افکار ابن سینا و قائل به اصالت و وحدت حقیقت وجود بوده است.(۳)

شاگردان

شاگردان

شکی نیست که این حکیم فرزانه شاگردان متعدّدی را تربیت کرده و از این مسیر خدمات شایانی را به حوزه های علمیّه و جهان تشیع کرده است اما در کتب تراجم و تاریخ، اسامی همه آنها ضبط نشده است، ما

ص: ۲۱

۱- ۱ . همان، ص ۱۱۰.

۲- ۲ . همان، ص۱۱۱.

۳- ۳ . منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۳، ص۱۷.

در این مجال، تنها نام برخی از آنها را بیان می کنیم:

۱ - محمد بن صفی الدین

۲ - محمدتقی شریف رضوی قمی

۳ - میر عبدالرحمن بن کمال الدین

۴ - مرتضی بن روح الامین حسینی(۱)

اساتید

اساتید

۱ - ملا عبدالرزاق لاهیجی قمی

۲ - قاضی سعید قمی (احتمالاً)

۳ - فیض کاشانی (احتمالاً)(۲)

تألیفات

تألیفات

از این حکیم گران مایه، آثار متعدّدی در زمینه های کلام، فلسفه، حدیث، فقه و عرفان به یادگار مانده است که فهرست آنها عبارتست از:

۱ - زواهر الحکم

۲ - روایع الکلم و بدایع الحکم

۳ - آئینه حکمت

۴ - شمع الیقین

۵ - اثبات الرجعه

۶ - اصول دین

۱- ۱ . ر.ك: تذكره الشعراء، ص۳۶۵ و طبقات اعلام الشيعه، ص۱۸۰ - ۱۷۹ و الذريعه، ج۹، ص۶۸۶ و ستارگان حرم، ج۷، ص۵۴ - ۵۳.

۲- ۲ . تتميم أمل الآمل، ص۱۰۸.

۷ - ألفه الفرقه

۸ - تاليف المحبّه و تزكيه الصحبه

۹ - التقيّه

۱۰ - مصابيح الهدى و مفاتيح المنى

۱۱ - جمال الصالحين و السالكين

۱۲ - شرح اشارات

۱۳ - حاشيه وافى

۱۴ - رساله الزكيّه الزكاتيّه

۱۵ - هديّه المسافر

۱۶ - تحفه المسافر

۱۷ - رساله فى الغيبه

۱۸ - شرح صحيفه سجاديّه

۱۹ - مجمع البحرين

۲۰ - الشجره المنهيّه

۲۱ - درّ مكنون

۲۲ - حاشيه بر شوارق الإلهام

۲۳ - ابطال التناسخ

۲۴ - فهرس ابواب قطعه من الوافى

۲۵ - حقيقه النفس(۱)

۱ - ۱ . ر.ك: الف - منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۳، ص۱۶. ب - مفاخر اسلام، علی دوانی، ج۷، ص۴۱ - ۴۰، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی/ ۱۳۷۵. ج - محمدعلی مدرس، ریحانه الادب، ج۴، ص۳۶۳. س - افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، ج۳، ص۲۰۷. ش - قزوینی، عبدالنبی، تتمیم امل الامل، ص۱۱۰. ص - جمعی از نویسندگان، ستارگان حرم، ج۷، ص۵۷ - ۵۵.

سرانجام این حکیم جامع و متشرّع در سال ۱۱۲۱ ق دنیا را بدرود گفت و در شهر قم،ابتدای خیابان ارم، روبروی قبرستان شیخان مدفون گردید، مرقد منور ایشان در طی دهه های اخیر در اثر اصلاحات و تعریض معابر، در ابتدای ورودی خیابان چهارمردان و جنب پاساژ کویتی ها واقع شده است.

میرزا علی اکبر حکمی یزدی قمی

اشاره

میرزا علی اکبر حکمی یزدی قمی

فیلسوف عالی مقام، میرزا علی اکبر فرزند میرزا ابوالحسن تاجر اردکانی در سال ۱۲۶۴ ق در شهر یزد دیده به دنیا گشود و تحصیلات مقدماتی، نظیر صرف و نحو و ادبیات را نزد اساتید همان شهر فراگرفت سپس به اصفهان عزیمت کرده و برای مدت چهل سال تمام همه فکر و هم و غم او تحصیل علم بود تا بدانجا که در این مدت طولانی حتی به خود اجازه گردش و تفریح و بازدید از آن شهر را نداد بعد به تهران آمد و در مدرسه شیخ عبدالحسین اقامت کرد، مدت اقامت ایشان در تهران، مشخّص نیست در اثنای توقف در تهران از شهر قم همسر خود را انتخاب کرده(۱) و همزمان با ورود مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم در مدرسه خان بر کرسی تدریس نشسته(۲) و علوم عقلیه را به شاگردان خود تعلیم می دهد بنابر نظر

۱- ۱ . حکمی یزدی، میرزا علی اکبر، رسائل حکمیه، ص۱۱/ وزارت ارشاد، ۱۳۶۵.

۲- ۲ . همان، ص۱۴ – ۱۳.

برخی از اندیشمندان، میرزا علی اکبر در علوم ریاضی دارای مهارت ویژه و زبانزدی بوده است هر چند که در برخی از علوم دیگر نظیر فلسفه، فقه و اصول نیز صاحب نظری توانمند محسوب می شده است(۱)

شاگردان

شاگردان

این حکیم بزرگ در حوزه مقدسه قم شاگردان بسیاری را تربیت نموده که هر کدام از آنها دارای شخصیتی بسیار والا ـ و جایگاهی رفیع می باشند، در این مجال نام برخی از آنها را بیان می کنیم:

۱ – سید محمدتقی خوانساری

۲ – سید احمد خوانساری

۳ – سید روح الله خمینی

۴ – شیخ محمدعلی بن محمدجعفر قمی

۵ – میرزا محمدتقی اشراقی

۶ – سید علی یثربی

۷ – میرزا خلیل کمره ای

۸ – میرزا ابوالحسن شعرانی

۹ – سید کاظم عصّار تهرانی

۱۰ – حسن فرید گلپایگانی

۱– ۱ . آشتیانی، سید جلال الدین، مقدمه شواهد ربوبیه، ص۱۰۵/ المرکز الجامعی للنشر/ مشهد، ۱۳۶۰.

۱۱ – میر سیّدعلی برقعی

۱۲ – سیّد ابوالحسن رفیعی قزوینی

۱۳ – میرزا ابوالفضل زاهدی قمی

۱۴ – میرزا محمدعلی شاه آبادی

۱۵ – میرزا احمد آشتیانی

۱۶ – حاج آقا حسین قمی طباطبایی

۱۷ – سید علی اکبر برقعی

۱۸ – سید شهاب الدین مرعشی نجفی(۱)

اساتید

اساتید

۱ – میرزا ابوالحسن جلوه

۲ – میرزا حسین سبزواری

۳ – سید علی حکیم

۴ – سید محمدرضا

۵ – میرزا ابوالقاسم کلانتری

۶ – میرزا محمدحسن آشتیانی

۷ – محمدرضا قمشه ای

---

۱ – ۱ . ر.ک. الف – خدمات متقابل اسلام و ایران، ص۵۴۷. ب. آینه دانشوران، ص۲۱۱ – ۲۰۹ و ۷۱۸ ج. رسایل حکمیه، ص۲۳ و ۱۷ و ۱۶. د. در آسمان معرفت، ص۳۳۷. س. ستارگان حرم، ج۲، ص۱۰۸ – ۱۰۷. ش. مقدمه شواهد ربوبیه، ص۱۱۰.

ص. طبقات اعلام الشیعه، قسم چهارم از جزء اول، ص۱۶۰۸.

۸ – آقا علی مدرس زنوری

۹ – آخوند ملامحمد کاشی

۱۰ – جهانگیر خان قشقایی

۱۱ – میرزا محمدباقر اصطهباناتی(۱)

تألیفات

تألیفات

۱ – الرّضاعیات

۲ – شرح شواهد ربوبیّه

۳ – شرح مکاسب

۴ – شرح رسائل

۵ – بدایع الاصول

۶ – رساله عمادیّه

۷ – رسائل حکمیّه

۸ – حاشیه بر أسفار

۹ – حاشیه بر فصوص

۱۰ – حاشیه بر قوانین(۲)

سرانجام این فیلسوف فرزانه پس از ۸۰ سال عمر پر تلاش و باعزت در سال ۱۳۴۴ ق دار فانی را وداع و در قبرستان شیخان قم در جوار

۱– ۱ . ر.ک: الف. ریحانه الادب، ج۶، ص۳۸۱. ب. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص۵۴۶. ج. مقدمه شواهد ربوبیه، ص۱۲۹.

د. طبقات اعلام الشیعه، قسم چهارم از جزء اول، ص۱۶۰۸ - ۱۶۰۷.

۲- ۲ . ر.ک: رسائل حکمیه، ص۲۲ و آینه دانشوران، ص۷۱۸.

مرقد منوّر زکریّا بن آدم مدفون گردید.

میرزا محمدعلی شاه آبادی

اشاره

میرزا محمدعلی شاه آبادی

عارف کامل و فیلسوف وارسته میرزا محمدعلی فرزند عالم بزرگوار مرحوم محمدجواد اصفهانی در سال ۱۲۹۲ ق در اصفهان دیده به دنیا گشود و نزد پدر خود و میرزا محمد هاشم چهارسوقی و برادر بزرگ خویش شیخ احمد مجتهد به تحصیل علم پرداخت و پس از آن به تهران عزیمت نمود و در حوزه درس میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی حاضر شد.

او در راستای تکامل علمی و معنوی خویش در برهه ای از عمر شریف خود، رهسپار نجف اشرف گردیده واز محضر آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی و اساتید بزرگ دیگر بهره ها برد در مرحله بعد به هم جواری با دو امام همام امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در شهر سامرا نائل شد و در آنجا نیز به ادامه تحصیل و تهذیب پرداخت.

میرزا محمدعلی که در این مرحله از زندگی پربار خود، عالمی کامل محسوب می گشت از عراق به طرف ایران و شهر قم هجرت می کند و پس از مدتی اقامت در قم، مجدداً به تهران رفته و در محله شاه آباد سکنی گزیده و در مسجد سراج الملک که مسجد پدر ایشان بوده است اقامه جماعت کرده و به تبیین معارف نورانی اسلام و احکام سعادت بخش آن می پردازد در سال ۱۳۴۷ ق برای بار دوم به مقصد قم حرکت نموده و در حوزه مقدسه قم بر کرسی تدریس تکیه می زند، در فاصله

هفت یا هشت سالی که در قم به تدریس و تعلیم علوم عقلی و نقلی می پردازد، تربیت نفوس بزرگی نظیر حضرت امام خمینی قدس سره را عهده دار می گردد(۱) این استاد فرزانه و ماهر در فلسفه و عرفان علاوه بر أسفار و منظومه، شرح فصوص و مصباح الاُنس را نیز به شاگردان خود تعلیم می داد(۲)

در نهایت پس از سالها رنج و تلاش در قم، در سال ۱۳۵۴ ق برای بار سوم به تهران عزیمت کرد، و به مدت پانزده سال در آنجا به تبلیغ احکام و معارف نورانی دین و انجام وظائف دینی خود، مشغول می شوند و سرانجام در روز پنج شنبه سوم ماه صفر ۱۳۶۹ ق به دیدار حق شتافت و در مقبره شیخ ابوالفتوح در حرم عبدالعظیم حسنی مدفون گردید.(۳)

شاگردان

شاگردان

۱ - سید روح الله خمینی

۲ - سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۳ - آخوند ملاعلی همدانی

۴ - سید موسی مازندرانی

۵ - شهاب الدین ملایری

۱- ۱ . ر.ک: الف. آینه دانشوران، ص۱۸۵ - ۱۸۴. ب. طبقات اعلام الشیعه، قسم چهارم از جزء اول، ص۱۳۷۰. ج. در آسمان معرفت، ص۳۳۷. د. زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقایی، ص۱۳۶ - ۱۳۵.

۲- ۲ . مقدمه شواهد ربوبیه، ص۱۱۱.

۳- ۳ . طبقات اعلام الشیعه، ص۱۳۷۰.

۶ - شیخ راضی

۷ - میرزا حسن یزدی

۸ - میرزا خلیل کمره ای

۹ - میرسیدحسن احمدی

۱۰ - میرزا هاشم آملی

۱۱ - سیدعلی بهشتی

۱۲ - سیدمصطفی صفایی خوانساری

۱۳ - پروفسور عبدالجواد فلاطوری

۱۴ - دکتر ابوالقاسم گرجی

۱۵ - آیت الله حق شناس

۱۶ - شیخ علی محدث زاده

۱۷ - سیدرضا بهاءالدینی(۱)

اساتید

اساتید

۱ - میرزا محمدحسن آشتیانی

۲ - آخوند ملامحمدکاظم خراسانی (صاحب کفایه)

۳ - شیخ فضل الله نوری

۴ - میرزا عبدالرزاق سرتیپ

۵ - شیخ الشریعه اصفهانی

۶ - میرزا حسین خلیلی

۷ - میرزا محمدتقی شیرازی (میرزای کوچک)

ص: ۳۰

۱- ۱ . ر.ک: فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، پاییز ۱۳۷۱، صص ۱۹۰ - ۱۸۹.

۸ - میرزا محمدهاشم چهارسوقی

۹ - میرزا ابوالحسن جلوه

۱۰ - میرزا هاشم گیلانی اشکوری

۱۱ - محمدجواد اصفهانی (پدر ایشان)

۱۲ - شیخ احمد مجتهد بیدآبادی (برادر بزرگ ایشان)(۱)

تألیفات

تألیفات

۱ - القرآن و العتره

۲ - الایمان و الرّجعه

۳ - الانسان و الفطره

۴ - شذرات المعارف

۵ - مرام الاسلام

۶ - حاشیه الکفایه

۷ - منازل السالکین

۸ - العقل و الجهل

۹ - مفتاح السعاده فی احکام العباده

۱۰ - رساله ای در نبوّت خاصه

۱۱ - رَشَحات البحار

۱۲ - رساله شرکت مخمّس

۱۳ - حاشیه ای بر رساله نجاه العباد صاحب جواهر رحمه الله

---

۱ – ۱ . ر.ك: آینه دانشوران، ص۱۸۴، و مقدمه شواهد ربوبیّه، ص۱۱۱، و طبقات اعلام الشیعه، ص۱۳۷۰ و عارف کامل، مقدمه کتاب، قسمت اساتید مرحوم شاه آبادی.

علیه.(۱)

میرزا مهدی مدرّس آشتیانی

اشاره

میرزا مهدی مدرّس آشتیانی

میرزا مهـدی فرزند مرحوم میرزا جعفر معروف به آقامیرزا کوچک(۲)، در ذیقعده ۱۳۰۶ ق در تهران دیـده به دنیا گشود او از حیث مـادر به میرزا محمـدحسن آشتیـانی منسوب است، بـدین سان که مادر گرامی او فرزنـد آن بزرگوار می باشـد، او که در سنین طفولیت از هوش سرشاری برخوردار بود در پنج سالگی توفیق تلاوت آیات کلام الله مجید را پیدا نمود، با وجود آن که سنّ او بسـیار کم بود به تحصـیل علوم ادبی نقلی و عقلی پرداخته و در محـدوده این علوم تا سن پانزده سالگی موفق به کسـب اجازه از تعدادی اساتید می شود در سـنین نوجوانی و ابتدای سنّ جوانی در محضر مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه به تکمیل علوم عقلی می پردازد، با از دست دادن آن اسـتاد و مونس بزرگ به محضـر میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا هاشم گیلانی شـرفیاب می شود بـا کسب پـاره ای از فیوضـات از آن دو بزرگوار راهی بخـارا شـده و برای مـدت یـک سـال رحـل اقـامت را در آنجا افکنده و به تدریس اشتغال پیدا می کند.(۳)

در سال ۱۳۲۷ ق در حـالی که هنوز بیش از ۲۱ سـال نـداشت به عتبات عالیات مشـرّف می شود در آنجا نیز پس از بهره های معنوی و علمی

۱- ۱ . طبقات اعلام الشیعه، ص ۱۳۷۰ و عارف کامل، صص ۲۲۹ و ۲۲۸ و ۱۵۹.

۲- ۲ . به همین مناسبت به میرزای کوچک نیز موسوم بوده است.

۳- ۳ . ر.ک: خیابانی، تاریخ علمای معاصرین، ص۲۵۸ – ۲۵۷/ تهران/ اسلامیه، ۱۳۶۶.

بسیاری که نصیب او می شود به ایران باز می گردد، این حکیم با شور و فعّال از همان دوران جوانی به عنوان مدرس رسمی مدرسه سپهسالار تهران در رشته فلسفه و عرفان(۱) محسوب گردیده و برای سال های متمادی به تربیت شاگردان خویش مشغول می شود در سال ۱۳۶۵ق در حالی که با فوجی از دعوت ها از جانب طلاب و فضلای قم مواجه می شود به سوی قم حرکت نموده و بساط تدریس را در حوزه مقدسه قم پهن می کند(۲) و از دریای معلومات و اندوخته های خود، بسیاری از دانش پژوهان را سیراب می کند.

سرانجام این فیلسوف پرتوان و پرکار در ساعت ده و پانزده دقیقه صبح روز پنج شنبه نهم شعبان ۱۳۷۲ ق مطابق با سوم اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ در حالی که جسم خاکی او رو به قبله در حالت نشسته بود قفس تن را بشکست و روح بلند او به ملکوت اعلی پیوست.(۳)

اساتید

اساتید

۱ - محمدرضا حکیم قمشه ای

۲ - میرزا حسن کرمانشاهی

۳ - میرزا هاشم اشکوری

۴ - میرزا ابوالحسن جلوه

۵ - شیخ عبدالحسین سیبویه

۶ - میرزا محمدحسین سلطان الفلاسفه

ص: ۳۳

۱- ۱ . خدمات متقابل اسلام و ایران، ص۵۵۳.

۲- ۲ . همان.

۳- ۳ . تاریخ حکما و عرفای متاخر، ص۳۹۴.

۷ - میرزا ابوالقاسم نائینی (رئیس الاطباء در طب قدیم)

۸ - میرزا ابوالحسن خان (رئیس الاطباء در طب جدید)

۹ - سید الحکماء آقامیر شیرازی

۱۰ - میرزا علی اکبر خان ناظم الاطباء

۱۱ - میرزا جعفر (پدر ایشان)

۱۲ - شیخ مسیح طالقانی

۱۳ - آخوند ملاعبدالرسول

۱۴ - آقا سید عبدالکریم

۱۵ - نجم الدوله

۱۶ - میرزا جهان بخش منجّم

۱۷ - شیخ محمدحسین ریاضی(۱)

شاگردان

شاگردان

میرزا مهدی با نفس گرم خویش شاگردان بسیاری را تربیت نمود. ما در این مجال، نام برخی از آنها را بیان می کنیم:

۱ - شهید مرتضی مطهری

۲ - محمدرضا ربانی تربتی

۳ - حسن حسن زاده آملی

۴ - میرزا ابوالحسن شعرانی تهرانی

۵ - شیخ ابراهیم صاحب الزمانی

۱ - ۱ . ر.ک: الـف. تاریـخ حکمـا و عرفـای متـاخر، ص۴۸۳. ب. ریحـانه الادب، ج۳، ص۵۰۸. ج. تاریـخ علمای معاصـرین، ص۲۵۸ - ۲۵۷.

۶ – میرزا ابوالحسن خان فروغی

۷ – سید ابوطالب موسوی زنجانی

۸ – سید ابوالفضل کمالی سبزواری

۹ – دکتر ابوالقاسم گرجی

۱۰ – دکتر احمد عماد اصفهانی

۱۱ – میرزا احمد بن محسن خوشنویس

۱۲ – دکتر احمد مهدوی دامغانی

۱۳ – سید اسماعیل شفیعی

۱۴ – حاج اعتماد رشتی

۱۵ – محمدحسن بشروی

۱۶ – شیخ جعفر خندق آبادی کاشانی

۱۷ – شیخ جعفر زاهدی

۱۸ – سید جعفر شهیدی

۱۹ – سید جلال الدین آشتیانی

۲۰ – میرزا عبدالرحیم مدرس تبریزی

۲۱ – شیخ عبدالکریم جزایری

۲۲ – میرزا عبدالکریم روشن

۲۳ – سید عزّالدین امام زنجانی

۲۴ – شیخ علی محمد بن محمد جولستانی تویسرکانی

۲۵ – غلام رضا کیوان سمیعی

۲۶ – فاضل جندقی اردستانی

۲۷ – فاضل کریمی

ص: ۳۵

۲۸ – میرزا کاظم زرندی

۲۹ – سید جلال درّی

۳۰ – سید جواد مدنی کرمانی

۳۱ – جواد مصلح شیرازی

۳۲ – حسن خندق آبادی

۳۳ – سید حسین ابوترابی گیلانی

۳۴ – میرزا حسین نوری همدانی

۳۵ – شیخ حسین وحید خراسانی

۳۶ – میرزا حسین تابنده

۳۷ – سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۳۸ – شیخ عباسعلی شاهرودی

۳۹ – پروفسور عبدالجواد فلاطوری اصفهانی

۴۰ – علامه ترشیزی

۴۱ – شیخ علی دبیری زرندی

۴۲ – آخوند ملاعلی همدانی

۴۳ – علی اکبر داناسرشت صیرفی زنجانی(۱)

تألیفات

تألیفات

۱ – حاشیه بر شرح منظومه (در منطق)

۲ – حاشیه بر شرح منظومه (در فلسفه)

۳ - اساس التوحید

ص: ۳۶

۱- ۱ . ر.ک: صدوقی سها، منوچهر، تاریخ حکما و عرفای متاخر، ص۳۹۴ - ۳۸۰.

۴ – حاشیه بر شفاء

۵ – ترجمه اسفار

۶ – ترجمه اشارات

۷ – تعلیقه بر أسفار

۸ – تعلیقه بر اشارات

۹ – تعلیقات فصوص الحکم

۱۰ – تعلیقات لآلی المنتظمه

۱۱ – تعلیقات مصباح الاُنس

۱۲ – رساله ای در جبروتفویض

۱۳ – رساله ای در حقیقت کتاب و میزان به مذاق عرفاء

۱۴ – رساله ای در شق القمر

۱۵ – رساله ای در معاد جسمانی

۱۶ – شرح تحفه حکیم کمپانی

۱۷ – شرح حدیث عمران صابی

۱۸ – شرح مشکلات دیوان حافظ(۱)

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی

اشاره

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی

سید ابوالحسن فرزند سـید ابراهیم متولد در شهرستان قزوین در سال ۱۳۱۵ق است، او در بیت علم و پرهیزکاری دیده به جهان گشود و با توجّهات و عنایات پدر بزرگوار خود در مدرسه صالحیه همان شـهر به تحصیل کتب مقدماتی اعم از ادبی، منطقی، فقهی و اصولی پرداخت،

۱- ۱ . همان، ص۳۷۸ - ۳۷۷ و خدمات متقابل اسلام و ایران، ص۵۵۳.

پس از تکمیل آن کتب به منظور تکامل علمی به طرف حوزه علمیّه تهران که در آن زمان یکی از حوزه های پررونق دنیا خصوصاً در علوم عقلی به حساب می آمد حرکت کرد و در سال ۱۳۳۳ق در حلقه درس آیت حق مرحوم حاج شیخ عبدالنبی نوری شرکت کرد همزمان علاوه بر محضر آن بزرگ مرد از محضر آیات، حاج میرزا مسیح طالقانی، سید محمد تنکابنی و شیخ محمدرضا نوری در قسمت فقه و اصول استفاده ها برد از آنجا که علاقه وافر به علوم عقلی را در وجود خود حس می کرد برای تدرّس در رشته حکمت، زانوی ادب را در برابر حکیم متالّه، مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و دیگر اساتید فن، فرود آورد.

در رشته ریاضی، علوم هیئت، اسطرلاب و هندسه نیز از محضر میرزا ابراهیم زنجانی و شیخ علی رشتی بهره های بسیاری برد، در این برهه که سید، خود استادی ماهر و کامل محسوب می شد برای تدریس و هم چنین تدرّس بیشتر وارد حوزه علمیه قم می شود، ورود ایشان همزمان بود با سال تشکیل حوزه علمیه قم به دست با برکت حاج شیخ عبدالکریم (سال ۱۳۴۰ ق)، در همین راستا در حلقه درس فقه و اصول آن فقیه نامدار حاضر شده و از محضر ایشان استفاده شایانی می برد،(۱) در جنب شرکت در درس مرحوم حاج شیخ، به تدریس شرح منظومه، أسفار، کفایه و مکاسب می پردازد در همین راستا در سال ۱۳۴۴ با عنایات حاج شیخ در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام نیز بر کرسی تدریس تکیه زده و تشنگان معرفت

۱- ۱ . ر.ک: حسن حسن زاده آملی، در آسمان معرفت، ص۲۸۱ - ۲۷۹ و آینه دانشوران، ص۱۸۳.

را با بیان شیوا و فصیح خویش سیراب می سازد.

در یک جمله می توان ادعا کرد که این عالم وارسته یکی از عوامل عمده و اساسی در ترویج علوم الهی، فلسفه و حکمت متعالیه(۱) و یکی از نوابغ روزگار در علوم عقلی و نقلی محسوب می شد، سید ابوالحسن در هوش سرشار و قوت حافظه، تقریر لطیف و شیوا، فصاحت کلام و بیان روشن و بدون پیرایه زبانزد خواص بود در تعبیر و تفسیر آرای ملاصدرا و گشودن گره های علمی و معضلات أسفار، مهارت شگفت انگیزی داشته و همانند فارابی و مفید از قلمی موجز و پربار برخوردار بود. در سال ۱۳۴۸ ق، مراجع بزرگ وقت در ایران و نجف اشرف نظیر حاج شیخ عبدالکریم حائری، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدرضا مسجدشاهی، اجتهاد وی را امضا نموده و به او اجازه نقل روایت(۲) می دهند، پس از اخذ درجه اجتهاد به قزوین بازگشته و برای مدت سه سال با تدریس سطوح عالی فقه و اصول و حکمت و اقامه نماز در مسجد سلطانی قزوین به جامعه خدمات شایانی را تقدیم می کند، در سال ۱۳۸۰ ق برای مدت کوتاهی به قم بازگشته و سپس در تهران به تدریس می پردازد.(۳)

سرانجام این فیلسوف متالّه و فقیه توانمند در اول محرم ۱۳۹۶ ق ندای حق را در سن ۸۱ سالگی در شهر تهران لبیک گفته و پیکر مطهر او به قم انتقال یافته در مسجد بالاسر حرم مطهر کریمه اهل بیت حضرت

۱- ۱ . مقدمه شواهد ربوبیه، ص۱۱۱ – ۱۱۰.

۲- ۲ . مجموعه رسائل فلسفی، ص۷، تصحیح و مقدمه غلامحسین رضانژاد، سپهر ۱۳۶۷.

۳- ۳ . ستارگان حرم، ج۲، ص۸۶.

معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.(۱)

اساتید

اساتید

۱ – میرزا حسن کرمانشاهی

۲ – حاج فاضل تهرانی شمیرانی

۳ – میرزا محمود رضوان قمی

۴ – ملامحمد هیدجی زنجانی

۵ – حاج شیخ عبدالکریم حائری

۶ – میرزا ابراهیم زنجانی

۷ – شیخ علی رشتی

۸ – شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی

۹ – میرزا هاشم اشکوری

۱۰ – سید میرشیرازی

۱۱ – ملا علی اکبر تاکستانی

۱۲ – شیخ عبدالنبی نوری مازندرانی

۱۳ – سید محمد تنکابنی

۱۴ – شیخ محمدرضا نوری

۱۵ – شیخ ابوالقاسم کبیر قمی

۱۶ – میرزا مسیح طالقانی

۱۷ – ملا علی طارمی(۲)

۱- ۱ . در آسمان معرفت، ص ۲۸۰ - ۲۷۹.

۲- ۲ . ر.ک: الف. مقدمه شواهد ربوبیه، ص ۱۱۱ و ۱۰۵ ب. در آسمان معرفت، ص۲۸۸ - ۲۷۹. ج. آینه دانشوران، ص۱۸۳.

شاگردان

شاگردان

این استاد کامل شاگردان بسیاری را تربیت کرده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱ - امام خمینی قدس سره

۲ - حسن حسن زاده آملی

۳ - محی الدین انواری

۴ - سیدرضی شیرازی

۵ - مصطفی امام جمعه ای

۶ - شاهچراغی

۷ - حکیم ذهبی شیرازی

۸ - مهدوی کنی

۹ - سید مهدی کشفی

۱۰ - شیخ شعبان لنگرودی

۱۱ - سید جلال الدین آشتیانی

۱۲ - سید محمد یزدی

۱۳ - سید مصطفی خوانساری

۱۴ - سید مرتضی مبرقعی

۱۵ - سید احمد قمی

۱۶ - میرزا محمد ثقفی تهرانی

ص: ۴۱

۱۷ – میرزا حسین نوری

۱۸ – سید محمد رضایی

۱۹ – محمدرضا تربتی

۲۰ – محمدحسین اویسی

۲۱ – میرزا ابوالقاسم خرمشاهی

۲۲ – مهدی باقری کنی

۲۳ – امامی کاشانی

۲۴ – محمدتقی شریعتمداری

۲۵ – غلامحسین دینانی

۲۶ – نجم الدین عمادزاده

۲۷ – نظام الدین قمشه ای

۲۸ – سیدحسین نصر

۲۹ – سید محمدمهدی تقوی

۳۰ – شیخ هادی سلیمانی

۳۱ – غلامرضا رضانژاد

۳۲ – سید محسن رفیعی (فرزند ایشان)

۳۳ – ذوالمجد طباطبایی

۳۴ – احمد سیاح

۳۵ – سید ابوتراب ابوترابی(۱)

تألیفات

۱- ۱ . ستارگان حرم، ج۲، ص۸۷ و مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، ص۸ و ۲۲ و ۲۱ و ۲۰.

۱ – مجموعه رسائل (مشتمل بر ۲۲ رساله جداگانه در مسائل کلامی، فلسفی و عقلی)

۲ – حواشی بر شرح منظومه ملّا هادی سبزواری.

۳ – حواشی بر اسرارالحکم سبزواری.

۴ – حواشی بر شرح الاسماء الحسنی یا جوشن کبیر سبزواری.

۵ – حواشی بر کتاب اسفار ملاصدرا.

۶ – حواشی بر کتاب مشاعر ملاصدرا.

۷ – حواشی بر کتاب عرشیه ملاصدرا.

۸ – حواشی بر تعلیقات ملاصدرا بر کتاب شفای بوعلی.

۹ – حواشی بر شرح اصول کافی ملاصدرا.

۱۰ – حواشی بر مفاتیح الغیب ملاصدرا.

۱۱ – حواشی بر شفای بوعلی.

۱۲ – حواشی بر شرح اشارات.

۱۳ – حواشی بر شوارق الالهام ملاعبدالرزاق لاهیجی.

۱۴ – حواشی بر کتاب گوهر مراد ملا عبدالرزاق.

۱۵ – حواشی بر قبسات میرداماد.

۱۶ – حواشی بر شرح حکمه الاشراق قطب الدین شیرازی.

۱۷ – حواشی بر مقدمه کتاب شرح فصوص الحکم قیصری.

۱۸ – حواشی بر شواهد ربوبیه ملاصدرا.

۱۹ – حواشی بر اسرار الآیات ملاصدرا.

۲۰ – حواشی بر شرح مطالع در منطق.

۲۱ – حواشی بر شرح تجرید قوشجی در کلام.

ص: ۴۳

۲۲ – حواشی بر مصباح الانس ابن فناوری.

۲۳ – کتاب الصلاه.

۲۴ – کتاب الخمس.

۲۵ – کتاب الحج.

۲۶ – کتاب الارث.

۲۷ – کتاب النکاح.

۲۸ – کتاب الطلاق.

۲۹ – قاعده لاضرر.

۳۰ – کتاب المکاسب.

۳۱ – عقائد الامامیه.

۳۲ – حواشی بر رساله عملیه آیت الله العظمی بروجردی.

۳۳ – هدایه الانام.

۳۴ – حواشی بر عروه الوثقی.

۳۵ – رساله مناسک حج.

۳۶ – تقریرات درس اصول عقاید.

۳۷ – اسرار الحج.

۳۸ – حواشی بر جلدین کفایه الاصول.

۳۹ – تعلیقات بر رسائل شیخ انصاری.

۴۰ – حاشیه بر وسیله النجاه سید ابوالحسن اصفهانی.

۴۱ – تعلیقات بر تضاریس الارض شیخ بهایی.

۴۲ - تعلیقات بر المعطیات اقلیدس.

۴۳ - حواشی بر مقالات کتاب الاکر.

ص: ۴۴

۴۴ – حواشی بر سطوح دوایر، اقطاب، داویر متداخله، متساویه، متقاطعه و مماس در کره و مثلثات مندرج در آن.

۴۵ – حواشی بر کتاب المناظر اقلیدس در کیفیت أبصار.

۴۶ – حواشی بر کتاب الکره المتحرّکه.

۴۷ – حواشی بر بسیاری از مباحث کتاب المساکن ثاوذوسیوس.

۴۸ – حواشی بر شرح چغمینی(۱)

ابتکارات

ابتکارات

مرحوم علامه رفیعی قزوینی که تمامی متون عقلی، فلسفی، کلامی و عرفانی را با دقت بسیار زیاد به صورت سطر به سطر مطالعه کرده و به تار و پود تمامی مباحث تسلط کامل داشته است از ابتکارات و نوآوریهای قابل توجهی برخوردار است که بیان کلیه آن موارد و ورود در آنها مجال وسیعی را می طلبد اما در این نوشتار کوتاه ما برخی از آن نوآوریها را به صورت فهرست وار متذکر می شویم:

الف: این فیلسوف جامع درباره مسئله اتحاد عاقل و معقول بر این باور است که صور حقایق خارجی که در عالم نفس حاضر هستند معقول بالذات نامیده می شوند، این صور علمی نفس، مجرد بوده و از سنخ خود نفس محسوب می شوند وجود آنها عین ارتباط و اتصال به جوهر نفس بوده و به هیچ وجه اتصال آنها به نفس زائل نمی گردد این نحوه اتصال به گونه ای است که اگر از بین برود در همان لحظه خود آن صور نیز نابود می گردند، قضیه اتحاد عاقل و معقول نیز نه از سنخ اتحاد

۱– ۱ . در آسمان معرفت، ص۲۸۴ – ۲۸۲.

معانی و مفاهیم گوناگون در هستی می باشد نظیر اتحاد جنس و فصل در وجود نوع و نه از قبیل اتحاد دو چیز هم عرض همانند اتحاد آب و آتش که محال است، بلکه از باب اتحاد دو امری می باشد که در طول یکدیگر واقع می شوند بدین سان که یکی از آنها در وجود ناقص، و دیگری صورت کمالی آن وجود ناقص به شمار می آید همانند دانا گردیدن شخص نادان که به معنای استکمال می باشد.(۱)

ب: مرحوم علامه رفیعی قزوینی درباره مسئله «تصحیح معاد جسمانی با بدن دنیوی» به نظر صدرالمتالهین رحمه الله علیه اعتقاد نداشته و در رساله فارسی خود پس از نقل مسلک های مختلف در این زمینه به این باور رسیده است که روح پس از مفارقت از بدن به بدن برزخی و مثالی تعلق گرفته و ماده عنصری و دنیوی بدن پس از طی نمودن کمال و ارتقاء به درجه ای می رسد که شایستگی بدن اخروی را دارا شده و در واقع روح با همان بدن مثالی به بدن اخروی که نتیجه حرکت جوهری و ارتقاء اجزاء بدن دنیوی است تعلق می گیرد بدین سان که این دو بدن در طول یکدیگر محسوب می شوند نه در عرض یکدیگر تا اشکال «یک روح و دو بدن» لازم بیاید، لازم به ذکر است که این دیدگاه مرحوم علامه قزوینی که با مفاد آیات و احادیث اسلامی مربوط به معاد مطابقت و همخوانی دارد از حیث عقلی کمتر از نظریات دیگری که در این زمینه وارد شده است دارای اشکال و ایراد است و هیچ یک از فلاسفه و حکمای پیشین چنین دیدگاه جامع و کاملی را ارائه نداده است.(۲)

۱- ۱ . مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، ص۲۹ – ۲۶.

۲- ۲ . همان، ص۳۶ – ۳۵.

ج: درباره مسئله مهم معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان معتقد است که این معراج با عظمت، هم جسمانی بوده است هم روحانی، زیرا پیروی بدن از احکام روح در همه اشخاص برابر نیست، در برخی از مردم عادی روح متوجه به امری است که ایجاد آن را می خواهد، اما بدن آنها به نافرمانی از روح پرداخته و از احکام آن تمکین نمی نماید، ولی در خصوص بدن مبارک و مطهر حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم موضوع برعکس است، دلیل ما بر این مدّعا این است که جسم مبارک او در غایت لطافت بوده و نظیر آن را در اجسام دیگر نمی توان یافت و بنابر قاعده «اشتراک معنوی وجود» که از قواعد مهم عقلی به شمار می آید افق هر بدنی از حیث مرتبه وجود مرتبط و متّصل به افق وجودی روح بوده و تناسب مستقیمی در بین جسم و روح یک شخص حکمفرما می باشد، خصوصاً به خاطر بالا بودن روح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تسلط کامل او بر بدن خودشان به محض عروج روح به ملکوت و آسمانها، بدن مبارک او نیز با حرکت جسمانی به همان عوالم بالا عروج یافته است.(۱)

سید محمدحسین طباطبایی

اشاره

سید محمدحسین طباطبایی

علامه طباطبایی در آخر ذی الحجه ۱۳۲۱ قمری در تبریز دیده به جهان مادی گشود و در همانجا به تحصیل علوم مقدماتی و سطوح حوزوی پرداخت پشتکار و سماجت در یادگیری و تحصیل علم به

ص: ۴۷

۱- ۱ . همان، ص۳۹.

گونه ای در وجود او نمایان بود که تمام عمر خود را صرف در این راستا نمود در همین مورد خود او می گوید «من همیشه انتظار بهار و تابستان را می کشیدم زیرا در آن دو فصل چون شبها کوتاه بود تا به صبح مشغول مطالعه و نوشتن می شدم و روزها به استراحت می پرداختم» در سال ۱۳۴۴ قمری در حالی که بیش از بیست و سه سال از عمر شریف او سپری نشده بود به نجف اشرف هجرت کرد برای مدت ده سال در آن دیار عالم پرور از محضر اساتید بزرگی همچون سیدعلی قاضی طباطبایی، سید حسین بادکوبه ای، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین کمپانی و میرزا حسین نائینی بهره های فراوانی برده و به مقالات علمی و عملی دست یافت.

در سال ۱۳۵۴ قمری به تبریز مراجعت کرد و پس از یک سال اشتغال به تدریس، تحقیق و تألیف به سوی قم حرکت نمود(۱) در آن زمان که شهر قم مرکز تدریس علوم عقلی و نقلی محسوب شده و از بزرگترین حوزه های علمی جهان تشیّع به شمار می آید به گونه ای که شش هزار دانش پژوه و استاد را در خود جای داده بود این ستاره پر فروغ نیز بساط تدریس و افاضات علمی و معنوی خویش را در علوم نقلی و عقلی پهن نمود(۲) و آماده پرورش نفوس پذیرا شد، او در تأسیس و گسترش معارف نورانی مکتب تشیّع در عصر اخیر نمونه یک لطف الهی بود که خداوند متعال او را برای حوزه های علمیه و کشور اسلامی ایران ارزانی داشت.

۱- ۱ . در آسمان معرفت، ص۲۴ و ۲۳ و ۱۸.

۲- ۲ . مقدمه شواهد ربوبیه، ص۱۱۲.

در بدو ورود به قم مبحث صوم را تدریس می کرد اما به اعتراف خود ایشان به خاطر تنوّع و گرمی کرسی فقه و اصول در حوزه قم و خالی بودن کرسی تدریس برخی از علوم نظیر تفسیر و اصول اعتقادات، از تدریس فقه دست برداشته و در رشته های مورد نیاز خدمات خویش را به حوزه آغاز نمودند یکی از مواردی که خود ایشان از آن نام برده اند شرح چغمینی (در علم هیئت) است که گفته اند در اوائل که از تبریز به قم آمدم آن را تدریس می کردم.

این اندیشمند وارسته و فیلسوف کبیر که هم در علوم عقلی به درجه اجتهاد رسیده بود هم در علوم نقلی، در حکمت مشّاء و اشراق صاحب نظری توانمند بود و بر نکات دقیق و اسرار افکار مشّاء و اشراق تسلط و آگاهی داشت او در حین تحصیل با برادر بزرگوار خود مرحوم سید محمدحسن الهی هم درس و هم بحث بود در بُعد عرفان عملی، هر دو اهل تلاش و جدّیت بوده تا بدانجا که در مسیر، چشم برزخی هر دوی آنها باز و اشخاص را با صور حقیقی آنها مشاهده می کردند،(۱) از افتخارات این عالم فرزانه همین بس که در مدت بیست سال، قرآن شریف را به صورت تفسیر قرآن به قرآن، مورد بررسی قرار داد و آن چنان اثری را از خود بر جای گذاشت که مایه فخر عالم علم و دانش و حوزه های علمیه محسوب گشته و از کتب نمونه قرن به شمار می آید. آنچه از قلم ایشان تراوش کرده سراپا علم، عشق، فکر، عقل، برهان و عرفان است، این استاد بزرگ اخلاق در تهذیب نفس خویش به گونه ای موفّق بوده است که علامه

۱- ۱ . در آسمان معرفت، ص۵۸ و ۵۷ و ۶۴ و ۵۲ و ۲۳.

حسن زاده آملی یکی از شاگردان بزرگوار ایشان در توصیف این جنبه او می گوید «هفده سال در محضر شریف او بودم و با او انس داشتم اما کار لغوی از او ندیدم، حرف لغوی از او نشنیدم او بسیار مراقب سخنان خویش بود.»

سرانجام این نفس مطمئنه و دریای موّاج علوم الهی در صبح یکشنبه هیجدهم محرم الحرام ۱۴۰۲ قمری (۲۴ آبان ۱۳۶۰ شمسی) ندای خالق محبوب خویش را در شهر قم لبیک گفت و در ظهر روز دوشنبه نوزدهم محرم در مسجد بالاسر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در بستر خاک آرمید.(۱) روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

اساتید

اساتید

۴۹ - سید علی قاضی طباطبایی

۵۰ -سیدحسین بادکوبه ای

۵۱ -سید ابوالحسن اصفهانی

۵۲ - محمدحسین کمپانی

۵۳ -میرزا حسین نائینی

۵۴ - سید ابوالقاسم خوانساری(۲)

شاگردان

شاگردان

این عالم کامل شاگردان بسیاری را تربیت کرده که همه آن ها از چهره های شاخص علم و معرفت محسوب می شوند، برخی از آن

ص: ۵۰

۱- ۱ . در آسمان معرفت، ص۹۶ و ۵۸ و ۵۱.

۲- ۲ . همان، ص۲۴ و تاریخ حکما و عرفای متأخّر، ص۳۵۷.

ستارگان عبارتند از:

۵۵ – سید جلال الدین آشتیانی

۵۶ – حسن حسن زاده آملی

۵۷ – عبدالله جوادی آملی

۵۸ – حسین مظاهری

۵۹ – محمدتقی مصباح یزدی

۶۰ – عبدالحمید شربیانی

۶۱ – سید عزّالدین زنجانی

۶۲ – یحیی انصاری دینانی

۶۳ – شهید محمد مفتح همدانی

۶۴ – علامه طهرانی

۶۵ – شهید مرتضی مطهری(۱)

تألیفات

تألیفات

۶۶ – تفسیرالمیزان (۲۰ جلد)

۶۷ – اصول فلسفه و روش رئالیسم

۶۸ – حاشیه بر اسفار ملاصدرا

۶۹ – نهایه الحکمه

۷۰ – بدایه الحکمه

۷۱ – مصاحبات با استاد کربن

۷۲ - رساله ای در حکومت اسلامی

ص: ۵۱

۱- ۱ . تاریخ حکما و عرفای متاخر، ص ۳۶۰ - ۳۵۸.

۷۳ – رساله ای در قوه و فعل

۷۴ – حاشیه کفایه

۷۵ – رساله ای در اثبات ذات

۷۶ – رساله ای در صفات

۷۷ – رساله ای در افعال

۷۸ – رساله ای در وسائط

۷۹ – رساله الانسان قبل الدنیا

۸۰ – رساله الانسان فی الدنیا

۸۱ – رساله الانسان بعد الدنیا

۸۲ – رساله ای در نبوت

۸۳ – رساله ای در ولایت

۸۴ – رساله ای در مشتقّات

۸۵ – رساله ای در برهان

۸۶ – رساله ای در مغالطه

۸۷ – رساله ای در تحلیل

۸۸ – رساله ای در ترکیب

۸۹ – رساله ای در اعتبارات

۹۰ – رساله ای در نبوت و مقامات

۹۱ – منظومه در رسم خط نستعلیق

۹۲ – علی و الفلسفه الالهیه

۹۳ – قرآن در اسلام

۹۴ – شیعه در اسلام

۹۵ – محاکمات بین دو مکاتبات

۹۶ – بسیاری از مقالات علمی منتشره در مجلات علمی.(۱)

سید روح الله موسوی خمینی

اشاره

سید روح الله موسوی خمینی

سیدروح الله آخرین فرزندمرحوم آیت الله سیدمصطفی موسوی می باشد که در بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ قمری برابر با سی ام شهریور ۱۲۸۱شمسی در شهرستان خمین، دیده به دنیا گشود هنوز بیش از پنج ماه از عمر او سپری نشده بود که سید مصطفی پدر گرامی ایشان که ریاست علمی منطقه خمین و محدوده آن را دارا بود توسط یکی از خوانین و اشرار پلید منطقه به شهادت رسید، سید روح الله دوران کودکی و نوجوانی را تحت تکفّل مادربزرگوارش بانو هاجر و عمه دلاور خویش صاحبه خانم گذرانید و در پانزده سالگی از نعمت وجود آن دو نیز محروم گشت.

او در خمین قسمتی از علوم ادبی و مقدّماتی را فرا گرفت، در سال ۱۲۹۸ شمسی به حوزه علمیه اراک هجرت کرده و در آنجا به ادامه تحصیل پرداخت تا آن که اندکی پس از هجرت پر برکت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یعنی در ماه رجب ۱۳۴۰ قمری در حالی که طلبه ای جوان و بانشاط بود به حوزه مقدسه قم پا نهاد و ضمن تکمیل مراحل تحصیلات علوم حوزوی در نزد اساتید آنجا، بیشترین فرصت خویش را در تعلیم و تعلم کتب مرحوم صدرالمتالهین صرف نمود(۲) چنانکه خود ایشان می گوید: «این جانب در زمانی که ساکن مدرسه

۱– ۱ . در آسمان معرفت، ص۴۵ – ۴۴ و یادنامه علامه طباطبایی، ص۱۱۵ – ۱۱۳.

۲– ۲ . آینه دانشوران، ص۱۸۶ – ۱۸۵ و حدیث بیداری، ص۱۶ – ۱۴.

دارالشفای قم بودم مدتها فلسفه را تدریس می کردم و در سال ۱۳۴۸ قمری (۱۳۰۸ شمسی) به خاطر تأهّل از مدرسه خارج شدم.»(۱)

روح بزرگ و جستجوگر این فیلسوف جوان باعث شد که تنها به یادگیری دروس فقه و اصول و فلسفه اکتفاء نکرده و همزمان با فراگیری آنها، به فراگیری ریاضیات، هیئت، علوم عرفانی، اخلاق، عروض و قوافی و فلسفه غرب در نزد اساتید بزرگ وقت بپردازد.(۲)

موفقیت ایشان در امر تدریس فلسفه و عرفان به گونه ای بود که تا قبل از سال ۱۳۴۸ قمری در حالی که ۲۸ سال از عمر با برکت خویش را سپری نکرده بود یک دوره اسفار (به غیر از مباحث اعراض و جواهر) و بخش هایی از آن را به صورت مکرّر و بیش از سه دوره شرح منظومه را تدریس نموده و در حوزه عرفان نظری و عملی نیز، شرح فصوص و مصباح الانس و منازل السائرین را سالها به صورت خصوصی یاد داده و جمع محدودی را از أنفاس قدسی خویش بهره مند ساخته است تا بدانجا که بسیاری از شاگردان بزرگ ایشان نیز از کیفیّت و وضعیّت آن جلسات اُنس اطلاعی نداشته اند.(۳)

یکی از صاحبان قلم در راستای توصیف این بزرگمرد می نویسد: «از متخصّصین علوم فلسفه و عرفان و... در روزگار تألیف این کتاب، دانشمند عالی مقام حاج آقا روح الله خمینی بودند ولی اکنون که قریب سی سال از آن دوره می گذرد (۱۳۴۰ شمسی) شهرت فقاهت حضرت

۱- ۱ . صحیفه امام، ج۳، ص۱۸۳.

۲- ۲ . حدیث بیداری، ص۱۸.

۳- ۳ . ر.ک: اردبیلی، سید عبدالغنی، تعزیرات فلسفه، ج۱، ص۱۲/ مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام قدس سره/ ۱۳۸۱.

معظم له عالمگیر شده و از جمله مراجع تقلید به شمار می آیند.(۱)

امام خمینی با ذوق فقهی، اصول و اخلاقی فراوانی که داشته است در برهه ای از عمر شریف خود از تدریس فلسفه و حکمت دست برداشته، حوزه عظیمی را از فقه و اصول تشکیل می دهد و فضلای بسیاری را از بیان شیوا و پر حرارت خویش بهره مند می سازد او که از تربیت یافتگان استاد بزرگ اخلاق و عارف کامل میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بود توانست جمع کثیری از تشنگان اخلاق الهی و معرفت را برای اداره حوزه های علمیه و خدمت به جامعه اسلامی مهیا ساخته و بدین سان نیز خدمات شایانی را به حوزه های علمیه ارائه دهد.(۲)

سرانجام این فرزانه دهر و فیلسوف جامع در سیزدهم خرداد ۱۳۶۸ به لقای معبود خویش شتافت و جسم مطهراو با تشییع میلیونی در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

شاگردان

شاگردان

شکی نیست که ذکر اسامی تمام شاگردان حضرت امام خمینی با وجود حلقه های بزرگ تدریس ایشان امری مشکل و غیر لازم می باشد، ما در این مجال تنها نام برخی از آنها را بیان می کنیم:

۹۷ - سید جلال الدین آشتیانی

۹۸ - سید رضا صدر

۹۹ - شهید مرتضی مطهری

۱- ۱ . آینه دانشوران، ص۴۳.

۲- ۲ . مقدمه شواهد ربوبیّه، ص۱۱۰ و تاریخ حکما و عرفای مفاخر، ص۳۶۴ - ۳۶۲.

۱۰۰ – شهید دکتر بهشتی

۱۰۱ – دکتر مهدی حائری یزدی

۱۰۲ – عبدالله جوادی آملی

۱۰۳ – محمدتقی مصباح یزدی

۱۰۴ – حسین مظاهری

۱۰۵ – سید عبدالغنی اردبیلی

۱۰۶ – محمد یزدی

۱۰۷ – محمد فاضل لنکرانی

۱۰۸ – ناصر مکارم شیرازی

۱۰۹ – میرزا حسین نوری

۱۱۰ – یوسف صانعی(۱)

اساتید

اساتید

۱۱۱ – میرزا محمود افتخارالعلماء

۱۱۲ – میرزا رضا نجفی خمینی

۱۱۳ – شیخ علی محمد بروجردی

۱۱۴ – شیخ محمد گلپایگانی

۱۱۵ – آقا عباس اراکی

۱۱۶ – سید مرتضی پسندیده

۱۱۷ – میرزا محمدعلی ادیب

۱۱۸ - سید محمدتقی خوانساری

ص: ۵۶

۱- ۱ . تاریخ حکما و عرفای متاخر، ص۳۶۴ - ۳۶۲ و تقریرات فلسفه امام خمینی، ج۱، ص۱۶ - ۱۵ و حدیث بیداری ص۲۰.

۱۱۹ - سید علی یثربی کاشانی

۱۲۰ - شیخ عبدالکریم حائری

۱۲۱ - سید ابوالحسن رفیعی قزوینی

۱۲۲ - میرزا علی اکبر حکمی یزدی

۱۲۳ - شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی

۱۲۴ - حاج میرزا جواد ملکی تبریزی

۱۲۵ - میرزا محمدعلی شاه آبادی(۱)

تألیفات

تألیفات

۱۲۶ - شرح دعای سحر

۱۲۷ - حاشیه بر شرح تعلیقه بر فوائد رضویه قاضی سعید قمی

۱۲۸ - شرح حدیث جنود عقل و جهل

۱۲۹ - مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه

۱۳۰ - حاشیه بر شرح فصوص الحکم

۱۳۱ - حاشیه بر مصباح الاُنس

۱۳۲ - شرح چهل حدیث

۱۳۳ - سرّ الصلوه

۱۳۴ - آداب الصلوه

۱۳۵ - رساله لقاءالله

۱ - ۱ . ر.ك: الـف. مقـدمه شواهـد ربـوبيه، ص۱۱۱؛ ب. خـدمات متقابـل اســلام و ايران، ص۶۱۲ . ج. در آســمان معرفـت، ص۳۲۷؛ د. تقريرات فلسفه امام خمينى، ج۱، ص۱۰؛ س. حديث بيدارى، ص۱۸ - ۱۶.

۱۳۶ – حاشیه بر أسفار

۱۳۷ – کشف الاسرار

۱۳۸ – انوارالهدایه فی التعلیقه علی الکفایه (دو جلد)

۱۳۹ – بدایع الدرر فی قاعده نفی الضرر

۱۴۰ – رساله الاستصحاب

۱۴۱ – رساله فی التعادل و التراجیح

۱۴۲ – رساله الاجتهاد و التقلید

۱۴۳ – مناهج الوصول الی علم الاصول (۲ جلد)

۱۴۴ – رساله فی الطلب و الاراده

۱۴۵ – رساله فی التقیه

۱۴۶ – رساله فی قاعده من ملک

۱۴۷ – رساله فی تعیین الفجر فی اللیالی المقمره

۱۴۸ – فروع علم اجمالی

۱۴۹ – موضوع علم اصول

۱۵۰ – تنزیل العلل التشریعیه علی التکوینیه

۱۵۱ – تقریرات مسائل مستحدثه

۱۵۲ – کتاب الطهاره (۴ جلد)

۱۵۳ – تعلیقه علی العروه الوثقی

۱۵۴ – مکاسب محرّمه (۲ جلد)

۱۵۵ – تعلیقه علی وسیله النجاه

۱۵۶ – رساله نجاه العباد

۱۵۷ – حاشیه بر رساله ارث

ص: ۵۸

۱۵۸ - تقریرات درس اصول آیت الله العظمی بروجردی

۱۵۹ - کتاب الخلل فی الصلوه

۱۶۰ - حکومت اسلامی (ولایت فقیه)

۱۶۱ - جهاد اکبر

۱۶۲ - تفسیر سوره حمد

۱۶۳ - دیوان شعر

۱۶۴ - نامه های عرفانی

۱۶۵ - استفتاءات

۱۶۶ - شرح حدیث رأس الجالوت(۱)

محمد محققی رشتی

اشاره

محمد محققی رشتی

وی فرزند آقا میرزا کاظم لاهیجانی از مردان متّقی و پرهیزکار عصر خویش در سال ۱۳۲۸ قمری در شهر لاهیجان متولد گردید.

پس از اخذ مدرک دیپلم و تحصیل قسمتی از علوم قدیم و جدید در خطّه رشت، تهران و خراسان در سال ۱۳۵۱ قمری به حوزه مقدسه قم هجرت کرد. از اسامی اساتید محترم دوران سطح ایشان نام و نشانی در بین نمی باشد اما مسلّم است که پس از ورود به قم از محضر مرحوم سید شهاب الدین نجفی وادیب تهرانی بهره های شایانی برده(۲) و برای گذرانیدن دوره خارج به محضر آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری شرفیاب گردید. پس از رحلت حاج شیخ توقف کوتاهی در

۱- ۱ . حدیث بیداری، ص۲۴۲ - ۲۱۶ و تاریخ حکما و عرفای متاخر، ص۳۶۴ - ۳۶۲ و طبقات اعلام الشیعه قسم دوم از جزء اول، ص۷۸۹.

۲- ۲ . آینه دانشوران، ص۳۱۲ - ۳۱۱ و گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۲۵۷.

همدان و یزد نموده و خود را برای تدریس فلسفه و علوم طبیعی نظیر فیزیک، هیئت و ریاضی در حوزه علمیه قم مهیا نمود(۱) و از این راستا خدمات شایانی را به جامعه و حوزه علمیه روا داشت، سبک تدریس وی که نظر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی را جلب کرد(۲) به نحوی بود که فضلای بسیاری در برابر این فیلسوف گرانقدر زانوی ادب فرو نهاده و از او استفاده کردند.

او که از جذابیّت خاصی برخوردار بود در سال ۱۳۷۵ قمری از طرف مرجع وقت مرحوم آقای بروجردی ایران را به مقصد هامبورگ آلمان ترک نمود این هجرت به خاطر جامعیّت شخصیت والای ایشان و تسلط او بر مکالمه زبان خارجی، بازتاب گسترده ای در روزنامه های وقت داشت در سال ۱۳۳۸ شمسی (۱۳۷۹ قمری) بوسیله ایشان کلنگ احداث مسجد بزرگ هامبورگ به زمین زده شد، او پس از هشت سال تلاش پیگیر و تبلیغ معارف دین مبین اسلام در سال ۱۳۸۳ قمری از آلمان مراجعت نموده و تا آخر عمر شریف خود در قم به زندگی ادامه داد.(۳)

متأسفانه از شاگردان او، آماری در دست نمی باشد و تنها نام آیت الله مصباح یزدی به عنوان شاگرد ایشان مشاهده می شود.(۴)

سرانجام این فیلسوف گرانمایه در حالی که بیش از ۶۱ سال از عمر

۱- ۱ . آینه دانشوران، ص۳۱۲ - ۳۱۱.

۲- ۲ . ستارگان حرم، ج۳، ص۱۲.

۳- ۳ . آینه دانشوران، ص۹۵.

۴- ۴ . ر.ک: اسلامی، محمدتقی، زندگی نامه آیت الله مصباح یزدی، ص۹۲ و ۲۲/ قم/ انتشارات پرتو ولایت، ۱۳۸۲.

بابرکت او سپری نشده بود در اثر سکته قلبی چشم از جهان فرو بست و در قبرستان ابوحسین قم مدفون گردید.

اساتید

اساتید

۱۶۷ – میرزا محمد همدانی

۱۶۸ – سید محمدتقی خوانساری

۱۶۹ – شیخ عبدالکریم حائری

۱۷۰ – سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۱۷۱ – ادیب تهرانی

۱۷۲ – شیخ عباس تهرانی

حسن حسن زاده آملی

اشاره

حسن حسن زاده آملی

وی در سال ۱۳۰۷ شمسی در شهرستان آمل و در بیتی با ایمان و تقوی متولد گردید و در خردسالی تمامی قرآن را به خوبی فرا گرفت در مهرماه ۱۳۲۳ شمسی (برابر با ۱۳۶۳ قمری) به مدرسه علمیه روحانی در همان شهر راه یافته و برای مدت شش سال در آنجا به تحصیلات علمی پرداخت، همت والا و هوش سرشار او باعث شد که در دوران تحصیلات اولیه و مقدماتی به تدریس کتبی را که چندی قبل آنها را نزد اساتید خویش فرا گرفته بود بپردازد، در شهریور ماه سال ۱۳۲۹ به تهران آمده و در مدرسه حاج ابوالفتح اقامت گزیده و در آنجا به فراگیری باقیمانده از شرح لمعه و تمامی کتاب قوانین الاصول می پردازد.

ص: ۶۱

پس از آن بـا اصـرار فراوان بـه اسـتاد میرزا مهـدی الهی قمشـه ای و پـذیرش آن اسـتاد، برای مـدت ده سـال در نزد ایشـان به یادگیری حکمت منظومه، تفسیر قرآن، شرح محقق طوسی بر اشارات شیخ از نمط چهارم تا آخر و جلد سوم اسفار ملاصدرا اشتغال می ورزد. در همیـن اثنـاء و در کنـار بهره گیری از محضـر مرحـوم الهی قمشه ای برای تکمیـل انـدوخته هـای علمی و تحصیلات دینی خویش برای مـدت سـیزده سال زانوی ادب را در برابر اساتیـد بزرگ دیگر نظیر میرزا ابوالحسن شعرانی و... فرود آورده و برای یادگیری تمام کتاب رسائل، کفایه، تعـدادی از کتب جواهرالکلام، اکثر اسـفار، چند کتاب از شـفای شیخ الرئیس و برخی از کتب دیگر در رشته های مختلف علوم عقلی به محضر ایشان شرفیاب می شود.

در مهرمـاه سال ۱۳۴۲ شمسـی (جمادی الاولی ۱۳۸۲ قمری) تهران را به مقصـد حوزه مقـدسه قم ترک کرده و به مـدت هفده سال توفیق درک محضـر علامه طباطبایی را پیـدا می کنـد و از آن دریای علم، کتاب تمهید القواعد، برهان منطق شـفای شیخ الرئیس، جلد نهم اسفار و قسمت هایی از بحارالانوار علامه مجلسی را فرا می گیرد.

علامه حسن زاده آملی از تاریخ ورود به حوزه علمیه قم تـاکنون که چهل سال می گـذرد در جوار کریمه اهل بیت حضـرت فاطمه معصومه علیها السلام اسکان گزیده و سالهای بسیاری را صـرف یاد دادن کتب مختلف فلسفی و عرفانی هماننـد اسفار ملاصدرا، شفاء، فصوص، تمهیدالقواعد، فنون ریاضی و هیئت، و... پرداخته است.(۱)

۱- ۱ . ر.ک: در آسمان معرفت، ص۴۳۶ - ۴۰۵.

اساتید

اساتید

۱۷۳ - محمد غروی

۱۷۴ - عزیزالله طبرسی

۱۷۵ - ابوالقاسم رجایی

۱۷۶ - احمد اعتمادی

۱۷۷ - عبدالله اشراقی

۱۷۸ - سید احمد لواسانی

۱۷۹ - میرزا مهدی الهی قمشه ای

۱۸۰ - میرزا ابوالحسن شعرانی

۱۸۱ - شیخ محمدحسین فاضل تونی

۱۸۲ - علی محمد جولستانی

۱۸۳ - میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی

۱۸۴ - میرزا احمد آشتیانی

۱۸۵ - محمدتقی آملی

۱۸۶ - علامه سید محمدحسین طباطبایی

۱۸۷ - سید مهدی قاضی تبریزی

۱۸۸ - علامه سید محمدحسن الهی طباطبایی(۱)

تألیفات

تألیفات

۱۸۹ - تصحیح نصاب الصبیان

ص: ۶۳

۱- ۱ . همان، ص۴۳۶ و ۴۲۶ و ۴۲۵ و ۴۱۵.

۱۹۰ – تصحیح خزاین نراقی

۱۹۱ – تصحیح کتاب کلیله و دمنه

۱۹۲ – تصحیح و تعلیق کتاب شریف اصول کافی (دو جلد)

۱۹۳ – تکمله منهاج الراعه فی شرح نهج البلاغه (پنج جلد)

۱۹۴ – تصحیح خلاصه المنهج مولی فتح الله کاشانی در تفسیر قرآن (شش جلد)

۱۹۵ – استخراج جداول تقویم در نه سال

۱۹۶ – هزار و یک نکته

۱۹۷ – انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه

۱۹۸ – معرفت نفس

۱۹۹ – دیوان اشعار

۲۰۰ – الهی نامه

۲۰۱ – مجموعه مقالات

۲۰۲ – انسان و قرآن

۲۰۳ – وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

۲۰۴ – نهج الولایه

۲۰۵ – انّه الحق

۲۰۶ – سی فصل در دائره هندیه

۲۰۷ – مقدمه، تعلیق، تصحیح رساله قضا و قدر علامه محمود بن محمد دهدار

۲۰۸ – تعیین سمت قبله مدینه به اعجاز رسول الله صلی الله علیه و آله

۲۰۹ – میل کلی (از امّهات مسایل دنیوی)

۲۱۰ – ظلّ ریاضی (تانژانت به زبان فرانسوی)

۲۱۱ – تکسیر دائره (از امهات مسائل هندسی)

۲۱۲ – مطالب ریاضی

۲۱۳ – پیرامون فنون ریاضی (یازده رساله)

۲۱۴ – ولایت تکوینی

۲۱۵ – عرفان و حکمت متعالیه

۲۱۶ – شرح رساله استاد علامه قزوینی در اتحاد عاقل و معقول

۲۱۷ – تعلیقات بر مصباح الانس ابن فنّاوری

۲۱۸ – نورعلی نور در ذکر و ذاکر و مذکور

۲۱۹ – خیرالاثر در ردّ جبر و قدر

۲۲۰ – تصحیح طبیعیّات شفاء

۲۲۱ – دروس معرفه الوقت و القبله

۲۲۲ – رساله فی لقاء الله

۲۲۳ – رساله حول الرّویه

۲۲۴ – فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الارباب

۲۲۵ – رساله فی الامامه

۲۲۶ – أضبط المقال فی ضبط أسماء الرجال

۲۲۷ – رساله فی تعیین البُعد بین المرکزین

۲۲۸ – رساله فی الصبح و الشفق

۲۲۹ – رساله فی نفس الامر

۲۳۰ - نصوص الحکم علی فصوص الحکم

۲۳۱ - دروس اتحاد عاقل به معقول

ص: ۶۵

۲۳۲ – تصحیح و تعلیق کشف المراد فی شرح تجریدالاعتقاد

۲۳۳ – تصحیح مکاتبات سیداحمد کربلایی و شیخ محمدحسین غروی اصفهانی

۲۳۴ – وجیزه ای در شرح حال استاد علامه طباطبایی

۲۳۵ – وجیزه ای در تصحیح گلستان سعدی

۲۳۶ – صد کلمه در خودشناسی

۲۳۷ – تصحیح نهج البلاغه

۲۳۸ – تصحیح و تعلیق الهیّات شفاء

۲۳۹ – تعلیق کتاب نفس شفاء

۲۴۰ – تصحیح اسفار اربعه صدر المتالهین

۲۴۱ – تصحیح و تعلیق شرح محقق طوسی بر اشارات شیخ

۲۴۲ – تصحیح و تعلیق تمهیدالقواعد فی شرح قواعدالتوحید

۲۴۳ – تصحیح و تعلیق شرح علامه قیصری بر فصوص الحکم شیخ اکبر

۲۴۴ – شرح فصوص الحکم شیخ اکبر

۲۴۵ – شرح عربی و تصحیح اکرمانالاووس در مثلّثات کروی

۲۴۶ – تصحیح و تعلیق اصول اقلیدس در حساب و هندسه

۲۴۷ – تصحیح و تعلیق اکروثاوذوسیوس در اشکال کری به تحریر خواجه طوسی.

۲۴۸ – شرح فارسی باب توحید حدیقه الحقایق شاعر سنایی غزنوی

۲۴۹ – تعلیقات عربی بر عروه الوثقی

۲۵۰ – نثرالدراری علی نظم اللّئالی

۲۵۱ – رساله ای در رؤیا

۲۵۲ – شرح ذیج بهادری

۲۵۳ – تصحیح و تعلیق عربی کتاب مساکن ثاذوسیوس به تحریر خواجه طوسی

۲۵۴ – رساله ای در مُثُل الهیّه

۲۵۵ – تصحیح و تعلیق شرح مولی عبدالعلی بیرجندی بر زیغ اُلغ بیگی.

۲۵۶ – رساله ای در جعل

۲۵۷ – تعلیقه بر رساله «تحفه الاجله فی معرفه القبله»

۲۵۸ – رساله ای در مناسک حج

۲۵۹ – تصحیح و تعلیق شرح ملاعبدالعلی بیرجندی بر بیت باب در اسطرلاب محقق طوسی

۲۶۰ – رساله ای در اثبات عالم مثال

۲۶۱ – تعلیقات عربی بر هشت باب از مطوّل در علم معانی

۲۶۲ – رساله ای در سیر و سلوک

۲۶۳ – تصحیح و تعلیق کتاب «الدر المکنون و الجواهر المصون فی علم الحروف»

۲۶۴ – رساله ای در تفسیر آیه عرض

۲۶۵ – مصدر اشعار منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام

۲۶۶ – تصحیح تذکره خواجه نصیرالدین طوسی در مبدأ و معاد

۲۶۷ – رساله ای در علم

۲۶۸ – تصحیح و تعلیق مجسطی بطلیموس و تصحیح و تعلیق شرح

نظام الدین نیشابوری برمجسطی و تصحیح و تعلیق شرح محمدعلی برمجسطی.

۲۶۹ – رساله ای در بعضی از شعب ارثماطیقی

۲۷۰ – کشیکل

۲۷۱ – کلمه علیا در توقیفیّت اسماء

۲۷۲ – دروس علم هیئت و سایر رشته های ریاضی

۲۷۳ – مصادر ادعیه مفاتیح الجنان

۲۷۴ – گنجینه گوهر روان

۲۷۵ – تعلیقات بر رساله قبله ملا مظفّر گنابادی

۲۷۶ – شرح برخی از اشعار خواجه حافظ شیرازی

۲۷۷ – تعلیقات بر شرح چغمینی در هیئت

۲۷۸ – تصحیح و تعلیق شرح عارف خوارزمی بر فصوص

۲۷۹ – دروس معرفت اوفاق در علم اوفاق

۲۸۰ – عیون مسائل النفس

۲۸۱ – شرح فارسی سه نمط پایانی اشارات

۲۸۲ – مفاتیح المخازن

۲۸۳ – رساله ای در تضادّ معنای «لولا التّضاد لما صحّ دوام الفیض من المبداء الجواد»

۲۸۴ – من کیستم؟

۲۸۵ – رساله ای در اربعین

۲۸۶ – ترجمه و تعلیق الجمع بین الرأیین فارابی

۲۸۷ – العمل الضابط فی الرّابطی و الرّابط

۲۸۸ - الحجج البالغه علی تجرّد النفس الناطقه

۲۸۹ - النور المتجلّی فی الظهور الظلّی

۲۹۰ - قرآن و عرفان و برهان

۲۹۱ - تصحیح سه کتاب ابی الجعد و نثر اللئالی و طب الائمه

۲۹۲ - تصحیح و تعلیق رساله تحفه الملوک فی السیر و السلوک

۲۹۳ - درر القلائد علی غرر الفوائد

۲۹۴ - ده رساله فارسی

۲۹۵ - هزار و یک کلمه

۲۹۶ - نامه ها برنامه ها

۲۹۷ - شرح چهل حدیث در معرفت نفس

۲۹۸ - گشتی در حرکت

۲۹۹ - رساله اعتقادات

۳۰۰ - الاصول الحکمیه

۳۰۱ - امثال طبری(۱)

عبدالله جوادی آملی

اشاره

عبدالله جوادی آملی

وی فرزنـد میرزا ابوالحسن آملی از چهره های زاهد و متقی و از وعاظ مشـهور شهرسـتان آمل می باشد، در سال ۱۳۱۲ شمسی در آمل دیـده به دنیا گشود، پس از گذرانـدن تحصـیلات ابتـدایی در سال ۱۳۲۵ با پیشـنهاد پـدر بزرگوار خویش وارد حوزه علمیه مسجد جامع همان شهر شد برای مدت چهار سال تا شهریور ۱۳۲۹ از محضر اساتید محترم و

۱- ۱ . ر.ک: در آسمان معرفت، ص۴۴۶ - ۴۳۹.

توانمنـد آن حوزه بهره مند گردید و مدت کوتاهی نیز در مدرسه مسـجد هاشـمی به ادامه تحصـیل پرداخت، در سال ۱۳۳۰ به تهران آمده و با وساطت مرحوم شیخ محمدتقی آملی وارد مدرسه مروی شد در آنجا نیز پنج سال رحل اقامت افکنده و کتاب های منظومه، اشارات و بخشـی از أسفار را از محضر شریف آیات عظام الهی قمشه ای و شعرانی فرا گرفت در همان اثناء برای فراگیری قسمتی از خارج فقه و اصول نزد استاد شیخ محمدتقی آملی رحمهم الله شرفیاب شد.

در شهریور سال ۱۳۳۴ تهران را به مقصد قم و جوار کریمه اهل بیت عصـمت، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ترک نمود و در دیار علم و فقاهت سـکنی گزید(۱) در آنجا سالهای طولانی از محضـر با برکت بزرگانی همچون آیات علامه طباطبایی، بروجردی، داماد، امام خمینی و میرزا هاشم آملی رضوان الله تعالی علیهم بهره منـد گردیـد، این فیلسوف وارسـته و مفسـر کبیر قرآن حدود ۳۶ سال است که در امر تـدریس و تربیت شاگرد مـداومت کرده و از این راسـتا خـدمات قابل توجهی را به حوزه علمیه قم نموده است، خود ایشان درباره کمیّت و کیفیت تـدریس برخی از علوم می گوید «غالب کتاب ها نظیر شـرح منظومه و شـرح تجریـد را یک بار تدریس کردم مگر این که ضـرورتی تدریس مجدّد را ایجاب می کرد، اما در سـطوح عالی به ویژه برخی از کتاب های مرجع را چندین بار تدریس کردم، شـرح اشارات را چندین بار، أسفار را سه بار که هر دوره آن حدود ده دوازده سال به طول انجامیده است، شفای بوعلی را سه دوره، التحصیل بهمنیار را یک

۱- ۱ . ر.ک: مهر استاد، ص۹۵ – ۱۸.

دوره، شواهد ربوبیه را یک بار تدریس کردم»(۱)

وی هم اکنون نیز در حوزه مقدسه قم به تدریس تفسیر قرآن و خارج فقه اشتغال دارد.

اساتید

اساتید

۳۰۲ - سید محمدحسین بروجردی

۳۰۳ - سید محمدحسین طباطبایی

۳۰۴ - محقق داماد

۳۰۵ - امام خمینی

۳۰۶ - حسین فاضل تونی

۳۰۷ - ابوالقاسم فرسیو

۳۰۸ - آیت الله غروی

۳۰۹ - میرزا ابوالحسن جوادی (پدر ایشان)

۳۱۰ - میرزا رضا روحی (پدر خانم ایشان)

۳۱۱ - عبدالله اشراقی

۳۱۲ - احمد اعتمادی

۳۱۳ - ابوالقاسم رجایی

۳۱۴ - عزیزالله طبرسی

۳۱۵ - شیخ شعبان نوری

۳۱۶ - آقا شیخ اسماعیل

۳۱۷ - سبط الشیخ

۱- ۱ . همان، ص۴۵ - ۴۴.

۳۱۸ - شیخ محمدتقی آملی

۳۱۹ - شیخ ابوالحسن شعرانی

۳۲۰ - میرزا مهدی الهی قمشه ای

۳۲۱ - مرحوم جاپلقی

۳۲۲ - سیدعباس فشارکی

۳۲۳ - شیخ علی محمد جولستانی

۳۲۴ - محمدرضا محقق

۳۲۵ - آقا ضیاءالدین آملی(۱)

تألیفات

تألیفات

۳۲۶ - تسنیم (۶ جلد تفسیر قرآن)

۳۲۷ - قرآن در قرآن

۳۲۸ - توحید در قرآن

۳۲۹ - وحی و نبوت در قرآن

۳۳۰ - معاد در قرآن

۳۳۱ - سیره پیامبران در قرآن

۳۳۲ - سیر رسول اکرم در قرآن

۳۳۳ - مبادی اخلاق در قرآن

۳۳۴ - مراحل اخلاق در قرآن

۳۳۵ - فطرت در قرآن

۱- ۱ . ر.ک: نمایه اسراء، ص۱۲ و ۱۱ و مهر استاد، ص۲۲ و ۳۷ و ۵۶ و ۵۹ و ۶۰ و تاریخ حکماء و عرفای متاخّر، ص۳۸۸.

۳۳۶ – معرفت شناسی در قرآن

۳۳۷ – صورت و سیرت انسان در قرآن

۳۳۸ – حیات حقیقی انسان در قرآن

۳۳۹ – رحیق مختوم

۳۴۰ – نسبت دین و دنیا

۳۴۱ – دین شناسی

۳۴۲ – انتظار بشر از دین

۳۴۳ – ولایت فقیه

۳۴۴ – شریعت در آینه معرفت

۳۴۵ – فلسفه حقوق بشر

۳۴۶ – تبیین براهین اثبات خدا

۳۴۷ – علی بن موسی الرضا و الفلسفه الالهیه

۳۴۸ – ادب فنای مقرّبان

۳۴۹ – شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی

۳۵۰ – حیات عارفانه امام علی علیه السلام

۳۵۱ – حماسه و عرفان

۳۵۲ – گنجور عشق

۳۵۳ – مراثی اهل بیت علیهم السلام

۳۵۴ – عصاره خلقت

۳۵۵ – عید ولایت

۳۵۶ - ولایت در قرآن

۳۵۷ - حکمت علوی

ص: ۷۳

۳۵۸ - ولایت علوی

۳۵۹ - تجلّی ولایت در آیه تطهیر

۳۶۰ - ظهور ولایت در صحنه غدیر

۳۶۱ - وحدت جوامع در نهج البلاغه

۳۶۲ - دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه

۳۶۳ - علی علیه السلام مظهر اسمای حسنای الهی

۳۶۴ - قرآن در کلام علی علیه السلام

۳۶۵ - شمیم ولایت

۳۶۶ - صهبای حج

۳۶۷ - حکمت عبادت

۳۶۸ - زنی در آینه جلال و جمال

۳۶۹ - قرآن حکیم از منظر امام رضا علیه السلام

۳۷۰ - اسرار الصلوه

۳۷۱ - حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه

۳۷۲ - کتاب الخمس

۳۷۳ - کتاب الحج

۳۷۴ - سروش هدایت

۳۷۵ - بنیان مرصوص امام خمینی رحمهم الله (۱)

محمدتقی مصباح یزدی

اشاره

محمدتقی مصباح یزدی

وی در یازدهم بهمن ۱۳۱۳ شمسی برابر با هفدهم ربیع الاول ۱۳۵۳

ص: ۷۴

۱- ۱ . نمایه اسراء، ص۴۶ - ۱۵.

قمری در دامان خانواده ای بسیار متدیّن در شهر یزد دیده به دنیا گشود، پس از طی کردن دوران تحصیلات ابتدایی در سال ۱۳۲۵ با شور و شوق فراوانی در ابتدای تابستان همان سال وارد حوزه علمیه یزد شد، به خاطر بالا بودن سطح استعداد و علاقه، بـا اهتمـام تمام مقـدمات و سـطوح متوسـطه تا رسائل و مکاسب را در طول چهار سال به پایان رسانیـد در اثنای فراگیری علوم حوزوی برخی از علوم روز نظیر فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و زبان فرانسه را نزد استاد معظم مرحوم محققی رشتی فرا گرفت، در اواخر سال ۱۳۳۰ با خانواده محترم خویش برای ادامه تحصیل راهی نجف اشرف می شود و برای مدت یک سال تحصیلی در جوار مولی الموحدین امیرالمؤمنین علیه السلام به تحصیلات خود ادامه می دهد اما با کمال تأسف، فقر مالی و تنگدستی شدیـد پـدر بزرگوار ایشان به گونه ای او و خانواده اش را تحت فشار قرار می دهد که به ناچار از ادامه اقامت در آن دیار علم صرف نظر نموده و پس از بازگشت به ایران، ورود به حوزه علمیه قم را در سر می پروراند در سال تحصیلی بعد با مشکلات فراوانی خود را به حوزه علمیه قم می رسانـد و در مـدت یکسال تحصیلی مقـدار باقی مانده از دروس سطح را تمام می کند، پس از اتمـام دوره سطح، برای مـدت هشت سال در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و حضرت امام خمینی رحمهم الله و دو سال در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی اراکی حاضر می شود، تلاش پیگیر و دقّت بالای او به گونه ای بـود که در سن بیست و هفت سالگی موفق به کسب اجازه اجتهاد از مرحوم آیت الله العظمی بروجردی می گردد، استاد در اثنای

تحصیلات حوزوی و در راستای تکمیل اندوخته های خود، توأم با آشنا شدن با آیت الله العظمی بهجت به خاطر تقویت بنیه فقهی خویش همراه برخی از دوستان خود برای مدت پانزده سال در درس خارج فقه معظم له نیز شرکت می کند.

آشنایی با مرحوم علامه طباطبایی نیز برای ایشان برکات بسیاری را در پی داشت، او در برهه ای از عمر شریف خود، اهتمام و مساعی خویش را در فراگیری علوم قرآنی و تفسیر قرآن صرف می کند و با شرکت در جلسات خصوصی آن استاد بزرگ به دقت های بالا و نکته سنجی های عمیقی در رشته تفسیر قرآن دست می یابد، در کنار فراگیری تفسیر، برای آموختن کتاب اسفار و شفا نیز به محضر ایشان شرفیاب می گردد.

این فیلسوف جامع با هوش سرشار خود، دیگر کتب فلسفی را خودبخود مورد بررسی و مطالعه قرار می دهد و در طول توقف بیش از نیم قرن در جوار کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تاکنون خدمات قابل توجهی را از راه تدریس تفسیر قرآن، تشکیل جلسات آموزش اخلاق اسلامی، و تدریس کتب مختلف، همانند اسفار اربعه، شفا، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، فلسفتنا و اقتصادنا و تربیت شاگردانی وارسته به حوزه علیمه قم ارائه کرده است.(۱)

افکار بلند و عمیق استاد در فلسفه به نحوی است که با برخی از افکار فلسفی موجود همخوانی ندارد به عنوان نمونه مسئله وجود هیولا را که در دیدگاه برخی از فلاسفه امری صحیح و قابل قبول تلقی

۱- ۱ . ر.ک: اسلامی محمدتقی، زندگی نامه آیت الله مصباح یزدی، ص۱۰۳ - ۱۹.

می شود با اشکالات و ایرادات عدیده ای مردود شمرده و آن را از فهرست سلسله مباحث فلسفی حذف نموده اند یا مثلًا بر یکی از نظریات مرحوم صدرالمتالهین که معتقد است «نفس انسانی در مقام حدوث و پیدایش، جسمانی و در بقاء و ادامه حیات، روحانی است» با وجود آن که دیدگاهی نوین در فلسفه اسلامی محسوب می شود، ایرادات متعددی را وارد نموده و آن را نیز از مباحث فلسفی اسلامی کنار زده اند.(۱)

اساتید

اساتید

۳۷۶ - آیت الله العظمی بروجردی

۳۷۷ - آیت الله العظمی اراکی

۳۷۸ - آیت الله العظمی بهجت

۳۷۹ - مرحوم امام خمینی

۳۸۰ - شیخ مرتضی حائری

۳۸۱ - انصاری همدانی

۳۸۲ - عبدالجواد جبلی آملی

۳۸۳ - محمد محققی رشتی

۳۸۴ - میرزا محمد انواری

۳۸۵ - سید علی رضا مدرّسی

۳۸۶ - محمدعلی نوری

۳۸۷ - محمدعلی نحوی

۱- ۱ . ر.ك: همان، ص۹۶ - ۹۵.

۳۸۸ – عبدالحسین عرب

۳۸۹ – علامه طباطبایی(۱)

تألیفات

تألیفات

۳۹۰ – خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی

۳۹۱ – راه و راهنماشناسی

۳۹۲ – قرآن شناسی

۳۹۳ – اخلاق در قرآن

۳۹۴ – جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن

۳۹۵ – حقوق و سیاست در قرآن

۳۹۶ – آموزش فلسفه (۲ جلد)

۳۹۷ – شرح نهایه الحکمه (۲ جلد)

۳۹۸ – تعلیقه علی نهایه الحکمه

۳۹۹ – شرح جلد اوّل الاسفار الاربعه

۴۰۰ – شرح جلد هشتم الاسفار الاربعه

۴۰۱ – ترجمه و شرح برهان شفا

۴۰۲ – دروس فلسفه

۴۰۳ – چکیده چند بحث فلسفی

۴۰۴ – دروس فلسفه اخلاق

۴۰۵ – خودشناسی برای خودسازی

ص: ۷۸

۱- ۱ . همان، ص۲۱ و ۲۲ و ۲۶ و ۹۱ و ۹۶ و ۲۸.

۴۰۷ – مباحثی پیرامون مسائل اعتقادی و اخلاقی

۴۰۸ – اسلام و اخلاق

۴۰۹ – ره توشه

۴۱۰ – راهیان کوی دوست

۴۱۱ – پند جاوید

۴۱۲ – بر درگاه دوست

۴۱۳ – جامی از زلال کوثر

۴۱۴ – خاطراتی درباره آیت الله العظمی بهجت

۴۱۵ – توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام

۴۱۶ – پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک

۴۱۷ – ایدئولوژی تطبیقی

۴۱۸ – نقدی فشرده بر اصول مارکسیسم

۴۱۹ – گفتمان روشنگر درباره اندیشه های بنیادین

۴۲۰ – آموزش عقاید

۴۲۱ – نظریه سیاسی اسلام

۴۲۲ – نظریه حقوقی اسلام

۴۲۳ – پرسش ها و پاسخ ها

۴۲۴ – چکیده ای از اندیشه های بنیادین اسلامی

۴۲۵ – پیش نیازهای مدیریت اسلامی

۴۲۶ – بحثی کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه

۴۲۷ - تهاجم فرهنگی

۴۲۸ - آذرخشی دیگر از آسمان کربلا

ص: ۷۹

۴۲۹ – نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه

۴۳۰ – مباحثی درباره حوزه

۴۳۱ – زن یا نیمی از پیکر اجتماع

۴۳۲ – در پرتو آذرخش

۴۳۳ – کاوش ها و چالش ها

۴۳۴ – قرآن در آینه نهج البلاغه

۴۳۵ – پاسخ استاد به جوانان پرسشگر

۴۳۶ – تصحیح شش جلد از مجلدات بحار (کتاب السماء و العالم)

۴۳۷ – انسان، اسلام

۴۳۸ – خلقت انسان از نظر قرآن

۴۳۹ – پرتوی از امامت و ولایت در قرآن کریم

۴۴۰ – تصحیح کتاب معادن الحکمه، فی مکاتیب الائمه

۴۴۱ – تصحیح کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق(۱)

۱– ۱ . همان، ص۱۹۶ – ۱۲۱.

منابع

منابع

۴۴۲ – آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۲.

۴۴۳ – اعیان الشیعه، ج ۷، سید محسن امین، بیروت، ۱۴۰۳.

۴۴۴ – الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.

۴۴۵ – الکنی و الالقاب، ج ۳، شیخ عباس قمی، ۱۳۸۹ هجری قمری، المطبعه الحیدریه، النجف.

۴۴۶ – بزرگان تنکابن، محمد سمامی حائری، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۲.

۴۴۷ – تاریخ فلاسفه ایرانی، علی اصغر حلبی، نقش جهان، تهران، ۱۳۶۱.

۴۴۸ – تاریخ حکما و عرفای متاخر، منوچهر صدوقی سها، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۱.

۴۴۹ – تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه جواد طباطبایی، کویر، تهران،

ص: ۸۱

.۱۳۷۳

۴۵۰ – تاریخ علمای معاصرین، خیابانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۶.

۴۵۱ – تتمیم امل الآمل، عبدالنبی قزوینی، مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۷.

۴۵۲ – تذکره الشعراء، محمدطاهر نصرآبادی، اساطیر، ۱۳۷۸.

۴۵۳ – تعلیقات قاضی سعید بر اثولوجیا، تصحیح آشتیانی، تهران، ۱۳۵۶.

۴۵۴ – تقریرات فلسفه، امام خمینی، ج ۱، سید عبدالغنی اردبیلی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.

۴۵۵ – حدیث بیداری، حمید انصاری، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.

۴۵۶ – خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، جامعه مدرّسین، ۱۳۶۲.

۴۵۷ – در آسمان معرفت، حسن حسن زاده آملی، انتشارات تشیع، قم، ۱۳۷۵.

۴۵۸ – دفتر عقل، محسن کدیور، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.

۴۵۹ – رسائل حکمیه، میرزا علی اکبر حکمی یزدی، ارشاد ۱۳۶۵.

۴۶۰ – روضات الجنات، ج ۴، محمدباقر موسوی خوانساری، مهر استوار قم ۱۳۹۱ق.

۴۶۱ – ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله افندی اصفهانی، آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۶.

۴۶۲ – ریحانه الادب، ج ۴ و ۳، محمدعلی مدرس، خیام، تهران، ۱۳۷۴.

۴۶۳ – زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقایی، مهدی فرقانی، اصفهان، انتشارات گلها، ۱۳۷۱.

۴۶۴ – زندگی نامه آیت الله مصباح یزدی، محمدتقی اسلامی، پرتو ولایت، قم، ۱۳۸۲.

۴۶۵ – ستارگان حرم، ج ۷ و ۲ و ۳، جمعی از نویسندگان، زائر، ۱۳۷۷.

۴۶۶ – شرح توحید صدوق، ج ۱، قاضی سعید قمی، تصحیح و تعلیق دکتر نجفقلی حبیبی، تهران، ۱۳۷۳.

۴۶۷ – صحیفه امام، ج ۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.

۴۶۸ – طبقات اعلام الشیعه، قسم چهارم از جزء اول، شیخ آقابزرگ طهرانی.

۴۶۹ – عارف کامل، بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش پژوهان، تهران، ۱۳۸۱.

۴۷۰ – فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، پاییز ۱۳۷۱.

۴۷۱ – فلاسفه شیعه، عبدالله نعمه، دارالکتب الاسلامی.

۴۷۲ – فوائد رضویه، شیخ عباس قمی

۴۷۳ – کلید بهشت، قاضی سعید قمی، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۲.

۴۷۴ – گزیده گوهر مراد، لاهیجی، عبدالرزاق، تهران، ۱۳۶۴.

۴۷۵ – گنجینه دانشمندان، ج ۱ و ۲، محمد شریف رازی، اسلامیه تهران، ۱۳۵۲.

۴۷۶ – گوهر مراد، عبدالرزاق لاهیجی، بمبئی.

۴۷۷ – مجموعه رسائل فلسفی مرحوم سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، تصحیح و مقدمه دکتر غلامحسین رضانژاد سپهر ۱۳۶۷.

۴۷۸ – مفاخر اسلام، ج ۷، علی دوانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.

۴۷۹ – مقدمه شواهد ربوبیه، سید جلال الدین آشتیانی، المرکز الجامعی للنشر، مشهد، ۱۳۶۰.

۴۸۰ – منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، (۳ جلد) سید جلال الدین آشتیانی، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱.

۴۸۱ – مهر استاد، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱.

۴۸۲ – نمایه اسراء، مرکز نشر اسراء.

۴۸۳ - یادنامه علامه طباطبایی، جمعی از نویسندگان، قم، شفق، ۱۳۶۱.

ص: ۸۴

فلاسفه بعد از ملاصدرا در قم مهدی منفرد

مقدمه

فلاسفه بعد از ملاصدرا در قم

مهدی منفرد

ص: ۸۵

فلاسفه بعد از ملاصدرا در قم

مهدی منفرد

فلاسفه ای که بعد از ملاصدرا ظهور کردند، بسیار زیادند؛ امّا در این مقاله به فلاسفه بعد از ملاصدرا در قم می پردازیم. فلسفه ملاصدرا، یک مکتب فلسفی جدید و غنی در جهان اسلام است که نظیرش تا به حال در دنیای اسلام نیامده است. صدرالمتألهین با تأسیس چند اصل فلسفی و بهره گیری ویژه از آنها، توانست نگاه و نظری نو به عالم ارائه دهد که در نوع خود شایسته تقدیر و تحقیق است. بنیان های مکتب صدرا، چنان دقیق و با اصول کلاسیک فلسفی و استدلالات عقلی و ذوق های عرفانی توأم است که به سادگی قابل فهم و ایراد نیست. اکثر فلاسفه بعد از ملاصدرا شیوه و مکتب او را پسندیدند و در نشر و شرح و تحقیق آن برآمدند.

چرا بعد از ملاصدرا، فلسفه چندان رشد اساسی نکرد و فلاسفه بزرگی مثل حاجی سبزواری و ملاعبدالله زنوزی به تأسیس فلسفه جدید نپرداختند؟ ما تلاش فلاسفه بعد از ملاصدرا را در جهت رفع اشکالات مهم کلام و فلسفه صدرالمتألهین، مشائیان و اشراقیان را نادیده نمی گیریم؛ اما آنان صاحب مکتب نبوده اند. بعد از ابن سینا، تنها

دو صاحبِ اندیشه در فلسفه ظهور کردند! شیخ شهاب الدین سهروردی و ملاصدرای شیرازی.

برخی بر این عقیده اند که شرق بعد از پیشرفت و تکامل علمی و فلسفی، به خاطر حکّام غیر روشنفکر و خودکامه، آزادی فکر و اندیشه را در عرصه فلسفه و تفکر از دست داد. از این رو، فلسفه های مستقل _ مثل فلسفه بوعلی سینا و ملاصدرا _ ظهور نکرد و در مدارس فقط افکار فیلسوفان پیشین را تدریس می کردند و بر کتاب ها یشان شرح و حاشیه می زدند. به این جهت، فلسفه از سرعت و حرکت بازایستاد.(۱)

عده ای معتقدند علت عدم رشد و حرکت فلسفه، تکفیرِ فلاسفه بوده است. عده ای فلاسفه را تکفیر می نمودند و عقایدشان را مخالف دین قلمداد می کردند. این عدّه دانسته یا ندانسته، در رکود و یکنواخت بودن فلسفه سهم عظیمی دارند. شاید علتش این باشد که علوم عقلی و فلسفی _ مانند علوم ریاضی _ دانش سخت و محکمی است که هرکس با اندک تحرّک فکری به درونش راه نخواهد یافت و فکر قوی و منسجم و دقت و طبع عالی می طلبد تا به دروازه آن رسید و اجازه ورود در آن را یافت. به قول ملاصدرا: انسان باید از فطرت اول خود بگذرد، از امری عادی و روزمره و معاش بگذرد و به فطرت ثانی برسد، تا به گلستان فهم و معرفت عقلی صرف، گُلی بچیند یا آن را ببوید و از آن برای دیگران به ارمغان بیاورد. یکی از دانشمندان(۲) معتقد است گرایش به مکتب هایی که دانش پژوه فلسفه انتخاب می کنند، بی دلیل نیست؛ بلکه

۱- ۱. مجله رواق اندیشه، شماره ۲۰، ص ۵۲.

۲- ۲. دکتر داوری، رضا، فلسفه چیست؟ /۲۲، (و از بیان او در کلاس درس)

این میل در او به لحاظ درون و الهام و فطرتش است و لـذا بیش تر مخالفان فلسـفه از درک فلسـفه عاجز بودنـد. شاید یکی از علـل عـدم رشـد فلسـفه، نبودن زمینه مساعـد و فراغت کامـل برای یـک دانش پژوه بوده است. دانشـمندان ما با موانع معیشتی، فرهنگی، بومی، و اجتماعی بسـته، همراه با کمبود منابع مطالعاتی و محـدویتهای دیگر، نتوانسـتند بعد از ملاصدرا، فلسـفه را به اوج تفکر بشـری برسانند. امروزه ما شاهد تلاش فراوان فلاسفه اسلامی هستیم که مباحث فلسفی را رونق بسیار داده اند. علامه طباطبایی با نگارش کتاب «اصول فلسـفه و روش رئالیسم» توانست خیلی از مباحث روز آن زمان را بررسـی نموده، پاسـخ های فیلسوفانه و روشن به آنها بدهد.

در نظام مقدس جمهوری اسلامی، به فلسفه ارج نهاده شد و فلسفه با حرکت بیش تری به سوی تعالی در حرکت است.

امیدواریم همه اندیشـمندان و فلاسـفه، با تلاش و الهام از آثار فلاسـفه گذشـته، بتوانند در مسایل فلسـفی جدید، نظر نو و نگاه بکر، ارائه دهند تا راهنمای همه انسان های مشتاق حق و حقیقت شود. ان شاءالله

ص: ۸۹

ملا محسن فیض کاشانی

زندگی نامه

ملا محسن فیض کاشانی

زندگی نامه

محمـدبن مرتضـی بن محمود، معروف به ملامحسن و ملقب به فیض (۱۰۰۶ یا ۱۰۰۷ _ ۱۰۹۱ ه .ق.)، از اسـتادان بزرگ علوم عقلی و نقلی به شمار می رود.(۱) فیض کاشانی پس از آن که دوران نخست حیات خود را در شـهر مقدس قم گذراند، برای ادامه تحصـیل به شـیراز رفت و در درس سـید ماجـد بحرانی (متوفـای ۱۰۴۸ه .ق.) شـرکت کرد. وی فلسـفه و حکمـت را نزد ملاصدرای شیرازی فراگرفت. او از شاگردان ممتاز و داماد ملاصدرای شیرازی بود.

استادان

استادان

فیض کاشانی علم فقه و حدیث را نزد سـید ماجد بحرانی و فلسـفه و عرفان را نزد صدرالمتألهین، ملاخلیل قزوینی، شیخ بهائی، شیـخ محمـدبن حسن صاحب معالم (فرزنـد شـهید ثانی) و ملامحمـد صالـح مازنـدرانی فراگرفت.(۲) معاصـران فیض کاشانی عبارتنـد از: ملاعبـدالرزاق لاـهیجی، شـیخ حسـین تنکابنی، ملارجبعلی تبریزی، آقا میرزا رفیعای نائینی، آقا حسـین خوانساری، ملامحمد باقر سبزواری، محمدبن علی بن محمد آقاجانی شارح کتاب «قبسات».(۳)

شاگردان

ص: ۹۰

۱- ۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، سید جلال الدین آشتیانی، ج ۲، ۱۴۷.

۲- ۲. تفسیر صافی، مقدمه، ج ۱، ۴.

۳- ۳. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۲، ۴۸.

شاگردان

شاگردان او عبارتند از:

۱. پسرش، زکی، معروف به علم الهدی؛

۲. علامه مجلسی؛

۳. سید نعمت الله جزایری؛

۴. قاضی سعید قمی.(۱)

آثار

آثار

آثار بسیار گرانقدری از ملامحسن فیض کاشانی باقی مانده است. هانری کربن او را صاحب ۱۲۰ اثر دانسته است.(۲) عده ای او را صاحب ۲۰۰ اثر دانسته اند.(۳) مهم ترین آثار او عبارتند از:

الف) عقاید و معارف (کلام و حکمت)

۱. حق الیقین؛

۲. عین الیقین؛

۳. علم الیقین؛

۴. اصول المعارف؛

۵. بشاره الشیعه؛

۶. اللبّ؛

۷. اللباب؛

۸. قره العیون؛

۱- ۱. تفسیر صافی، مقدمه، ج ۱، ص ۷.

۲- ۲. کربن هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۸۵.

۳- ۳. روضات الجنات، خوانساری.

۹. کلمات مکنونه؛

۱۰. میزان القیامه؛

۱۱. مرآه الآخره؛

۱۲. راه صواب؛

ب) حدیث

۱۳. الوافی؛

۱۴. الشافی؛

۱۵. نوادرالاخبار؛

ج) ادعیه

۱۶. شرح مختصر صحیفه سجادیه؛

۱۷. منتخب الاوراد؛

۱۸. خلاصه الاذکار؛

ح) فقه

۱۹. مفاتیح الشرایع؛

۲۰. معتصم الشیعه؛

۲۱. ابواب الجنان؛

۲۲. الشهاب الثاقب؛

۲۳. اسرار الصلاه،

۲۴. النخبه؛

د) اصول فقه

۲۵. الحق المبين؛

۲۶. سفینه النجاه؛

ص: ۹۲

۲۷. نقد الاصول الفقهیه؛

۲۸. الاصول الاصیله؛(۱)

ج) تفسیر

۲۹. صافی؛

۳۰. اصفی؛

۳۱. مصفّی؛

۳۲. تنویرالمواهب (که حاشیه بر تفسیر کاشفی است)؛

و) اخلاق

۳۳. المحجه البیضاء؛

۳۴. الحقایق؛

۳۵. الفت نامه؛

۳۶. زادالسالک؛

ز) عرفان

۳۷. منتخب ابواب الفتوحات المکیه؛

۳۸. مشواق؛

۳۹. تهییج الشوق؛

ع) طبیعیات و نجوم

۴۰. تشریح العالم؛

غ) ادبیات و شعر

۴۱. گلزار قدس؛

۴۲. دیوان فیاض؛

ص: ۹۳

۱- ۱. کتاب های اصولی وی بر مشرب اخباریگری است.

۴۳. شوق المهدی علیه السلام؛

۴۴. مثنویات (سلسبیل)؛

ی) کلیات و متفرعات

۴۵. انصاف؛

۴۶. اربعین؛

۴۷. فهرست العلوم؛

۴۸. شرح الصدر؛

۴۹. منهاج النجاه؛

۵۰. محاکمه؛(۱)

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله علیه در باره شخصیت ملامحسن فیض کاشانی می نویسد:

مؤلف این تفسیر [تفسیر صافی] حکیم و عارف و محدّث و مفسّر معروف ملامحسن فیض کاشانی است. از مشاهیر علمای شیعه است و در قرن یازدهم هجری می زیسته است. این مرد بزرگ عمر پربرکتی داشته و بر کثرت وجود تألیف معروف است.

مرحوم فیض در آغاز عمر، در قم اقامت داشت. مدرسه فیضیه به نام او معروف شد. از قم به شیراز مسافرت کرد و علم حدیث را نزد سید ماجد بحرانی و فلسفه و عرفان را نزد حکیم و عارف بلند قدر صدرالمتألهین آموخت و دختر صدرا را به زنی گرفت».(۲)

۱- ۱. ده رساله، تصحیح و تحقیق: رسول جعفریان، مرکز تحقیقات علمی و دینی امام امیرالمؤمنین علیه السلام اصفهان.

۲- ۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۴۰۵.

دیدگاه های فلسفی

دیدگاه های فلسفی

ملامحسن فیض از شاگردان ملاصدرا است. او در حکمت و عرفان راه استاد خود را برگزید. استاد سید جلال الدین آشتیانی در این باره می فرماید:

«ملامحسن در حکمت و فلسفه از تلامیذ صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (ملاصدرا) و در مشرب و مشی حکمی از شارحان و مروّجان افکار و عقاید آخوند ملاصدراست. در فن تفسیر و حدیث نیز مشرب او همان مشرب صدرالحکماست. شرح و تعلیقات آخوند ملامحسن فیض به احادیث ــ وافی ــ حاکی از این معناست».(۱)

فیض کاشانی مرزهای دانش ها را پاس می داشت:

«از خصایص فیض آن است که در هر علمی که وارد می شود، و کتاب در آن علم می نویسد خلط مبانی علوم و مسایل مختلفه علوم ننموده و چنان متمحض و متفرد در آن علم وارد می شود که گویا از سایر علوم اطلاع ندارد، برخلاف برخی از مؤلفان که همه علوم را دریک علم وارد نموده و مسایل را با یکدیگر خلط می نمایند و موجبات حیرت مراجعین را فراهم می نمایند، مثل برخی از دانشمندان که متعمّد در این کارند و تمام مبانی فلسفه را در یک بحث اصولی و یا فقهی وارد می نمایند. از باب مثال در مقام تحقیق «صلوه» مثلاً می گویند:

«البحث فی الصلوه و انّها من ایّه مقوله من المقولات التسعه، هل هی

۱- ۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۲، ص ۱۴۸ ــ ۱۴۷.

امراعتباری أو أنّها من الامور الحقیقیه، و هکذا فی سایرالمباحث»(۱)

ملامحسن فیض کاشانی در کتاب «اصول المعارف» می گوید: «یکی از انگیزه هایی که در تألیف این کتاب نقش اساسی داشته، این است که بین سخنان حکمای سابق و معارف دین و شریعت جمع کرده و نشان دهیم که بین این دوجریان منافات دیده نمی شود»(۲)

استاد سید جلال الدین آشتیانی در این باره می نویسد:

«سبب دیگر تألیف این اثر منیف [اصول المعارف] آن است که مؤلف علّامه رضی الله عنه خواسته است بین طریقه حکمت و معرفتِ حاصل از طریق برهان و فلسفه معهود بین حکمای اوائل و اساطین فن از اعاظم حکمای یونان و بین معارف وارد از طریق شریعت محمدیه و انوار فایض از طریقه ائمه شیعه جمع نماید و اثبات کند که بین اسرار نازل از حق اول به وساطت انبیاء و اولیاء و حکمت فائض بر نفوس مستعدین از حکمای الهی تهافت و تناقض وجود ندارد».(۳)

وفات و محل دفن

فیض کاشانی در سال ۱۰۹۱ه .ق، در کاشان دار فانی را وداع گفته و به لقاءالله پیوست و در کاشان مدفون گردید..

ملاعبدالرزاق لاهیجی

زندگی نامه

ملاعبدالرزاق لاهیجی

۱- ۱. شواهد الربوبیه، تصحیح استاد سید جلال الدین آشتیانی، مقدمه مرکز نشر دانشگاهی، چاپ نهم، ص ۹۸.

۲- ۲. غلامحسین ابراهیمی دینانی، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، چاپ اول، انتشارات طرح نو، ج ۲، ص ۳۴۶.

۳- ۳. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۲، ص ۱۵۰.

زندگی نامه

عبدالرزاق بن علی بن حسین لاهیجی قمی، از فیلسوفان دوره صفویه است. وی در لاهیجان به دنیا آمد و در قم اقامت گزید و رحلت کرد. او به جهت این که در اوایل عمر به قم رفت و در آن جا ساکن شد، به قمّی نیز مشهور است. عبدالرزاق لاهیجی از شاگردان ممتاز ملاصدرا و از محققان بزرگ عصر خود در حکمت مشاء و اشراق بود. وی از بزرگ ترین متکلمان چهار قرن اخیر، بلکه از محقق ترین متکلمان دوره اسلامی می باشد.(۱)

او حکمت را از محضر صدرالمتألهین شیرازی آموخت و به افتخار دامادی استاد نایل آمد. وی سالیانی عمر خود را در مدرسه معصومیه قم به تدریس «معقولات» گذرانید.(۲) هانری کربن در باره شخصیت ملاعبدالرزاق لاهیجی می گوید:

«ملاعبدالرزاق لاهیجی ــ در گذشته در قم در سال ۱۰۷۲ ه ق. ۱۶۶۱م. ــ شخصیت متفاوتی دارد. او مدت زمانی طولانی در درس پدرزن خود حضور یافته بود؛ اما به نظر نمی آید که از مجموعه نظرات صدرا برای فلسفه شخصی خود رضایت حاصل کرده باشد. در واقع، به نظر می آید که او میان افراط و تفریط در نوسان و دستخوش پیکاری درونی یا مرعوب جهان خارج و محیط اجتماعی بوده است. به هرحال، صرف قراردادن او در زمره ــ حکمای مشایی ــ چنانکه

۱- ۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲- ۲. ملاعبدالرزاق لاهیجی، مقدمه گزیده گوهر مراد، ص ۱۲، به اهتمام صمد موحد، کتابخانه طهوری، چاپ اول.

در تـذکره آمـده، درست نخواهـد بود، چنانکه از ــ گوهر مراد ــ او برمی آید او کوچک ترین تردیدی در باره اهمیت تجربه عرفانی شخصی نداشته است.(۱)

ملاعبـدالرزاق باتمـام روشن بودن اوضاع و احوال، از جهاتی شخصـیت او قابل مطالعه است و به عقیـده حقیر، در بین متأخرین کـم نظیر اسـت. این مرد در دقت نظر و تحقیـق، از راسـخان در حکمت و فلسـفه است؛ در فلسـفه مشـاء، فیلسـوفی راسـخ و در کلمات اشراق، حکیمی متضلّع و در احاطه به اقوال متکلمان، از شخصیت های بارز شیعه است.(۲)

شاگردان

شاگردان

شاگردان او عبارتند از:

۱. فرزندش میرزا حسن، نویسنده «شمع یقین» و «آئینه حکمت».

۲. قاضی سعید قمی، نویسنده «کلید بهشت» و «تعلیقات ثولوجیا».(۳)

آثار

آثار او عبارتند از:

۱. «شوارق الالهام»، شرحی است بر کتاب «تجرید» خواجه نصیر طوسی

۲. «رساله حدوث العالم»: در آن، ازلی و قدیم بودن عالم را رد

ص: ۹۸

۱- ۱. کربن هازی، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۸۵، ترجمه جواد طباطبائی. انتشارات کویر، چاپ دوم.

۲- ۲. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۲۹۹.

۳- ۳. مقدمه گزیده گوهر مراد، ص ۱۲.

کرده است.

۳. «حاشیه بر حاشیه» حکیم خفری بر الهیات شرح تجرید.

۴. «گوهر مراد».

۵. «سرمایه ایمان».

۶. «الکلمات الطّیبه»: در باره اصالت وجود و ماهیت.

۷. «شرح هیاکل النور»، شیخ شهاب الدین سهروردی.

۸. «دیوان لاهیجی».

۹. شرح بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی.(۱)

دیدگاه های فلسفی

دیدگاه های فلسفی

ملاعبدالرزاق لاهیجی «به حسب ظاهر، فیلسوفی مشائی و پایبند به براهین صرف حکمی است؛ ولی بعد از تفکر و مطالعات زیاد در آثار او معلوم می شود که در حکمت اشراق، سرآمد دانشمندان زمان بود و «حکمت الاشراق» سهروردی را تدریس می نمود و در عرفان نظری و عملی، صاحب اطلاع کافی و محیط برافکار محققان از عرفا، و طریق معرفت حقیقی را منحصر به روش و طریقه اهل عرفان می داند.

لاهیجی به افکار متأخران و شارحان و صاحبان حواشی بر تجرید و افکار متکلمان شارح «مقاصد» و «مواقف» و امثال آنها احاطه عجیبی داشته است. لذا شرح او بر تجرید مطلقاً محکم تر و تحقیقی تر و مفیدتر از جمیع شروح و حواشی تجرید است».(۲)

۱- ۱. مقدمه گزیده گوهر مراد، ص ۱۲. و منتخباتی از آثار حکمای رسمی ایران، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲- ۲. منتخباتی از آثار حکمای رسمی ایران، ج ۱، ص ۲۸۹.

استاد سید جلال الدین آشتیانی در باره او می گوید:

«به طور مسلم، در بحث نظری از فیض [کاشانی] عمیق تر و دقیق تر است؛ ولی جمعی معتقدند که در افکار فلسفی، تابع مسلک مشاء است. به نحوی وارد مباحث می شود که گویا از افکار عالیه استاد خود لونی نگرفته است، ولی باطناً سالک طریقه اشراق و معتقد به مبانی استاد[بوده] و از ترس خلق روزگار و فرار از تکفیر، عقاید خود را به سبک متکلمان و اهل نظر جلوه داده است. دلیل براین که معتقد بر تقدم طریقه اشراق و عرفان بر مسلک اهل نظر است، آن است که در اوایل «گوهر مراد» بلکه در اواسط و اواخر این کتاب صریحاً گفته است: طریقه اشراق همان طریقه انبیا است که خواص از مردم را به عین جمع واصلیت وجود دعوت کرده اند و طریقه اهل نظر طریقه قاصران از نیل به سلوک باطن می باشد. در جای دیگر از «گوهر مراد» می گوید: آدمی را به خدای تعالی دوراه است: یکی، راه ظاهر و دیگری، راه باطن. راه باطن، راهی است که از او به خدا توان رسید. راه ظاهر، راهی است که به او خدای توان دانست. از دانستن راه بسیار است تا رسیدن. طی طریق باطن، صعوبت دارد؛ ولی راه ظاهر که راه استدلال باشد برای همه عقلا مقدور است.»(1)

لاهیجی در باره ترجیح طریقه متصوفه بر طریقه حکما در «گوهر مراد» چنین می نویسد:

«بدان که راه خدای تعالی _ راهی است که جز به پای عجز و نیستی اندیشه سلوک آن نتوان نمود. مشت خاک را با خالق پاک چه مناسبت _

ص: ۱۰۰

۱- ۱. الشواهد الربوبیه، مقدمه، ص ۹۹.

مـاللتّراب و ربّ الاربـاب ـ مخلوق را بـا خـالق و ممکن را بـا واجب و حادث را با قـدیم و فانی را با باقی هیـچ گونه مناسـبتی نیست که دست توسّل در آن زده، متوجّه درگاه او توان شد مگر به سلب همه نسبت ها، که چون نسبت ها همه مسلوب گشت و پرده هـای وهم و خیـال از پیش نظر برخاست و یأس یکی حاصل شـد، نویـد امیـد کلّی باشـد. چه هرگاه گرد نشـست و هوا صاف شد، دیدنی دیده شود، وجود ممکنات گردی است بر خاسـته و فضای اندیشه هوائی است غبارآلود، تا گرد ننشیند، غیر گرد دیده نشود و مقصود محققّین از صوفیه از دعوی وحدت وجود و ادعای فنای مطلق زیاده براین معنی که اشاره به آن شد، نمی توانـد باشـد. هرچه غیر ازاین بشـنوی زنهار نشـنوی و بالجمله راه خـدا راهی است به غایت باریک و خود به خود این راه پیـدا نتوان نمود و [به [پایمردی عقل این راه سـیر نتوان کرد، بلکه به فضل او امیـدوار باید بود و او به عنایت خویش این راه را بربندگان خود گشاده و انبیا را به نمودن این راه فرسـتاد، ولی چون راه نموده شد به راهِ نموده، خود باید رفت و با آن که خود می بایـد رفت تا او نَبَرد، نمی توان رفت. و ببایـد دانست که آدمی را به خدای تعالی دو راه است: یکی راه ظاهر و دیگری راه باطن، لیکن راه باطن راهی است که از او به خـدا توان رسـید، راه ظاهر راهی است که با وی خدا را توان دانست و از دانسـتن راه بسـیار است تا به رسـیدن، و این که اشاره به صـعوبت آن شد؛ راه باطن است و در راه ظاهر چندان صـعوبت نیست، چه راه ظـاهر راه اسـتدلال اسـت و اسـتدلال مقـدور هر عـاقلی اسـت که از آثـار پی به مـؤثرات بَرَد، و راه اسـتدلال مقـدّم است بر راه سلوک؛ چه تاکسی نداند که منزلی هست

طلب راهی که به منزل بَرَد، نتوان کرد و بعثت انبیا برای ارشاد راه ظاهر و استدلال نیست، به این معنی که یافتن راه موقوف به نمودن پیغمبر باشد که اگر چنین بود، دور لازم آمدی، چه تصدیق پیغمبر به این که فرستاده خداست موقوف به شناختن خدا باشد، بلکه کار پیغمبران در هدایت این راه از بابت بیدار کردن خفتگان است، کسی که خفته صحیح البصر را بیدار کند، او لامحاله به بصر خود اشیا را ببیند و آن بیدار کننده در دیدن بیدار شده، زیاده از بیدار کردن دخلی نداشته باشد، و تواند بود که کسی خود به خود بیدار شود و اشیا را ببیند، چه بیدار شدن ــ البته ــ موقوف به بیدار کردن دیگری نیست.

کذلک مردمان در خواب غفلت اند و نسبت غفلت به چشم عقل، چون نسبت خواب است به چشمِ حس؛ پس کار پیغمبران همین باشد که مردم را از خواب غفلت بیدار کنند، و تواند بود که کسی خود به خود بیدار شود. پس چون مردم از خواب غفلت بیدار شوند اگر عقل از پرده غفلت برآمده را به کاربرند، خدا را به یقین توانند شناخت، و اگر بعد از بیدار شدن از خواب غفلت خدای را نشناسند، به سبب آن باشد که عقل به کار نبرده باشند، مثل کسی که از خواب بیدار شود و چشم بازنکند تا اشیا را ببیند.»(۱)

استاد آشتیانی معتقد است لاهیجی در جلد اول «شوارق الالهام»، به صورت اشاره، قائل به اصالت وجود و در جلد دوم آن قائل به اصالت وجود و وحدت حقیقت آن شده است و قائلان به اصالت ماهیت را از منکران امر بدیهی دانسته است؛(۲) اما همو در گوهر مراد، در موارد

۱– ۱. گزیده گوهر مراد، ص ۱۱.

۲– ۲. شواهد الربوبیه، مقدمه، ص ۱۰۰.

متعددی، اصالت وجود را رد کرده است.(۱)

ملاعبدالرزاق در جلد اول و دوّم «شوارق الالهام»، اشتداد در وجود و حرکت جوهریه را ابطال نموده است؛ استدلال او، عمده در ابطال حرکت در جوهر همان مناقشه شیخ الرئیس _ عدم بقای موضوع در حرکت اشتدادی _ است.(۲)

وی در این باره، در کتاب «گوهر مراد» می نویسد:

«حرکت در مقوله جوهر ممکن نیست، چون جوهر، ذاتی جسم است و حرکت در ذاتیات جایز نمی باشد؛ چه تمامیت شی به ذاتیات است. پس اگر ذاتی از ذاتیات شی ء او را حاصل نباشد، آن شی ء، آن شی ء نخواهد بود و چون آن شی ء، آن شی ء نباشد صادق نیست که آن شی ء به سوی ذاتی خود حرکت کرده است و وقوع حرکت در مقولات عرض جایز است و در چهار مقوله آن واقع.»(۳) ملاعبدالرزاق منکر عالم مثال است و در نهایت، طریقه استاد خود صدرالمتألهین را بهترین طریقه برای اثبات عالم مثال و برزخ دانسته است.(۴)

وفات

ملا عبدالرزاق لاهیجی در سال (۱۰۷۲ ه . ق) در شهر قم دار فانی را وداع گفت.

ص: ۱۰۳

۱- ۱. گوهر مراد، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.
۲- ۲. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۳۰۵.
۳- ۳. گوهر مراد، ص ۸۸.
۴- ۴. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۳۰۵ و گوهر مراد، ص ۳۳.

علی قلی بن قرچغای خان

زندگی نامه

علی قلی بن قرچغای خان

زندگی نامه

علی قلی خان حکیم، محقق و عارف گمنام عصر صفویه است. درباره زندگی وی اطلاع دقیق و کاملی دردست نیست. تذکره نویسان نیز در باره نام و شخصیت علمی او گاه دچار اشتباه شده اند.(۱)

تاریخ تولد و وفاتش روشن نیست؛ اما از روی قرائنی که در آثارش وجود دارد می توان تاریخ تقریبی تولد وی را بین سالهای ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۵ ه . ق. ذکر کرد. وی در کتاب «احیای حکمت» نوشته است: «تا حال تحریر، که عمرم به شصت و شش سال رسیده است»(۲) و در جلد دوم آن گفته است: «از زمان قدیم تا عصر ما که هزار و نود و یک از هجرت گذشته است.»(۳)

پدر علی قلی خان، قرچغای خان سپهسالار، مورد علاقه شاه عباس

۱- ۱. در معجم المؤلفین، او را به عنوان نحوی، صرفی، مفسّر، ادیب، شاعر، حکیم و کاتب است. معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۱۷۰. آثاری که نویسنده معجم المؤمنین از او نام برده، نشان می دهد که وی علی قلی بن قرچغای خان را با علی قلی بن محمد الخلخالی یکی دانسته است؛ در حالی که شخص اخیر، بنابر نقل «ریاض العلما»، اصلاً حکیم نبوده است، و تنها تشابه اسمی و تقارن زمانی با علی قلی خان صاحب کتاب «احیای حکمت» داشته است. ریاض العلماء، در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۴، ص ۱۸۲. و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، بیروت، دارالاضواء، ج ۱، ص۳۰۸، او را علی قلی بن قرچغای خان الخلخالی خوانده است. چنانچه سید محسن امین در اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۸، ص ۲۶۸، او را علی قلی بن قرچغای خان خلخالی الاصفهانی خوانده است.

۲- ۲. علی قلی خان بن قرچغای خان خلجی، احیای حکمت، ج ۱، ص ۵۲۹، تصحیح و تحقیق: فاطمه فنا.

۳- ۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۸.

اوّل بودو برخلاف پسر، در عصر صفویه نامی بلند آوازه دارد.

به روایت نصرآبادی، علی قلی خان متولی شهر مقدس قم بوده است و پسرش مهدی قلی بیک شاعر عهد صفوی (باتخلص صفا) در همین شهر به تحصیل کمالات پرداخته و شعرهای خوبی می گفته است.(۱) مهدی قلی، بانی مدرسه خان در سال (۱۱۳۳ه . ق) در قم بوده است.(۲)

استادان

استادان

آقابزرگ تهرانی(۳) و سید محسن امین جبل عاملی(۴)، علی قلی خان را از شاگردان آقاحسین خوانساری و شمس الدین گیلانی دانسته اند؛ اما خود علی قلی خان در کتاب «احیای حکمت»(۵) تنها از ملارجبعلی تبریزی با تعبیر «استادما» یاد کرده است. علامه شهید استاد مرتضی مطهری در باره علی قلی خان می فرماید: «وی شاگرد آقاحسین خوانساری و ملاشمسای گیلانی و ملارجبعلی تبریزی بوده است.»(۶)

آثار

آثار

حدود سی اثر در فلسفه، عرفان، کلام و حدیث از علی قلی بن قرچغای خان شناسایی شده که برخی از آنها در گنجینه نسخ خطی

۱- ۱. تذکره نصرآبادی، ص ۳۱.

۲- ۲. طبقات اعلام الشیعه، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۸؛ و گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۴۴.

۳- ۳. الذریعه، ج ۱، ص ۳۰۸ و اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۲۶۸.

۴- ۴. همان.

۵- ۵. احیای حکمت، ج ۱، ص ۷۰ و ج ۲، ص ۴۴۲.

۶- ۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۵۱۷.

کتابخانه های ایران موجود است.(۱) این آثار عبارتند از:

۱. «احیای حکمت»: از آثار مهم وی در حکمت و فلسفه اسلامی به شمار می رود.

۲. «منطق»؛

۳. «خزائن جواهرالقرآن»؛

۴. «فرقان الرأیین و تبیان الحکمتین» فی الفرق بین حکمه القدماء مثل أرسطالیس و افلاطون والمتأخرین مثل الفارابی و شیخ الرئیس و المیرالداماد.

۵. «شرح اثولوجیا»؛

۶. «الایمان الکامل»؛

۷. رساله در معرفت ایمان و نورانیت محمد و علی علیهما السلام، یا «رساله ایمان و کفر»،

۸. «التعلیقات فی الحکمه»؛

۹. «التعلیقات علی شرح الاشارات»؛

۱۰. «التنحیات»؛

۱۱. «التمهیدات»؛

۱۲. «مرأه المثول» (دراثبات عالم مثل عقلیه و خیالیه مستغنی از ماده و عرض

۱۳. «حدود و قانونات» (این رساله در تعریف مفاهیم فلسفی و انفکاک میان مفاهیم متشابه علمی است.)

۱۴. «رساله در باره فرشتگان و ملائکه»؛

۱- ۱. احیای حکمت، ج ۱، ص ۴۱، مقدمه فاطمه فنا.

۱۵. «آغاز و انجام قدسی»؛

۱۶. «رساله فی العالم»؛

۱۷. «رساله در علم اجمالی و تفصیلی واجب تعالی و عقول و نفوس»؛

۱۸. رساله وحدت و هویت و شیئیّت حقّه و انحصار مصداق و منشأ انتزاع مفهوم هویت و شخصیت صادقه اعتباریه ذهنیه در ذات مقدس باری به مسلک انبیا و حکمای الهی و به مسلک عوام صوفیه و سوفسطائی: نگارش این کتاب در ذیحجه ۱۰۸۳ق به پایان رسید.

۱۹. «رساله مرآه الوجود و الماهیه»؛

۲۰. «زبور العارفین»؛

۲۱. «مزامیر العاشقین»؛

۲۲. «رساله سعدیه من تهافت الصوفیه»؛

۲۳. «الاربعون حدیثا»؛

۲۴. «سبغه سماویه»؛

۲۵. «ضیاء العابدین»؛

۲۶. «هدایه الضالین و تقویه المؤمنین»؛

۲۷. «الصلوات»؛

۲۸. «شوقنامه عباس»؛

۲۹. «نزهه الزاهدین و تحفه العابدین».(۱)

عقاید فلسفی

عقاید فلسفی

علی قلی خان شاگرد ملارجبعلی تبریزی و متأثر از او است.

ص: ۱۰۷

۱- ۱. برای اطلاع بیشتر به کتاب «احیای حکمت» علی قلی خان بن قرچغای خان با تصحیح و تحقیق «فاطمه فنا» مراجعه شود.

ملارجبعلی تبریزی پیرو فلسفه مشاء است. علی قلی خان خیلی از مسایل فلسفه صدرایی را نپذیرفته است. وی متأثر از عرفان اسلامی و فلسفه های افلاطون و افلوطین است. در اندیشه او نشانه های تأثیر تفکر افلاطونی و افلوطینی و بهره گیری فراوان وی از اثولوجیای منسوب به ارسطو، به صورت قابل ملاحظه ای دیده می شود. چنانچه این جهت در شرح و تعلیقه ای که علی قلی خان بر کتاب «آثولوجیای» نوشته نمایان است. همانطور که دیدگاه وی درباره وجود، رابطه واجب با مخلوقات و معلولاتش و علم خدا هر کدام شاهدی براین مدعاست. او تحت تأثیر افکار میرداماد و برخی از پیروان وی بود. این تأثیر را می توان در مسئله صدور کثیر از واحد، نحوه تبیین سلسله معلولات، مراتب صدور و حدوث عالم به خوبی مشاهده کرد. شیوه تفکر علی قلی خان که از کتاب «احیای حکمت» او برمی آید، آمیزه ای از فلسفه مشائی، اشراقی و الهیات عرفانی است. وی می کوشد تا از طریق ترکیب فلسفه با آیات و احادیث معصومین علیهم السلام، حکمت را احیا کند.

این دیدگاه وی را در استشهاد و استدلال به آیات و روایات در کنار نقل اقوالی که از قدما و متأخرین حکمای مشائی و افلاطونی – طی مباحثی که در این اثر ارائه کرده است – به وضوح و آشکار می توان یافت.

از تصریح وی مبنی بر این که حکمت اولین و آخرین اقتباس از الهامات و تمالیم انبیا و اولیای الهی علیهم السلام است، و تعظیم و تکریم او به پیشگاه ارسطو به واسطه آن که نظر وی را ملهم از اندیشه ای می داند که از آسمان بر زمین و زمینیان افاضه گردیده است، و نیز پی جویی مبدأ چنین حکمتی که به هرمس و به تعبیر وی به ادریس

نبی علیه السلام منتهی می گردد، و اینها را همه نشانه الهی بودن اندیشه ناب فلسفی و حکمی می داند.(۱)

ایشان برای راه بردن به حق تحقیق در حل معضلات فلسفی و تبیین حقایق هستی به طریق دیگری ورای عقل نیز قائل است. یعنی او به شهود و اشراق و الهام برای نیل به حقایق نهفته عالم قائل است که این شهود و الهام را پروردگار به نور حضرت خاتم النّبیین صلی الله علیه و آله و سلم و خاتم الوصیین علیه السلام بر نفوس مستعده که جویای حقیقتند، افاضه می کند.(۲)

علی قلی خان معتقد به تباین و انفصال بالذات حضرت واجب الوجود در قیاس به ممکنات و قائل به مشترک لفظی و متشبه بودن وجود در اطلاق آن بر واجب و ممکنات است. خدا را فوق وجود دانستن و قول به تعالی و تنزّه واجب الوجود از سنخیت داشتن با معلولاتش، این نتیجه به دست می آید که وی در صدد ارائه یا دفاع از نوعی الهیات تنزیهی است که به عقیده ایشان می تواند شایسته ترین، بلکه بایسته ترین موضوع حکمت باشد. این ویژگی را در آرای ملارجبعلی تبریزی می توان یافت و شاگرد او، سرسخت تحت تأثیر استاد خود است؛ البته علی قلی خان در وجود و حرکت جوهری از مخالفان مذهب صدرالمتألهین است.(۳)

وفات

ص: ۱۰۹

۱- ۱. احیای حکمت، ج ۱، ص ۴۹.

۲- ۲. همان، ج ۱، ص ۴۹.

۳- ۳. همان، ج ۱، ص ۵۰.

تاریخ وفات او به صورت صریح ذکر نشده، ولی استاد شهید مرتضی مطهری می فرماید:

«علی قلی خان در سال ۱۰۲۰ ه . ق. متولد شد، و در سال ۱۰۹۷ ه . ق حیات داشته است.»(۱)

محمد سعیدبن محمد مفید قمی، معروف به قاضی سعید

زندگی نامه

محمد سعیدبن محمد مفید قمی، معروف به قاضی سعید

زندگی نامه

قاضی سعید در سال ۱۰۴۳ ه . ق. در قم به دنیا آمد. وی در نوجوانی علم طب را نزد پدر خود آموخت و در جوانی به اصفهان رفت و در درس ملارجبعلی تبریزی و ملامحمد محسن فیض شرکت کرد. او بعد از مدتی، در شهر قم به قضاوت و تدریس پرداخت.(۲)

در مقدمه کتاب «کلید بهشت» آمده است: «حکیم کوچک(۳) در حدود ۱۰۶۸ ه ق که تکیه فیض را می ساختند (یا اندکی بعد) در اصفهان بود، و بر حسب مأموریتی که از طرف شاه عباس دوّم پیدا کرد، از وجوهی که حلال و بی شبهه بود، املاک و آبادی های مرغوب را خریداری و بر

۱- ۱. مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۵۱۷.

۲- ۲. تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۸۸. کلید بهشت، مقدمه، ص ۸؛ ریحانه الادب، ج ۴، ص ۴۱۲ و ۴۱۳.

۳- ۳. برادر بزرگ تر قاضی سعید، میرزا محمد حسین، نویسنده تفسیر کبیر به زبان فارسی، از شاگردان ملارجبعلی تبریزی است. وی در خدمت شاه عباس دوم صفوی، در سلک اطبای حاذق بود. قاضی سعید نیز به درجه و مقام برادر خود نائل و طبیب رسمی دربار صفوی گردید و ظاهراً به مناسبت این که در جوانی برفنون طب و حکمت دست یافته و مدتی قبل از ۲۸ سالگی به مقام مذکور رسیده بود. وی را در مقابل برادر بزرگ ترش، حکیم کوچک لقب دادند. کلید بهشت، مقدمه، ص ۹.

تکیه مزبور وقف نمود. حکیم کوچک، به قول مورخین، از طرف شاه عباس دوم مدتی به قضاوت قم مشغول بوده و از آن تاریخ به بعد، به قاضی سعید مشهور شده است.»(۱)

قاضی سعید در اوائل بلوغ فکری اش، در صدد بحث و فحص در احادیث و اخبار نبود و ظاهراً در حدود سی سالگی، به واسطه خوابی که دیده بود در صدد آن برآمد و با تفکر در اخبار مشکله و به دنبال کردن مسلک استاد خود ملامحسن فیض کاشانی (تطبیق شریعت با فلسفه و تصوف) پرداخت.

قاضی سعید به عربی و فارسی نیز شعر می گفته، و دیوان شعر فارسی او معروف است؛ اما از دیوان او اطلاعی در دست نیست.(۲)

از قاضی سعید یک فرزند فاضل متکلم باقی ماند به نام مولی صدرالدین. وی در مدرسه «حضرت معصومه»، اصول کافی درس می داد، و بعدها به منصب پدر (ظاهراً قضا) در آذربایجان منصوب گردید.(۳)

استادان

استادان قاضی سعید عبارتند از:

۱. شیخ رجبعلی تبریزی؛

۲. ملاعبدالرزاق لاهیجی؛

۱- ۱. کلید بهشت، مقدمه، ص ۹.

۲- ۲. همان، ۱۱.

۳- ۳. همان، ۱۱.

۳. ملامحسن فیض کاشانی[(۱)]

شاگردان

شاگردان قاضی سعید عبارتند از:

۱. کاظم بن آقاصادق: وی از شاعران و نجبای قم بود.

۲. آقا مهدی: وی «شرح توحید» استاد را برای مصنف قرائت کرد.[(۲)]

آثار

آثار

۱. «شرح توحید صدوق»؛

۲. «شرح الاربعین»؛

۳. «رساله حقیقه الصلاه»: وی در این رساله بیان می کند که حقیقت و معنا و روح صلاه عبارت است از توحید ثلاث: توحید ذات، و توحید اسما و صفات، و توحید افعال.

۴. «اسرار عبادات»: درباره طهارت، صلاه، زکوه، صوم، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر است.

۵. «حاشیه بر اثولوجیا»، که منسوب به ارسطو است. در واقع، این کتاب از آثار افلوطین بوده است.

۶. «شرح حدیث الغمامه»؛

۷. «الاربعینات لکشف امورالقدسیات»، این کتاب مشتمل است بر ده

۱- ۱. خوانساری، روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۱،۱۰؛ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، ج ۳، ص ۳۳۷ و کلید بهشت، ص ۱۲.

۲- ۲. کلید بهشت، ص ۱۲.

رساله: رساله روح الصلاه؛ رساله در حقیقت اختلاف قراآت سبع؛ الفوائد الرضویه، در شرح حدیث مشهور «رأس الجالوت»؛(۱) مرقاه الاسرار در ربط حادث به قدیم و حدوث عالم؛ النفحات الالهیه و الخواطر الالهامیه؛ الانوار القدسیه، درباره هیولا و نفس؛ المقصد الانسی، در باره ماهیت و وجود حرکت؛ الحدیقه الوردیه فی السوانح المعراجیه؛ ترجمه رساله استادنا الحکیم الالهی مولانا رجبعلی، و لنسّمها بالبرهان القاطع و النورالساطع؛ الطلایع و البوارق (البوارق الملکوتیه): در باره این که هر حقیقت امکانی را صورتی است و نیکوترین صور، صورت مردمی است.

۸. «حاشیه شرح الاشارات»؛

۹. «کلید بهشت»، در باره مبدأ و معاد.(۲)

دیدگاه فلسفی

دیدگاه فلسفی

قاضی سعید از ذوق سرشار برخوردار بود و به عرفان و حکمت معنوی علاقه فراوان داشت.

باوجود این، اثرپذیری او از شیخ رجبعلی تبریزی به مراتب بیش تر از «فیض» و «فیاض» است. او در نحوه توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام و کیفیت تفسیر و بهره برداری از معانی آنها، به مذاق و مشرب فیض کاشانی نزدیک است. قاضی سعید به شیوه کار و سلیقه صدرالمتألهین شیرازی نیز آشنایی داشته و در نوشتن کتاب «شرح توحید صدوق»، از کتاب «شرح اصول کافی» ملاصدرا الهام گرفته است. او در نوشتن کتاب «شرح اربعین» خود نیز از همین سبک و شیوه استفاده

۱- ۱. رأس الجالوت، هو اکبر علماء الیهود و قیل قاضیهم، اربعینات، ص ۱۸.

۲- ۲. کلید بهشت، ص ۱۲.

کرده و از روش و طریقه استادان خویش در عصر صفویه انحراف پیدانکرده است.(۱)

قاضـی سـعید قمی و اسـتادش شـیخ رجبعلی تبریزی در فهم روایات، با صدرالمتألهین شیرازی به مخالفت پرداخته، راه و روش دیگری را پیش گرفته اند. قاضـی سعید با یک واسطه از شاگردان صدرالمتألهین به شمار می آید؛ ولی از جهت سبک اندیشه و طرز تفکر، با بسیاری از اصول و مبانی او موافق و هماهنگ نیست.

کتاب «شـرح توحیـد صدوق» به گونه ای نوشـته شده که با کتاب «شـرح اصول کافی» ملاصدرا فرسـنگ ها فاصـله دارد، زیرا بسـیاری از مبانی و اصولی که در «شـرح توحیـد صدوق» اساس اندیشه و تفکر قاضـی سـعید را تشـکیل می دهد غیراز مبانی و اصولی است که صدرالمتألهین در «شرح اصول کافی» از آنها استفاده می کند.

یکی از مبانی عمـده و اصول اساسـی که قاضـی سـعید در مورد آن با صدرالمتألهین به شدت مخالفت می کند، اصل اشتراک معنوی وجود است. علت این که قاضـی سـعید وهم مسـلکان او با این اصل مخالفت می کنند این است که می گویند. پذیرش اصل اشتراک معنوی وجود، مسـتلزم این است که لزوم سـنخیت و مناسبت بین وجود حق تبارک و تعالی با سایر موجودات نیز پذیرفته شود و این همان چیزی است که در نظر آنان با تنزیه خداوند به هیچ وجه سازگار نیست.(۲)

قاضی سعید میان وجود خداوند و سایر موجودات عالم امکان،

۱- ۱. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳، ص ۳۳۸.

۲- ۲. همان، ص ۳۳۹.

هیچ گونه سنخیت و مناسبت قایل نیست و معتقد است خداوند به کلی دیگر است. این نظریه که خداوند به طور کلی دیگر است، از ثمرات و نتایج قول به اشتراک لفظی وجود شناخته می شود. او معتقد است این نظریه به لحاظ مضمون و معنا، از بسیاری از اخبار و روایات به دست می آید.

قاضی سعید در پاسخ این اشکال که آنچه مطلقا دیگر است، هیچ گونه نشانه و علامت ندارد، قابل شناخت نخواهد بود، در شرح معنای حدیث دهم کتاب «شرح اربعین» خود، می نویسد: معرفت انسان نسبت به حق تبارک و تعالی بر اساس معیار و میزان طاقت و توان آدمی تعیین می شود و این معرفت همان چیزی است که می توان آن را «معرفه بالمقایسه» نام گذاشت؛ یعنی انسان به مبدأ جهان یقین داشته باشد و به اوامر و نواهی او ملتزم گردد. استدلال به آیات و تفکّر در مصنوعات نیز موجب معرفت نیست، بلکه از این طریق تنها می توان براثبات یک مبدأ دست یافت، ولی بین اثبات یک مبدأ و معرفت واقعی نسبت به آن، تفاوت و فاصله بسیار است. در شبیه این مورد، قاضی سعید اصطلاح «دیگری» به کار می برد که با آن اصطلاح مناسبت دارد. او کلمه شهادت را نیز «شهادت اقرار» خوانده و معتقد است شهادت دادن به وحدانیت خداوند، جز نوعی اقرار به وحدانیت او چیز دیگری نیست، منظور قاضی سعید از این سخن، این است که کلمه شهادت، «شهادت اقرار» است و شهادت اقرار، شهادت معرفت نیست. او در این جا به برخی روایات تمسک کرده است.(1)

۱- ۱. قاضی سعید، شرح اربعین، چاپ قدیم، ص ۲۴۳ و ماجراهای فکر فلسفی در عالم اسلام، ج ۳، ص ۳۴۰.

قاضـی سـعید همین بحث را در مورد صفات خدا مطرح می کند و از اصطلاح «صفات اقرار» استفاده کرده و معتقد است چون کنه صـفات حق تبارک و تعالی برای کسـی معلوم نیست انسان تنها به صـفات خداونـد اقرار می کنـد ولی هرگز نمی تواند به کُنه آنها دست یابد.

قاضـی سـعید با انکار اشتراک معنوی وجود و تکیه کردن روی نظریه اشتراک لفظی در باب هستی، ناچار در موضع طرفداران تنزیه محض قرار می گیرد و با بسیاری از حکما مخالفت می نماید.

او در کتاب «شرح توحید صدوق» می گوید:

«خداونـد سـبحان همـان گونه که در مقـام ذات خود با موجودات ممکن مباینت دارد، در مرحله صـفات خود نیز با موجودات ممکن مباین است. [استدلال او چنین است].

اگر خداونـد با مخلوقات خود در ذات سـنخیت داشت لازمه آن این بود که خدا نیز در زمره مخلوقات قرار گیرد؛ در حالی که خداوند به حکم برهان در زمره مخلوقات نیست.

او این برهان را در مورد صفات نیز جاری داشته، می گوید:

اگر خداوند در صـفات خود با صـفات مخلوقات سـنخیت و اشتراک داشـته باشد، به حکم این که اشتراک در عارض مسـتلزم اشتراک در معروض است، باید در ذات خود نیز با مخلوقات مشترک باشد و این برخلاف مقتضای عقل و برهان است.»(۱)

قاضی سعید در کتاب «کلید بهشت»، به گونه ای سخن می گوید، که از

۱- ۱. شرح توحید صدوق، ج ۱، ص ۸۱.

قول و گفتار او، تعطیل عقل لازم می آید:

«حضرت واجب الوجود تعالی شأنه داخل در تحت هیچ علمی از علوم نیست و نمی تواند بود، حتی در علم الهی داخل نمی تواند بود؛ چون که موضوع علم الهی چنان که مقرر شده است مفهوم موجود به معنی مشهور است و از تقریر گذشته معلوم شد که واجب الوجود تعالی شأنه از این مفهوم خارج است. بلی، نهایت آن چه در علم الهی ثابت تواند شد، اثبات اوست تعالی شأنه چه در این علم گفته می شود که غیر [از [ممکن در نفس الامر می باید باشد تا این که ممکن الوجود موجود، تواند شد؛ اما زیاده بر این، هیچ چیز معلوم نمی تواند شد؛ چرا که بالاتر از علم الهی، علمی دیگر نیست تا زیاده بر این تحصیل توان کرد. لذا جمیع عقلاـ و علما، بلکه کافّه انبیاء علیهم السلام در باب معرفت واجب الوجود تعالی شأنه اعتراف به عجز و قصور کردند.

اگرچه به حسب ظاهر، یعنی صفات برای او تعالی شأنه اثبات کرده اند، اما در آخر فرموده اند: غایت معرفت او تعالی شأنه منزه داشتن اوست از جمیع صفات و رسوم و حدود و ایضاً تصریح کرده اند که واجب الوجود تعالی شأنه فقط ذاتی که علت جمیع صفات و اوصاف است؛ چنان که از احادیث ائمه هدی علیهم السلام این معنی ظاهر است و حق این است که ایزد تعالی را بیش از این نمی توان شناخت و نحایت معرفت همین است هر که این قدر فهمیده [که] است، خوب فهمیده است. رحمت بر انصاف و ادراکش باد».(۱)

در این جا، قاضی سعید ذات خداوند را علت صفات دانسته و آن را

۱- ۱. کلید بهشت، تصحیح سید محمد مشکات، ص ۶۶ و ۶۷.

مقتضای ظاهر و معنای روایات اهل بیت به شمار آورده است؛ که بارأی صائب اهل معرفت سازگار نیست. در اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، قاضی سعید با صدرالمتألهین شیرازی مخالفت کرده و قائل به اصالت ماهیت و اعتباریت وجود شده است.(1)

قاضی سعید در «شرح توحید صدوق» و «شرح اربعین»، تلاش می کند میان دین و فلسفه جمع نماید. تسمیه کتابی درباب مبدأ و معاد به اسم «کلید بهشت» دال بر این مطلب است.

از جمله مسائلی که قاضی سعید روی آن تکیه می کند. این است که عقل، به عنوان صادر اول، همه اشیاء است. او برای اثبات این مدعا از طریق لمی، برهان اقامه کرده و معتقد است فهم این مطلب تنها نصیب او گشته است و دیگران از آن بی خبرند.

برهانی که او بر این مسئله اقامه کرده، مبتنی بر دو مقدمه است.

۱. خداوند تبارک و تعالی واحد من جمیع الجهات است و هیچ گونه تعدد جهت و حیثیت در ساحت مقدس او راه ندارد.

۲. صادر اول و آن چه تالی حق تبارک و تعالی شناخته می شود فقط عقل است.

در نتیجه، اگر از مبدأ الهی امر واحدی صادر شود که با سایر امور تفاوت داشته باشد، ناچار باید در مبدأ الهی یک خصلت و خصوصیتی تحقق داشته باشد که بتواند صدور این امر را بدون امور دیگر توجیه نماید. در غیر این صورت، با ترجیح بدون مرجح روبه رو خواهیم بود که بالضروره باطل است.

۱- ۱. همان، ص ۵۴.

اکنون با توجه به این که در مبدأ الهی تبارک و تعالی هیچ گونه تعدّد جهت در حیثیت نیست، ناچار باید آن چه از او در دفعه الهیه صادر می شود چیزی باشد که در عین حال، همه اشیاء نیز هست. در این صورت، دیگر بامشکل ترجیح بدون مرجح روبه رو نخواهیم بود؛ زیرا امری که در عین یک چیز بودن همه چیز نیز هست، مستلزم مرجح خاصی در مبدأ نیست و ترجیح بدون مرجح، معنا نخواهد داشت. بعد از این مقدمات، به این نتیجه می رسیم که چون صادر اول طبق نظر حکما، عقل شناخته شده است، ناچار باید بپذیریم که عقل در عین عقل بودن، همه اشیاء دیگر نیز هست.(۱)

فلاسفه در استحاله و بطلان تسلسل روی دو شرط اساسی تکیه می کنند. ترتّب امور و معیّت و باهم بودن در وجود. به همین جهت، آنان وجود نفس غیر متناهی را باطل و محال نمی دانند؛ زیرا نفوس غیر متناهی بر یکدیگر ترتّب ندارند و در جایی که ترتّب نباشد، تسلسل باطل نخواهد بود.(۲)

قاضی سعید در این جا نظریه ای را ابراز داشته که براساس آن، تسلسل بدون شرط اجتماع در وجود، حتی بدون شرط ترتّب، نیز باطل شناخته می شود. نظر قاضی سعید با دو مقدمه بیان شده است:

۱. آن چه در خارج غیر متناهی باشد به حکم این که غیر متناهی است، چیز دیگری بر آن نمی توان افزود؛ زیرا امکان افزایش با غیر متناهی بودن سازگار نیست.

۱- ۱. شرح اربعین، ص ۱۰۱.

۲- ۲. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳، ص ۳۵۰.

۲. گفته می شود از خواص ذاتی هرگونه مقدار یا کمیت، این است که همواره می توان چیزی بر آن افزود. در این جا بین کمیت متصل مانند مقدار و کمیت منفصل مانند عدد تفاوتی دیده نمی شود، زیرا مقدار و عدد هرگز به مرتبه ای نمی رسد که نتوان چیزی بر آن افزود.

باتوجه به این دو مقدمه می توان گفت: هرگاه مقداری یا عددی بر فرض محال غیر متناهی باشد، چیز دیگری بر آن نمی توان افزود؛ ولی از سوی دیگر می دانیم که امکان افزودن از خواص ذاتی هر گونه مقدار یا عدد شناخته می شود. به این ترتیب، فرض یک سلسه غیر متناهی در جهان خارج به معنای این است که یک شی ء بدون خاصیت ذاتی خود موجود گشته است؛ در حالی که بدون تردید، یک شی ء بدون خاصیت ذاتی خود نمی تواند وجود پیدا کند.

سرانجام باید بپذیریم که وجود مقدار غیر متناهی در جهان خارج، اعم از این که متصل باشد یا منفصل، محال خواهد بود.(۱)

رای مشهور و متعارف این است که علم نفس به اشیاء خارجی از طریق حصول صور و تسمیه در نفس تحقق می پذیرد. قاضی سعید با این نظریه مخالفت کرده و از چند طریق آن را مورد اشکال و انتقاد قرار داده است.

قاضی سعید نه تنها علم حصولی را مردود می شناسد، بلکه علم حضوری به معنای مصطلح نزد حکما را نیز مردود می داند. او معتقد است علم، وقوع بصر عقل است بر طبایع اشیای خارجی و حاضر بودن اشیا برای انسان به معنای ظاهر بودن آنهاست برای نفس عاقله به نظر

۱- ۱. کلید بهشت، ص ۴۴ و ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳، ص ۳۵۰ _ ۳۵۱.

او، حضور اشیا نزد نفس شبیه است به حضور معلول نزد علّت.(۱)

قاضی سعید این مطالب را از روایات و مضامین اخبار ائمه اطهارعلیهم السلام استفاده کرده است؛ اما نتوانسته کیفیت حضور و ظهور اشیای خارجی را برای نفس روشن نماید.

قاضی سعید منکر اعیان ثابته است. او می گوید: فعل خداوند، ابداع و خلق است و این ابداع و خلق مسبوق به عین ثابت و صورت علمی نیست.(۲)

او اطلاق موجود بودن را بر خداوند جایز نمی داند.(۳)

قاضی مشرب استاد خود شیخ رجبعلی تبریزی را پذیرفته و با اکثر مسایل بدیع در فلسفه ملاصدرا مخالفت نموده است.(۴)

وفات

قاضی سعید در سال ۱۱۰۴ یا ۱۱۰۳هق. در قم به رحمت ایزدی پیوست.

محمد حسین قمی

محمد حسین قمی

محمد حسین قمی برادر قاضی سعید، از علمای بزرگ عصر خود و از شاگردان ملارجبعلی حکیم تبریزی است.

او تفسیر بزرگی بر قرآن مجید نوشته که حاکی از تبحر وی می باشد.

۱- ۱. همان، ص ۱۰۹، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳، ص ۳۵۳؛ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص

۲- ۲. برای توضیح بیش تر، ر.ک: شرح توحید صدوق، ص ۲۰۲، ۲۱۰ و ۲۱۶.

۳- ۳. همان، ص ۳۱۲.

۴- ۴. تعالیق بر آثولوجیا، ص ۶۱.

وی در اواخر قرن یازدهم هجری، دار فانی را وداع گفت.(۱)

صدرالدین قمی

زندگی نامه

صدرالدین قمی

زندگی نامه

سید صدرالدین بن سید محمد باقربن محمد مهدی رضوی تقوی النسب قمی از علمای قرن دوازدهم هجری و جامع علوم عقلی و نقلی است. وی مرجع تقلید هم بود و مردم به او مراجعه می کردند.

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. آقا جمال خوانساری؛

۲. شیخ جعفر قاضی؛

۳. ملامیرزا شیروانی؛(۲)

وی بعد از تحصیل در اصفهان از بزرگان علم، به قم رفت و مشغول تعلیم و تربیت طلاب شد. او در جنگ افغان، به همدان رفت و از آن جا به نجف اشرف مشرف شد و از دانشمندان آن دیار مراتب علمی بالاتری را اخذ کرد.(۳)

شاگردان

شاگردان او عبارتند از:

۱- ۱. ریحانه الادب، ج ۴، ص ۴۱۳؛ اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۲۵۱ و تاریخ حکما و عرفای متأخر، منوچهر صدوقی سها، ص ۱۳۴.

۲- ۲. ریحانه الادب، ج۳، ص ۴۳۰.

۳- ۳. همان، ص ۴۳۰.

۱. بهبهانی، شارح وافیه ملاعبدالله تونی در اصول فقه.

۲. شیخ محمد جعفربن عبدالله بن ابراهیم حویزانی کمره ای اصفهانی، معروف به قاضی (متوفای ۱۱۱۵ ه . ق. ممتازترین شاگرد. آقا حسین خوانساری و از استادان میر سید محمد ابراهیم قزوینی است.(۱)

۳. ملامیرزا شیروانی، از شاگردان آقاحسین بن جمال الدین خوانساری و استاد میرمحمد صالح خاتون آبادی است.(۲) سها۱۱۲.

وفات

احتمالاً وی در سال ۱۱۵۰ یا ۱۱۶۰ ه . ق. در ۶۵ سالگی به جوار رحمت ایزدی شتافت.(۳)

ملاعبدالله زنوزی (متوفای ۱۲۵۷ ه . ق.)

زندگی نامه

ملاعبدالله زنوزی (متوفای ۱۲۵۷ ه . ق.)

زندگی نامه

آخوند ملاعبدالله زنوزی تبریزی، معروف به مدرّس، فرزند باباخان زنوزی، از دانشمندان دوران قاجاریه است.

آخوند ملاعبدالله در روستای «زنوز» از توابع شهرستان تبریز متولد شد. وی بعد از تحصیل مقدمات فارسی و عربی در شهر «خوی»، به تحصیل ادبیات عرب اشتغال ورزید و به علت تخصص در این علم، به ملاعبدالله نحوی معروف شد.

وی برای ادامه تحصیل، به عراق سفر نمود و در درس صاحب

۱- ۱. تاریخ حکما و عرفای متأخر، صدوقی سها، ص ۱۱۳، ریحانه الادب، ج ۴، ص ۴۱۳.

۲- ۲. همان، ص ۱۱۲.

۳- ۳. ریحانه الادب، ج ۳، ص ۴۳۰.

ریاض و سید محمد مجاهد راه یافت. او بعد از مدتی، به ایران برگشت و مدتی در قم در درس میرزای قمی(۱) شرکت کرد. بعد به اصفهان رفت و از حوزه درس سید محمد باقر حجه الاسلام (در فقه و اصول) استفاده کرد و بعد به حوزه درس حکیم ملاعلی نوری راه پیداکرد و از شاگردان ممتاز وی قرار گرفت.(۲)

علت مهاجرت به تهران

علت مهاجرت به تهران

فتحعلی شاه قاجار بعد از اتمام بنای مدرسه مروی، به پیشنهاد خان مروی، از حکیم ملاعلی نوری دعوت کرد برای تدریس حکمت و فلسفه به تهران بیاید؛ اما آخوند نوری این دعوت را نپذیرفت و شاگرد حکیم خود، ملاعبدالله زنوزی را به عنوان بهترین مدرّس علوم عقلی به تهران فرستاد. آخوند ملاعبدالله زنوزی ۲۰ سال به تدریس حکمت الهی در مدرسه مروی اشتغال داشت.(۳)

استادان

استادان وی عبارتند از:

۱- ۱. ابوالقاسم بن محمدبن حسن، معروف به میرزای قمی، از فقهای شیعه، در جابلق گیلان، در سال ۱۱۵۲ ه ق. به دنیا آمد. تحصیلات او در عراق بود. وی علوم اسلامی را نزد آقا باقر بهبهانی و دیگران فراگرفت. سپس در شهر مقدس قم اقامت گزید. او تألیفات زیادی دارد؛ از جمله «قوانین» در اصول، «جامع الشتات» به زبان فارسی در فقه، «غنائم» در فقه استدلالی، «مناهج» در فقه، «معین الخواص» در فقه رسائل دیگری در فقه و اصول و کلام و حکمت. وی دیوان شعری در حدود ۵۰۰۰ بیت، و منظومه ای در علم معانی و بیان نیز دارد. وی در سال ۱۲۳۰ ه ق. در قم بدورد حیات گفت. الکنی والالقاب و لغت نامه دهخدا. ج۱، ص ۱۴۲،(مکتبه الصدر، تهران).

۲- ۲. ملاعبدالله زنوزی، انوار جلّیه، مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، ص ۱ و ۲ و ۳.

۳- ۳. همان.

۱. سید علی طباطبایی (صاحب ریاض)، در علم اصول فقه؛

۲. میرزای قمی، در اصول فقه؛

۳. آقاسید محمد، پسر آقا سید علی طباطبائی، در اصول فقه؛

۴. حاج سید محمد باقر رشتی، در علم فقه؛

۵. ملاعلی نوری، در حکمت و فلسفه؛(۱)

شاگردان

شاگردان وی عبارتند از:

۱. میرزا ابوالقاسم نوری، معروف به کلانتر؛

۲. آخوند ملاحسن خوئی؛(۲)

۳. آقا علی مدرّس زنوزی، فرزندش.(۳)

آثار

آثار وی اعبارتند از:

۱. حاشیه بر «اسفار»، «شواهدالربوبیه»، «مبدا و معاد»، «اسرار الآیات» و «شفاء».

۲. «انوار جلیّه»: شرح حدیث «حقیقت»، معروف به حدیث علوی،

ص: ۱۲۵

۱- ۱. انوار جلیّه، ص ۲.

۲- ۲. آخوند ملاحسن خوئی از استادان معروف حوزه تهران است که قبل از آقا علی مدرس و جلوه و الهی قمشه ای، از شاگردان برتر ملاعبدالله زنوزی بوده است و مدت ها در مدرسه دارالشفای تهران تدریس می کرد. آخوند خراسانی در نجف، ۸ ماه در درس مرحوم آخوند ملاحسن خوئی حاضر شد.

۳- ۳. انوار جلیّه، ص ۳.

از کمیل بن زیاد؛

۳. «لمعات الهیه»: در علم الهی (الهیات بالمعنی الاخص)، به روش اسفار.(۱)

نظرات فلسفی

نظرات فلسفی

آخونـد ملاعبدالله زنوزی در فهم کلمات ملاصدرا[همانند اسـتاد خودش ملاعلی نوری] و احاطه به افکار او، کم نظیر بود. وی در مشرب و روش فلسفی، تابع استاد خود و در نهایت، احیاگر فلسفه ملاصدرا است.(۲)

او در حل مشـکلات و بیان دقایق آثار و کتب ملاصدرا [«اسفار»، «الشواهد الربوبیه» و «مبدا و معاد» و عقاید ملاصدرا در تفسیر آیات قرآن و شرح او بر روایات «اصول کافی»]. استادی به تمام معنا است.(۳)

شیخ محمد حسن قمی

زندگی نامه

شیخ محمد حسن قمی

زندگی نامه

شیـخ محمـد حسن تعلیمات ابتدایی و مقدمات را در تهران و سایر شـهرهای ایران، تا مرحله اجتهاد گذراند و سـفری به عتبات عالیات رفت و در درس حاج شـیخ مرتضـی شوشتری و علمای دیگر، شـرکت کرد و به تحصیلات فقه و اصول خود ادامه داد. شیخ محمد حسن قمی، مشهور به نادی.(۴) شاگرد آخوند ملاحسینقلی همدانی(۵) بود. شاگرد او

۱- ۱. همان، ص ۴.

۲- ۲. لمعات الهیه، ص ۳.

۳- ۳. انوار جلیّه، ص ۳.

۴- ۴. پسر مرحوم استاد نادی.

۵- ۵. آخوند ملا حسـینقلی همدانی، در سال ۱۲۳۹ ه ق متولـد شد و برای ادامه تحصـیل به تهران عازم شد و از محضـر درس آیه الله شـیخ عبدالحسـین تهرانی بهره برد، و پس از آن به سبزوار رفت و از خرمن درس حکیم متأله حـاج ملاهادی سبزواری اسـتفاده کرد و بعد از آن به نجف اشـرف مهاجرت کرد و در درس شیخ انصاری شرکت نمود و در اخلاق از محضر سیدعلی شوشتری بهره منـد گردیـد. و بعـد از فوت اسـتاد خود (سـید علی شوشتری) به تـدریس و تربیت طلاـب پرداخت. آخونـد ملا

حسینقلی همدانی در ۲۸ شعبان ۱۳۱۱ ه ق دار فـانی را وداع گفت و در شـهر کربلا در حجره چهارم باب زینبیه دفن گردیـده است. گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۳۷۲.

شیخ ابوالقاسم کبیر قمی(۱) است.

وفات

وفات

او در سال ۱۳۱۷ ه . ق. دار فانی را وداع گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.(۲)

میرزا سید حسین قمی، معروف به صدرالحفاظ

زندگی نامه

میرزا سید حسین قمی، معروف به صدرالحفاظ

زندگی نامه

او حکیمی است که در علوم مختلف تبحر داشت. وی فرزند حاج سید اسماعیل، از خادمان بزرگوار آستان مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده است.

وی تحصیلات ابتدایی و علوم ادبیات و صرف و نحو را در قم

۱- ۱. شیخ ابوالقاسم کبیر فرزند شیخ محمد تقی از علما و فقهای معروف عصرش است. و از محضر شیخ محمد حسن نادی و ملامحمد جواد بهره گرفت و در نجف از محضر درس مرحوم آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی کسب فیض نمود. شیخ ابوالقاسم کبیر در سال ۱۳۵۳ ه ق در سال قبل از فوت مرحوم آیه الله حائری در سن هفتاد سالگی وفات نمود و در مسجد بالاسر (حرم حضرت معصومه علیها السلام) نزدیک قبر حاج شیخ عبدالکریم به خاک سپرده شد. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲- ۲. تاریخ حکماء وعرفای متأخر،ص ۲۲۶؛ ناصرالشریعه، محمدحسین،تاریخ قم،ص ۲۵۸.

سپری کرد و بعد از فوت پدرش، جانشین او در دارالحفاظ شد و با دیگر قاریان و حافظان قرآن کریم در تلاوت و حفظ همراه گشت.

وی برای ادامه تحصیل، به تهران رفت و در مدرسه خان مروی، مشغول به تحصیل شد. در علم فقه و اصول از محضر درس میرزا عبدالرحیم نهاوندی استفاده کرد و در حکمت از محضر درس میرزا ابوالحسن جلوه بهره گرفت و همچنین از خرمن علم حکیم عارف ربانی محمدرضا قمشه ای کسب علم نمود. و بعد از فوت دو استاد به عتبات عالیات (سامرا) مهاجرت کرد و از محضر درس حاج میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرد و در همانجا به مدت ده سال تدریس نموده است و بعد از آن به تهران مهاجرت کرد و به تدریس و ترویج دین اسلام پرداخت.(۱)

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. میرزا عبدالرحیم نهاوندی، در فقه و اصول.

۲. میرزا ابوالحسن جلوه، در حکمت و فلسفه؛

۳. آقا محمدرضا قمشه ای در عرفان؛

۴. حاج میرزا محمدحسن شیرازی.(۲)

وی در سال ۱۳۳۴ ه . ق. در تهران رحلت کرد و در قبرستان شیخان قم مدفون است.(۳)

۱- ۱. تاریخ قم، ص ۲۶۰ _ ۲۶۱؛ گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲- ۲. همان، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۳- ۳. همان، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

شیخ علی بن محمد تقی قمی

زندگی نامه

شیخ علی بن محمد تقی قمی

زندگی نامه

او بیش تر تحصیلات عالی خود را در تهران گذراند.

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. شیخ محمد حسن آشتیانی، در فقه و اصول؛

۲. میرزا ابوالحسن جلوه، در حکمت و فلسفه؛

۳. میرزا هاشم رشتی (اشکوری)، در حکمت و فلسفه؛

شاگردان

شاگردان

وی در تهران به تدریس اشتغال داشت و شاگردان زیادی را تربیت کرد. آقامیرزا سید محمد مشکوه الشریعه بیرجندی و شیخ علی محمدبن محمد جولستانی (تویسرکانی) از شاگردان او هستند.

وفات

شیخ علی قمی در سال ۱۳۴۰ ه . ق. در تهران دارفانی را وداع گفت، و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.(۱)

آقا میرزا علی اکبر مدرس حکمی یزدی (قمی)

زندگی نامه

آقا میرزا علی اکبر مدرس حکمی یزدی (قمی)

زندگی نامه

۱- ۱. نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۵۸ و تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۳۶۱.

آقامیرزا علی اکبر در حدود سال ۱۲۶۷ ه . ق. در شهر یزد به دنیا آمد. پدرش حاج میرزا ابوالحسن از بازرگانان اردکانی بود که در شهر یزد زندگی می کرد. حکیم یزدی علوم مقدماتی حوزوی را در یزد فرا گرفت.

در آن زمان، اصفهان مرکز دانش های اسلامی بود. بدین لحاظ، حکیم یزدی برای ادامه تحصیل، به اصفهان رفت.

تأمین هزینه زندگی او در اصفهان به عهده پدرش بود. وی در اصفهان، بیش تر از محضر درس استاد آقامحمدرضا قمشه ای (متوفای ۱۳۰۶ ه . ق.)(۱) و جهانگیرخان قشقایی (متوفای ۱۳۲۸ ه . ق.) در فلسفه و عرفان بهره برد.

حکیم یزدی پس از مدتی، راهی تهران شد و در مدرسه «شیخ عبدالحسین تهرانی» اقامت گزید و به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت. و خود از مجلس درس حکمت آقا علی حکیم زنوزی (متوفای ۱۳۰۷ ه . ق.) و آقامیرزا ابوالحسن جلوه (متوفای ۱۳۱۴ه . ق.) بهره گرفت.

وی در درس ریاضیات آقامیرزا حسین سبزواری نیز حاضر می شد سال ورود او به تهران مشخص نیست، اما استادش آقا محمدرضا قمشه ای مدت ها قبل از او به تهران آمد و در مدرسه صدر به تدریس اشتغال داشت. بنابر نظر برخی، آقا محمدرضا قمشه ای بعد از سال ۱۲۹۴ ه . ق. به تهران آمد.

حکیم یزدی بعد از مدتی، به شهر مقدس قم مهاجرت کرد و تا آخر

۱- ۱. تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۲۹۹.

عمر شریفش در آن جا مشغول تحقیق و تدریس شد. بنابر نظر برخی، آقامیرزا علی اکبر در پی سختی معیشت در تهران و بی مهری برخی اشخاص نسبت به وی، چندی قبل از جنبش مشروطه، همسری از اهالی شهر قم اختیار کرد و تا پایان عمر در قم ماندگار شد.(۱)

جامعیت حکیم یزدی

زندگی نامه

جامعیت حکیم یزدی

آقامیرزا علی اکبر بسیاری از علوم اسلامی، را نزد استادان فرهیخته زمان خود فراگرفت و تألیفاتی درباره آنها از خود به یادگار گذاشت.

«شرح و ترجمه کتاب «الدّره الفاخره» با این که به قلم عمادالدوله است، ولی به واقع و مسلماً [او] شرح و بیانات استاد خود - فیلسوف متأخر حوزه علمیه قم - مرحوم آقای میرزا علی اکبر یزدی معروف به ـ حکیم یزدی ـ را تقریر کرده است. وی از بزرگ ترین اساتید فلسفه اسلامی در قرن اخیر حوزه علمیه قم و از مبرزترین مدرّسین در فلسفه صدرالمتألهین در قرن اخیر بوده است. شرح و ترجمه «المشاعر» ملاصدرا که باز به تحریر عمادالدوله است ولی در واقع و حقاً، بیانات و تقریر دروس آقامیرزا علی اکبر حکیم یزدی می باشد و از آن تضلّع و تبحر استاد در مشرب فلسفی ملاصدرا به خوبی استنباط و درک می شود و همچنین از مطالعه شرح ـ الدّره الفاخره ـ جامعیت استاد در شعب علوم عقلی، یعنی کلام و فلسفه و تصوّف روشن و آشکار می شود.»(۲)

ص: ۱۳۱

۱- ۱. دکتر محقق داماد، سید مصطفی، نخبگان علم و عمل ایران، ص ۱۲۳.
۲- ۲. الدّره الفاخره فی تحقیق مذاهب الصوفیه و المتکلمین و الحکماء المتقدمین، نورالدین ملا عبدالرحمن جامی به انضمام حواشی مؤلف و شرح عبدالغفور لاری، و حکمت عمادیه (شرح عماد الدوله بدیع الملک بر همین کتاب)، به کوشش نیکولاهیر و علی موسوی بهبهانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی ـ دانشگاه مک گیل کانادا (شعبه تهران) ص ۶۵، ۶۷ و نخبگان علم و عمل ایران، ص ۱۳۰.

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. آقا محمدرضا قمشه ای (متوفای ۱۳۰۶ ه . ق.) در اصفهان؛

۲. آقا علی حکیم مدرس زنوزی (متوفای ۱۳۰۷ ه . ق.) در تهران؛

۳. آقامیرزا ابوالحسن جلوه (متوفای ۱۳۱۴ ه . ق.) در تهران؛

۴. آقامیرزا حسین سبزواری، در تهران؛

۵. میرزا جهانگیرخان قشقایی (متوفای ۱۳۲۸ ه . ق.) در اصفهان؛

۶. میرزای آشتیانی که شاگرد شیخ انصاری بود در کتاب «الذریعه»(۱)، از شاگردان ابوالقاسم کلانتری و آقا سید صادق طباطبایی دانسته شده است.(۲)

شاگردان

شاگردان او عبارتند از:

۱. امام خمینی قدس سره.

۲. آقامیرزا محمدعلی شاه آبادی؛

۳. سید ابوالحسن رفیعی قزوینی؛

۴. آقامیرزا محمدتقی اشراقی (ارباب)؛

۵. آقامیرزا ابوالحسن شعرانی؛

۱- ۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۳۹.

۲- ۲. نخبگان علم و عمل ایران، ص .

۶. آقاسید احمد خوانساری؛

۷. آقاسید محمدتقی خوانساری؛

۸. آقاسید محمدعلی اراکی شاه زندی؛

۹. آقامیر سید علی برقعی؛

۱۰. حاج میرزا خلیل کمره ای؛

۱۱. حاج میر سید علی یثربی کاشانی؛

۱۲. آقاسید علی اکبر برقعی؛

۱۳. آقای فرید گلپایگانی؛

۱۴. آقای شیخ ابوالقاسم کبیر قمی؛

۱۵. بدیع الملک میرزا عمادالدوله؛

۱۶. آقامیرزا علی ناسوتی حکمی یزدی. وی پس از درگذشت حکیم یزدی، به تدریس متون فلسفی در حوزه علمیه قم پرداخت. اودر تدریس کتاب «هدایه» که ملاصدرا آن را شرح کرد، تبحر بسیار داشت.(۱)

آثار

آثار او عبارتند از:

۱. «رساله ای در ملل و نحل»؛

۲. «رساله ای در حکمت متعالیه»؛

۳. «رساله بدیعه الهیئه فی بیان مفهوم الماهیه والوجود»: در واقع این رساله، اسم و عنوانی نداشت، لذا ناشران اسم یکی از فصل های قبل از دو رساله جوابیه حکیم یزدی به سؤالات فلسفی بدیع الملک میرزا را

۱- ۱. نخبگان علم و عمل ایران، ص ۱۴۲.

بر آن نام گـذاری کردنـد. و این رساله در واقع پاسـخی است که حکیم یزدی به هفت سؤال فلسـفی بدیع الملک میرزا، تألیف کرده و می توان آن را جوابیه دوّم میرزا حکیم یزدی به آن سؤالها دانست.

این جوابیه، همراه «رسائل حکمیه» آقامیرزا علی اکبر، به چاپ رسیده است.

۴. «رساله معرفه النفس و معرفه الرّب»؛که در «رساله حکمیه»آمده است.

۵. «رساله ای در فن مساحت»، که در پایان «رساله حکمیه» آمده است.

۶. ترجمه و شـرح «الـدرّه الفاخره» ملاعبـدالرحمان جامی، بدیع الملک عماد الدوله این کتاب را در سال ۱۳۰۷ ه . ق. زیر نظر آقامیرزا علی اکبر مدرس یزدی ترجمه و شرح کرد و آن را «حکمت عمادیه» نام نهاد.

۷. ترجمه و شرح رساله «المشاعره ملاصدرا، که کار مشترک حکیم یزدی و بدیع الملک است.

۸. ترجمه و شرح «رساله وجود» ملاعبدالرحمان جامی، که در پایان «رسائل حکمیه» آمده است.

۹. حواشی برکتاب «اسفار»؛

۱۰. حواشی بر «فصوص الحکم» قیصری؛

وی کتاب های دیگری نیز نوشته که هنوز چاپ نشده اند. حکیم یزدی شاعر نیز بوده است.(۱)

وفات

وی در سال ۱۳۴۴ ه . ق.(۲) در شهر مقدس قم دیده از جهان فروبست

---

۱ - ۱. سـید مصـطفی، محقق دامـاد، نخبگـان علم و عمـل ایران، مرکز نشـر علوم اسـلامی، چاپ اول، ص ۱۲۳، ۱۲۴ و مقدمه «رسائل حکمیه»، میرزا علی اکبر یزدی قمی.

۲- ۲. در کتاب «تاریخ قم»، ص۲۷۷، تاریخ وفات وی ۱۳۵۴ه ق. ذکر شده است.

و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا محمود قمی، متخلص به رضوان (۱۲۷۰ _ ۱۳۴۶ه . ق.)

زندگی نامه

میرزا محمود قمی، متخلص به رضوان (۱۲۷۰ _ ۱۳۴۶ه . ق.)

زندگی نامه

درباره وی اطلاع دقیق و کامل دردست نیست. احتمالاً اسمش ملاعباس بوده و بعد به محمود تغییر نام داده است. محل تولد او روستای «کهک» قم است و در سال ۱۲۷۰ ه . ق. متولد شد.

این حکیم وارسته پس از اتمام و تکمیل دوره مقدمات و علوم ادبی در قم، عازم تهران شد و در مدرسه مروی ساکن شد و نزد آقا محمدرضا الهی قمشه ای و آقا میرزا ابوالحسن جلوه مشغول تحصیل حکمت صدرایی و مشائی گردید. وی سال ها در مدرسه مروی تحصیل نموده و پس از مدتی، به تدریس علوم عقلی (فلسفه و حکمت و عرفان) پرداخت. سپس به مدرسه صدر رفت و به تدریس و تربیت شاگردان همت گمارد.(۲)

سید جلال الدین آشتیانی درباره او می نویسد:

«آقامیرزا محمود یکی از شاگردان معروف آقا محمدرضا بود که به هوش و کثرت ذکا وحدّت فهم شهرت داشت و از مدّرسان معروف علوم عقلی بود و برخی او را در استعداد ذاتی، بر آقامیرزا هاشم مقدم می داشتند. آقامیرزا محمود طبع روان داشت و در مدح ائمه اشعاری

۱- ۱. همان.

۲- ۲. تاریخ قم، ص ۲۸۳.

عرفانی دارد.»(۱)

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. حکیم محمدرضا الهی قمشه ای؛

۲. حکیم میرزا ابوالحسن جلوه(۲).

شاگردان

شاگردان او عبارتند از:

۱. حاج میرزا ابوالحسن شعرانی؛

۲. میرزا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی؛

۳. میرزا سیدحسین طباطبایی قمی؛

۴. آخوند ملاعلی همدانی؛

۵. میرزا سید محمد مشکوه الشریعه بیرجندی؛

۶. حاج شیخ محمدعلی لواسانی تهرانی؛

۷. حاج شیخ محمدعلی جولستانی.(۳)

آثار

آثار او عبارتند است از:

۱. «شرح بر منظومه» حاج ملاهادی سبزواری؛

۲. «شرح بر اسفار اربعه»؛

۱ – ۱. مقـدمه «تمهیدالقواعـد»، ابن ترکه، تصـحیح و مقـدمه: سـید جلال الـدین آشتیانی، با حواشـی آقا محمدرضا قمشه ای و آقامیرزا محمود قمی، ص ۸ .

۲– ۲. همان، ص ۸.

۳– ۳. تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۳۰۵ _ ۳۰۶.

۳. «حواشی بر شرح فصوص الحکم»؛

۴. «رساله ای مفصّل در «ولایت کلیه»؛

۵. تعلیقه و حاشیه بر «تمهید القواعد» علی بن محمد التُرکه(۱).

نسخه ای خطّی به خطّ مرحوم آقامیرزا محمود قمی از کتاب «تمهید القواعد» که بر آن حواشی نوشته است. این کتاب را از روی نسخه استاد خود آقا محمدرضا الهی قمشه ای استنساخ نموده و حواشی آقا محمدرضا را هم در نسخه خود آورده است. میرزا محمود قمی بر برخی از موارد و مواضع مشکل کتاب تعلیقه نوشته است. گفتنی است که اصل نسخه جزو کتب خطی کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران است».(۲)

وفات

میرزا محمود قمی در سال ۱۳۴۶ ه . ق. (۱۳۰۴ ه . ش) دارفانی را وداع گفت، و در صحن نو حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.(۳)

شیخ مهدی حکمی قمی (۱۲۸۱ _ ۱۳۶۰ ه . ق.)

زندگی نامه

شیخ مهدی حکمی قمی (۱۲۸۱ _ ۱۳۶۰ ه . ق.)

زندگی نامه

شیخ مهدی بن ملاعلی اکبر قمی، معروف به پایین شهری، در سال ۱۲۸۱ ه . ق. در شهر مقدس قم متولد شد و در خانواده ای متدین و عالم پرور رشد و نمو کرد. دروس مقدماتی و سطح را فرا گرفت و برای

۱- ۱. همان، ص ۳۰۵ و ۳۰۶ و تمهیدالقواعد، ص ۹.

۲- ۲. مقدمه «تمهید القواعد»، ص ۸، ۹.

۳- ۳. تاریخ قم، ص ، و مقدمه تمهید القواعد، ص ۱۱.

فراگیری علوم عقلی و فلسفی به تهران مهاجرت کرد و از محضر درس میرزا ابوالحسن جلوه استفاده فراوان نمود. وی در سال ۱۳۱۰ ه . ق. به سامرا رفت و در درس میرزا محمدحسن شیرازی و سید محمد فشارکی اصفهانی شرکت کرد.

وی بعد از مدتی، به نجف رفت و در درس میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی حاضر شد. وی کمک های فراوانی به حاج میرزا حسین نوری در تألیفات او نمود. شیخ مهدی پس از رسیدن به درجه اجتهاد و تبحر در علوم فراوان به ویژه فلسفه، در سال ۱۳۲۲ ه . ق. به قم بازگشت. او عالمی با ورع، زاهد و باتقوا و در تهذیب نفس، کوشا بود. او به علت مطالعه و تدریس در فلسفه و علوم عقلی، به «حکمی» معروف شده است. آیه الله حائری پس از هجرت از اراک به قم، در منزل ایشان سکونت گزید.(۱)

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. میرزا ابوالحسن جلوه، در علوم عقلی و فلسفه؛

۲. میرزا محمد حسن شیرازی، در فقه و اصول؛

۳. سید محمد فشارکی اصفهانی؛

۴. میرزا حسین خلیلی تهرانی؛

۵. آخوند ملامحمد کاظم خراسانی؛(۲)

۱- ۱. آثار الحجه، ج ۱، ص ۱۱۷؛ رجال قم، ص ۱۶۴، المسلسلات، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲- ۲. همان.

آثار

آثار او عبارتند از:

۱. «حاشیه بر کفایه الاصول»؛

۲. «حاشیه بر مطارح الانظار»؛(۱)

استاد صدوقی سها در باره او می نویسد:

«الشیخ مهدی بن علی اکبر القمی الشهیر بپائین شهری وفی العلوم العقلیه و الفلسفه الالهیه کان أکثر تتلمذه علی المیرزا ابی الحسن المعروف بجلوه فی طهران...کان متبحراً فی الفلسفه إلالهیه والعلوم العقلیه و من هنا کان یعرف بالحکمی او الحکم»(۲)

وفات

وفات

شیخ مهدی حکمی در سال ۱۳۶۰ه . ق. در محلات دارفانی را وداع گفت و در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن گردید.(۳)

سید حسین بن سید محمود طباطبایی قمی (۱۲۸۲ – ۱۳۶۶ ه . ق)

زندگی نامه

سید حسین بن سید محمود طباطبایی قمی (۱۲۸۲ – ۱۳۶۶ ه . ق)

زندگی نامه

وی در سال ۱۲۸۲ه . ق. در قم متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در شهر مقدس قم گذراند. او در سال ۱۳۰۳ ه . ق. به حج مشرّف شد و در بازگشت از حج، به سامرا رفت و در درس مرحوم میرزا محمدحسن

۱– ۱. همان.

۲– ۲. «تاریخ حکما و عرفای متأخر»، ص ۴۸۳.

۳– ۳. سید شهاب الدین مرعشی نجفی، «المسلسلات»، ج ۲، ص ۳۴۳؛ و «آثارالحجه»، ج ۱، ص ۱۱۷.

شیرازی شرکت نمود. وی در سال ۱۳۰۶ ه . ق. به تهران آمد و فلسفه و ریاضی را نزد فیلسوف معروف میرزا ابوالحسن جلوه و شیخ علی مدرس نوری و میرزا حسین کرمانشاهی و میرزا هاشم و میرزا علی اکبر یزدی و میرزا محمود قمی و فقه و اصول را از محضر حاج میرزا حسن آشتیانی، و حاج شیخ فضل الله نوری و دیگران فراگرفت. ایشان برای بار دوم، در سال ۱۳۱۱ ه . ق. به نجف اشرف برگشت و در درس میرزا حبیب الله رشتی، ملاعلی نهاوندی، آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی شرکت نمود. و در سال ۱۳۲۱ ه . ق. به سامرا رفت و در درس مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی حضور یافت.(۱)

استادان

استادان

۱. مرحوم محمد حسن شیرازی؛

۲. میرزا ابوالحسن جلوه و شیخ علی مدرس نوری و میرزا حسن کرمانشاهی و میرزاهاشم و میرزاعلی اکبر یزدی و میرزا محمود قمی، (ریاضی و فلسفه)؛

۳. حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ فضل الله نوری، (فقه و اصول)؛

۴. میرزا حبیب الله دشتی و ملاعلی نهاوندی، آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی و مرحوم میرزا تقی شیرازی در فقه و اصول.(۲)

سید حسین طباطبایی قمی در سال ۱۳۳۱ ه . ق. به مشهد مقدس

۱- ۱. «تاریخ قم و زندگانی حضرت معصومه علیها السلام»، ص ۲۶۲ _ ۲۶۳؛ «نقباءالبشر»، ج ۲، ص ۶۵۳.

۲- ۲. همان.

مشرف گشت. او سال ها سمت مرجعیت تقلید و زعامت حوزه علمیه خراسان را برعهده داشت. آیه الله طباطبایی در سال ۱۳۵۴ ه . ق. به سبب اعتراض به کشف حجاب و مبارزه با دولت، به عتبات عالیات تبعید گردید و در کربلا اقامت کرد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت.

سید حسین طباطبایی در سال ۱۳۶۵ ه . ق. که آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی دارفانی را وداع گفت، مرجعیت عالی یافت.

او در سال ۱۳۶۶ ه . ق. در بیمارستان بغداد ندای حق را لبیک گفت و در نجف مدفون شد.(۱)

آقامیرزا محمدعلی شاه آبادی (۱۲۹۲ _ ۱۳۶۹ه . ق.)

زندگی نامه

آقامیرزا محمدعلی شاه آبادی (۱۲۹۲ _ ۱۳۶۹ه . ق.)

زندگی نامه

آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی، فرزند محمد جواد اصفهانی، در سال ۱۲۹۲ ه . ق. در اصفهان تولد یافت. او ابتدا علوم اسلامی را نزد پدرش که شاگرد صاحب جواهر بود، فراگرفت. سپس در درس برادربزرگ خود، آقاشیخ احمد مجتهد، معروف به حسین آبادی اصفهانی، حاضر شد. وی بعد از آن، در درس مرحوم میرزا محمد هاشم چهارسوقی _ نویسنده کتاب: «مبانی الاصول» _ شرکت کرد.

وی پس از آن به تهران رفت و در درس های فقه و اصول میرزاحسن آشتیانی - نویسنده کتاب: «بحرالفوائد» - حضور یافت، و بعد از آن در درس میرزاهاشم گیلانی و میرزا ابوالحسن جلوه در فلسفه و عرفان بهره ها گرفت. سپس به نجف اشرف رفت و در درس

۱- ۱. همان.

آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزاحسین خلیلی و دیگران شرکت کرد. وی پس از آن به سامرا رفت و از خرمن درس میرزا محمدتقی شیرازی خوشه ها چید. آن گاه به ایران بازگشت و در محله شاه آباد تهران (جمهوری فعلی) رحل اقامت گزید و از همین روی به شاه آبادی معروف شد. ایشان در مسجد سراج الملک، مسجدی که پدرش در آن اقامه جماعت می کرد، به اقامه نماز و بیان معارف اسلام پرداخت.

شاه آبادی در سال ۱۳۴۷ ه . ق. به شهر مقدس قم آمد و مشغول تربیت طلاب علوم دینی شد وی مدت ۷ سال در قم بود و در همین مدت امام خمینی قدس سره، از انفاس قدسیّه اش بهره مند شد. او سال ۱۳۵۴ ه . ق. راهی تهران شد و در آن جا به تدریس، تألیف، تحقیق و انجام وظائف دینی و تبلیغی مشغول شد.

وی در سال ۱۳۶۹ ه . ق. دارفانی را وداع گفت و در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی، در زاویه مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، در شهر ری به خاک سپرده شد.(۱)

شخصیتِ علمی و عرفانی

شخصیتِ علمی و عرفانی

آیه الله شاه آبادی، عالمی وارسته، عارفی کامل، فیلسوفی اندیشمند و مجاهدی نستوه بود که امام خمینی قدس سره، به مناسبت شهادت فرزند او، چنین فرمود: «...این شهید عزیز [شیخ مهدی شاه آبادی[

ص: ۱۴۲

۱- ۱. رضا مختاری، «سیمای فرزانگان»، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ چهارم، ص ۸۳؛ آثارالحجه، ج ۱، ص ۲۱۷.

فرزند برومند شیخ بزرگوار ما بود که حقّاً، حق حیات روحانی به این جانب داشت که با دست و زبان از عهده شکرش برنمی آیم».(۱)

امام خمینی قدس سره، هنگامی که از استاد خودش مرحوم شاه آبادی نام می برد، معمولاً از تعبیر «عارف کامل روحی فداه» استفاده می کرد؛ از جمله در کتاب «معراج السالکین و صلوه العارفین» می نویسد:

«شیخ عارف کامل، شاه آبادی (روحی فدا) می فرمود:

بایـد انسان در وقت ذکر مثل کسـی باشـد که کلام دهن طفل می گذارد و تلقین او می کند برای این که او را به زبان بیاورد، همین طور انسان باید ذکر را تلقین قلب کند و مادامی که انسان بازبان ذکر می گوید و مشغول تعلیم قلب است ظاهر به باطن مددمی کند. همین که زبان طفلِ قلب باز شد از باطن به ظاهر مدد می رسد چنانچه تلقین طفل نیز چنین است. مادامی که انسان، کلام دهن او می گذارد و او را مددمی کند همین که او آن کلام را به زبان اجرا کرد نشاطی در انسان تولید می شود که خستگی سابق را برطرف می کند. پس در اوّل از معلم به او مددمی شود و در آخر از او به معلّم کمک و مددمی شود. و اگر انسان مدتی مواظبت کند در نماز و اذکار و ادعیه به این ترتیب، البته نفس عادی می شود و اعمال عبادی هم مثل اعمال عادیه می شود که در حضور قلب در آنها محتاج به رویّه [نیست] بلکه مثل امور طبیعیه عادیه می شود».(۲)

۱- ۱. همان، ص ۸۵.

۲- ۲. سیمای فرزانگان، ص ۸۵. و معراج السالکین و صلوه العارفین (ضمیمه یادنامه استاد مطهری، کتاب اول) ص ۴۹.

استاد شهید مرتضی مطهری، در باره مرحوم شاه آبادی می فرماید: «آقای آقامیرزا محمدعلی شاه آبادی تهرانی، اصفهانی الاصل، جامع المعقول والمنقول بود. در فلسفه و عرفان شاگرد میرزای جلوه و میرزای اشکوری بوده است. در منقول شاگرد حاج میرزاحسن آشتیانی در تهران و آخوند خراسانی و میرزا محمدتقی شیرازی در نجف و سامره بوده است. در تهران به مقام مرجعیت و فتوا رسید. در سالهای اقامت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم، سالها به قم مهاجرت کرد و فضلا از محضرش کمال بهره را می بردند. در عرفان امتیاز بی رقیبی داشت. استاد امام خمینی در عرفان بوده است.»(۱)

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. پدرش شیخ محمد جواد اصفهانی؛

۲. برادرش آقاشیخ احمد مجتهد، معروف به حسین آبادی؛

۳. میرزا محمد چهار سوقی؛

۴. میرزاحسن آشتیانی؛

۵. میرزا هاشم گیلانی؛

۶. میرزا ابوالحسن جلوه؛

۷. آخوند خراسانی؛

۸. شیخ الشریعه اصفهانی؛

۹. میرزاحسین خلیلی؛

۱- ۱. مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۵۳۶.

۱۰. محمد تقی شیرازی؛(۱)

شاگردان

شاگردان او عبارتند از:

۱. امام خمینی؛

۲. شیخ جعفر زاهدی؛

۳. شیخ علی دبیری زرندی ساوی؛

۴. سید حسین ابوترابی گیلانی؛

۵. دکتر محمد صادقی تهرانی؛

۶. حاج شیخ علی محمدبن محمد جولستانی تویسرکانی تهرانی؛

۷. محمدتقی دانش پژوه آملی؛

۸. سید معین الدین بن محمدبن علی اکبر فال اسیری شیرازی؛

۹. آقای میرزا عبدالکریم روشن؛

۱۰. مرحوم شیخ حسن قهرمانی.

وفات

شاه آبادی در سال ۱۳۶۹ ه . ق. در تهران، ندای حق را لبیک گفت و در شهر ری، در زاویه مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی، در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد.(۲)

میرزا مهدی آشتیانی (۱۳۰۶ – ۱۳۷۲ ه . ق)

زندگی نامه

میرزا مهدی آشتیانی (۱۳۰۶ – ۱۳۷۲ ه . ق)

۱- ۱. آثار الحجه، ج ۱، ص ۲۱۷؛ و سیمای فرزانگان، ص ۸۴؛ و نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۷۰.
۲- ۲. آثار الحجه، ج ۱، ص ۲۱۷.

زندگی نامه

میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۳۰۶ه ق. در تهران متولد شد و تحصیلات ابتدایی و سطح حوزه را نزد پدرش، آقامیرزا جعفر ـ مشهور به آقامیرزا کوچک ـ فراگرفت.

وی سال ها در درس آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملاعبدالرسول، آقا سید عبدالکریم، میر نجم الدوله (غفارخان)، شیخ عبدالحسین سیبویه، و میرزا جهانبخش منجم، میرزا ابوالحسن جلوه، میرزاحسن کرمانشاهی و میرزا هاشم گیلانی شرکت کرد. وی در طب قدیم و طب زمان خودش، آگاهی کامل داشت.

میرزامهدی آشتیانی در سال ۱۳۲۷ ه . ق. به عتبات عالیات مشرف شد و مدتی در درس مرحوم آخوند خراسانی شرکت کرد و به علت مریضی به ایران بازگشت. وی بعد از معالجه، در سال ۱۳۲۹ ه . ق. به عتبات عالیات برگشت و در درس آیه الله یزدی طباطبایی شرکت و از ایشان اجازه اجتهاد گرفت و به ایران آمد. وی بعد از مدتی، برای مرتبه سوم، به عتبات عالیات عازم شد و در درس فیروز آبادی، آیه الله نائینی، آیه الله آقاضیاء عراقی و آیه الله اصفهانی شرکت کرد و از آنان اجازه اجتهاد دریافت کرد. او یک سال در نجف به تدریس علوم عقلی و نقلی پرداخت.

وی سپس به تهران برگشت. او برای معالجه و تحقیق به ویژه در باره کتاب «قانون» ابن سینا، مسافرت هایی به بخارا، مصر، و فرانسه، ایتالیا، هند و بلژیک نمود.(۱)

شهید بزرگوار استاد علّامه مرتضی مطهری می فرماید:

۱- ۱. آثار الحجه، ج ۱، ص ۲۳۰.

«آقامیرزامهدی آشتیانی، از اساتید مسلّم و متبحّر قرن ما بود. پدرش میرزا جعفر ملقب به میرزا کوچک از شاگردان آقا محمدرضا حکیم قمشه ای بود و مادرش دختر حاج میرزاحسن آشتیانی مجتهد معروف تهران بود.

مرحوم آقامیرزا مهدی از تلامیذ میرزاحسن کرمانشاهی و میرزا هاشم اشکوری بوده است. سالها در تهران مدرّس فلسفه و عرفان بود و عنوان مدرّس رسمی مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری فعلی) قدیم را که برحسب وقف نامه باید ماهر در عقلیات و ناظر در شرعیات باشد _ داشت. در حدود سالهای ۱۳۶۵ _ ۱۳۶۶ ه . ق. به استدعای فضلا و طلّاب حوزه علمیه قم چندی به قم مهاجرت کرد و به تدریس و افاضه پرداخت».(۱)

میرزامهدی آشتیانی یک سال در قم حضور داشت و به تدریس «اسفار اربعه» مشغول بود.(۲)

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. پدرش آقامیرزا جعفر آشتیانی؛

۲. آقاشیخ مسیح طالقانی؛

۳. آخوند ملاعبدالرسول؛

۴. آقاسید عبدالکریم؛

۵. نجم الدوله (میرزاغفارخان)؛

۱- ۱. مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۵۳۹.

۲- ۲. رازی محمد، آثارالحجه، ج ۱، ص ۲۳۰.

۶. میرزا جهان بخش منجّم؛

۷. آقاشیخ محمد حسین ریاضی؛

۸. میرزا ابوالحسن جلوه، در حکمت و فلسفه؛

۹. آقامیرزاحسن کرمانشاهی؛

۱۰. آقا میرزا هاشم گیلانی؛

۱۱. آخوند خراسانی؛

۱۲. آیه الله یزدی طباطبایی؛

۱۳. آیه الله فیروز آبادی؛

۱۴. آیه الله نائینی؛

۱۵. آیه الله آقاضیاء عراقی؛

۱۶. آیه الله اصفهانی؛(۱)

شاگردان

شاگردان او عبارتند از:

۱. شیخ ابراهیم صاحب زمانی؛

۲. میرزا ابوالحسن خان فروغی؛

۳. میرزا ابوطالب تجلیل تبریزی؛

۴. میرزا سید ابوطالب موسوی زنجانی؛

۵. سید ابوالفضل کمالی سبزواری؛

۶. دکتر ابوالقاسم گرجی؛

۷. دکتر احمد عماد اصفهانی؛

۸. میرزا احمدبن محسن خوشنویس (عمادالفقراء اردبیلی)؛

ص: ۱۴۸

۱- ۱. همان، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

۹. دکتر احمد مهدوی دامغانی؛

۱۰. سید اسماعیل شفیعی؛

۱۱. حاج اعتماد درشتی؛

۱۲. بدیع الزمان فروزانفر محمد حسن بشروی؛

۱۳. شیخ جعفر خندق آبادی کاشانی؛

۱۴. شیخ جعفر زاهدی؛

۱۵. دکتر سید جعفر شهیدی؛

۱۶. سید جلال الدین آشتیانی؛

۱۷. سید جلال درّی؛

۱۸. حاج سید جواد مدنی کرمانی؛

۱۹. آقای جواد مصلح شیرازی؛

۲۰. آقاحسن خندق آبادی؛

۲۱. سید حسین ابوترابی گیلانی؛

۲۲. میرزاحسین نوری همدانی؛

۲۳. شیخ حسین و صید خراسانی؛

۲۴. حاج شیخ علی محمدبن محمد جولستانی تویسرکانی؛(۱)

آثار

آثار او عبارتند از:

۱. «اساس التوحید»؛

۲. «ترجمه اسفار»؛

۱- ۱. تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۳۸۰.

۳. «ترجمه اشارات»؛

۴. «تعلیقات اسفار»؛

۵. «تعلیقات اشارات»؛

۶. «تعلیقات شفاء»؛

۷. «تعلیقات غررالفرائد» (شرح منظومه)

۸. «تعلیقات فصوص الحکم» محمی الدین»؛

۹. «تعلیقات لآلی منتطحه» (شرح منظومه منطق)؛

۱۰، «رساله در اثبات معاد جسمانی»؛

۱۱. «تعلیقات مصباح الانس قاضی فناری»؛

۱۲. «رساله در جبر و تفویض»؛

۱۳. «رساله در حقیقت کتاب و میزان به مذاق عرفا»؛

۱۴. «رساله در شق القمر»؛

۱۵. «رساله در معاد جسمانی»؛

۱۶. «رساله در وحدت وجود»؛

۱۷. «شرح تحفه الحکیم کمپانی»؛

۱۸. «شرح حدیث عمران صابی»؛

۱۹. «شرح مشکلات دیوان حافظ»(۱)

وفات

میرزامهدی آشتیانی در سال ۱۳۷۲ ه . ق. (۱۳۳۲ ه . ش) ندای حق را لبیک گفت و در قم دفن شد.(۲)

۱- ۱. تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۳۸۱؛ ریحانه الادب، ج ۵ و ۶، ص ۲۷۲.
۲- ۲. همان، ص ۳۹۴. و ریحانه الأدب، ج ۵ و ۶، ص ۲۷۲ و ۲۷۳. و آثار الحجه، ج ۱، ص ۲۳۰.

حاج سید محمد فاطمی قمی (۱۲۹۴ -)

زندگی نامه

حاج سید محمد فاطمی قمی (۱۲۹۴ -)

زندگی نامه

حاج سید محمد فاطمی حدود سال ۱۲۹۴ ه . ق. در قم متولد شد. وی در ۶ سالگی به مکتب رفت و مقدمات را تا شرح لمعه، در شهر مقدس قم گذراند. پدرش در سال ۱۳۰۲ ه . ق. درگذشت. وی در سال ۱۳۰۹ ه . ق. به همراه صدرالعلمای قمی به تهران مسافرت کرد و در سال ۱۳۱۱ ه . ق. مجدداً برای تکمیل تحصیلات به تهران رفت و در مدرسه منیریه اقامت گزید. وی در سال ۱۳۱۶ ه . ق. به امر میرزای آشتیانی، به مدرسه مروی منتقل شد. او فقه و اصول را نزد میرزا محمدتقی قمی (برادربزرگش) حاج میرزاحسن آشتیانی، سید عبدالکریم مدرس، شیخ محمد صادق و شیخ حسن ناظر، و کلام و حکمت را نزد آقای شیخ علی نوری، میرزا هاشم اشکوری و میرزاحسن کرمانشاهی؛ و ریاضیات و هیأت قدیم را نزد میرزا ابراهیم زنجانی آموخت؛ و از سال ۱۳۱۹ ه . ق. به تدریس مشغول شد.

وی در ابتدای مشروطیت، به مشروطه خواهان پیوست و با عقیده و ایمان راسخ در راه پشیرفت آزادی و مشروطیت، سعی فراوان نمود و با وجود خطرات و دشواری ها از این راه روی برنگرداند.

سید محمد فاطمی در محاکم و مسایل حقوقی و قضائی و تدوین و تنظیم قانون مدنی ایران نقش فعّال داشت.(۱) وی در سال های ۱۳۰۲ _

ص: ۱۵۱

۱- ۱. از یادگارهای بسیار سودمند مرحوم فاطمی، تأسیس بیمارستان ۶۰ تختخوابی در شهر قم است.

۱۳۰۶ ه . ش. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی بود. وی در دانشکده معقول و منقول (الهیات، حقوق) نیز تدریس می کرد.(۱)

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. آقا میرزا ابراهیم بن ابوالفتح ریاضی زنجانی؛

۲. آقامیرزا هاشم اشکوری؛

۳. آقامیرزا محمدحسن کرمانشاهی؛

۴. میرزا محمدتقی قمی؛

۵. میرزاحسن آشتیانی؛

۶. سید عبدالکریم مدرّس؛

۷. شیخ محمد صادق؛

۸. شیخ حسن ناظر؛(۲)

شاگردان

شماری از شاگردان او عبارتند از:

۱. آقامیرزا ابوالحسن شعرانی؛

۲. حاج شیخ علی محمدبن محمد جولستانی تویسرکانی؛

۳. محمدتقی دانش پژوه آملی.(۳)

۱- ۱. بدیع الزمان فروزانفر، مجموعه مقالات و اشعار، ص ۲۳۸. (با مقدمه دکتر زرّین کوب)

۲- ۲. همان، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

۳- ۳. همان، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

آثار

از آثار او «تحفه الادیب» در نظم است و از اشعار اوست:

حاصل مدرسه جز حسرت و نادانی نیست جمع این قوم جز اسباب پریشانی نیست

هرچه جز عشق دوامی و ثباتی نکند خاک ره عشقیم که او فانی نیست

جای خدای رفت ایدوست که در کون و مکان هرچه دیدیم و شنیدیم ترا ثانی نیست

وصل جانان طلبی بایدت از جان گذری زانکه دیدار رخ دوست بآسانی نیست

زاهد از عشقم اگر منع کند معذورست حیوان را خبر از عالم انسانی نیست.(۱)

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (۱۳۱۰ _ ۱۳۹۵ ه . ق.)

زندگی نامه

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (۱۳۱۰ _ ۱۳۹۵ ه . ق.)

زندگی نامه

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، فرزند سید ابراهیم، در سال ۱۳۱۰ه . ق. در شهر قزوین تولد یافت. وی تحصیلات ابتدایی را در قزوین سپری کرد و دروس سطح حوزه را نزد استاد حاج ملاعلی طارمی، و آیه الله ملاعلی اکبر تاکستانی فراگرفت. او در سال ۱۳۳۳ ه . ق. به تهران رفت و در درس فقه و اصول آیه الله حاج شیخ عبدالنبی نوری، حاج میرزا مسیح طالقانی، آیه الله سید محمد تنکابنی و آیه الله شیخ محمدرضا نوری شرکت کرد.

آیه الله رفیعی فلسفه و حکمت را نزد میرزاحسن کرمانشاهی، حاج فاضل تهرانی شمیرانی و میرزا محمود قمی و ریاضیات را نزد میرزا ابراهیم زنجانی فراگرفت.

ص: ۱۵۳

۱- ۱. بدیع الزمان فروزانفر، مجموعه مقالات و اشعار، با مقدمه زرین کوب، ص ۲۳۸.

وی در سال ۱۳۳۸ ه . ق. به قزوین برگشت و یک سال در زادگاهش توقف کرد و مجدداً به تهران رفت و در مدرسه عبدالله خان به تدریس کتب فقهی، مثل «شرح لمعه» و اصولی مثل «قوانین الاصول» و فلسفی مثل «شرح منظومه» و «اشارات و تنبیهات» پرداخت.

در پی تشکیل حوزه علمیه قم در سال ۱۳۴۰ ه . ق. آیه الله رفیعی قزوینی به قم مهاجرت نمود و در درس حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی شرکت کرد. وی در حوزه علمیه قم به تدریس «رسائل»، «مکاسب»، «کفایه»، «اسفار» و «شرح منظومه» مشغول شد. بعد به زادگاه خویش برگشت و تا سال ۱۳۸۰ ه . ق. حدود ۳۰ سال، به تدریس متون فقهی و اصولی و فلسفی و خارج فقه و اصول و به اقامه نماز جماعت در مسجد سلطان قزوین، ارشاد و حل مشکلات مردم پرداخت.

ایشان از سال ۱۳۸۰ ه . ق. به تهران رفت و جنب «مسجد جامع»، در منزلی کوچک و محقر و بسیار قدیمی، به درس و نماز جماعت پرداخت.(۱)

استادان

استادان او عبارتند از:

۱. میرزاحسن کرمانشاهی؛

۲. ملامحمدبن معصوم علی هیدجی زنجانی؛

۳. میرزا ابراهیم زنجانی؛

۱- ۱. آیه الله رفیعی قزوینی سید ابوالحسن، مقدمه مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، ص ۳.

۴. حاج احمد سیاح؛

۵. آیه الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی؛

۶. حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی؛

۷. آقامیرزا هاشم اشکوری؛

۸. حاج ملاعلی طارمی؛

۹. ملاعلی اکبر تاکستانی؛

۱۰. حاج شیخ عبدالنبی نوری؛

۱۱. حاج میرزا مسیح طالقانی؛

۱۲. سید محمد تنکابنی؛

۱۳. شیخ محمدرضا نوری

۱۴. حاج فاضل تهرانی؛

۱۵. میرزا محمود قمی؛

۱۶. آیه الله حایری یزدی؛(۱)

شاگردان

شاگردان او عبارتند از:

۱. میرزا محمدبن میرزا ابوالفضل بن میرزا قاسم کلانتری تهرانی، مشهور به ثقفی؛

۲. سید جلال الدین آشتیانی؛

۳. آیه الله حسن حسن زاده آملی؛

۴. دکتر غلام حسین ابراهیمی دینانی؛

۱- ۱. همان، ص ۸.

۵. شیخ جعفر زاهدی؛

۶. سید رضی شیرازی؛

۷. شیخ محمدرضا ربانی تربتی؛

۸. محمد امین.

۹. دکتر غلام حسین رضانژاد.

۱۰. میرزا ابوالقاسم خرمشاهی.(۱)

آثار

آیه الله رفیعی قزوینی آثار زیادی تألیف نمود؛ از جمله:

۱. «شرح دعای سحر»؛

۲. «رساله معراج»؛

۳. «رساله رفعت»؛

۴. مقاله درباره «اسفار اربعه»؛

۵. مقاله در بیان قوّه و مولّده؛

۶. مقاله در مورد تخلیه و تجلیه و تحلیه؛

۷. مقاله در حرکت جوهریه؛

۸. مقاله در اتحاد عاقل و معقول؛

۹. «رساله وحدت وجود»؛

۱۰. «رساله در حقیقت عقل»؛

۱۱. «رساله در حدوث دهری»؛

۱۲. «رساله در اراده و مشیت»؛

۱- ۱. همان، ص ۸.

۱۳. حاشیه بر «اسفار»،

۱۴. حاشیه بر «حکمه الاشراق»؛

۱۵. حاشیه بر «شفاء»؛

۱۶. حاشیه بر «اشارات و تنبیهات»؛

۱۷. حاشیه بر «شرح اسماء» حاج ملاهادی سبزواری؛

۱۸. حاشیه بر «اسرارالحکم»؛

۱۹. حاشیه بر «مفتاح الغیب»؛

۲۰. حاشیه بر «قبسات».(۱)

وفات

آیه الله رفیعی قزوینی در سال ۱۳۹۵ ه . ق. در ۸۵ سالگی، در تهران ندای حق را لبیک گفت و در شـهر مقدس قم، در بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، کنار قبر آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حایری دفن شد.(۲)

علاّمه سید محمد حسین طباطبایی قدس سره، (۱۲۸۱ _ ۱۳۶۰ه . ق.)

زندگی نامه

علاّمه سید محمد حسین طباطبایی قدس سره، (۱۲۸۱ _ ۱۳۶۰ه . ق.)

زندگی نامه

علاّمه طباطبایی، در شرح حال خویش می نویسد:

نویسـنده، محمد حسین طباطبایی، به سال هزار و دویست و هشتاد ویک (۱۲۸۱ شمسی) در تبریز در میان یک خانواده عالم به وجود

۱- ۱. همان، ص ۶۱.

۲- ۲. سـید ابوالحسن رفیعی قزوینی، مقدمه مجموعه رسائل و مقالات فلسـفی، تصـحیح و مقدمه: غلامحسـین رضانژاد، ص ۳،

گنجینه دانشمندان، ج، ص ۴۶۶ _ ۴۶۷.

آمـده ام. در سـن پنـج سـالگی مـادر، و در سن نُه سـالگی پـدر را از دست دادم. و به مناسـبت این که کم و بیش مـایه معـاش داشتیم، سـرپرست مـا (وصـی پـدر) وضع زنـدگی ما (من و برادر کوچکتر از خودم را که داشـتم) به هم نَزد و تحت مراقبت و پرستاری یـک نفر خـادم و یـک نفر خـادمه قرار گرفـتیم. کمی پس از درگـذشت پـدر به مکتب و پس از چنـدی به مدرسـه فرسـتاده شـدیم. و بالاخره به دست معلّم خصوصـی که به خانه می آمـد، سپرده گشتیم و به این ترتیب تقریباً مدّت شـش سال مشغول فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی بودیم.

از آن روزهـا تحصـیلات ابتـدایی برنامه معینی نـداشت. همین قـدر به یاد دارم که در فاصـله میان (۱۲۹۰ _ ۱۲۹۶شمسی) که مشـغول بودم. قرآن کریم را که معمولا پیش از هرچیز دیگر خوانـده می شد، و کتاب گلسـتان و بوسـتان سـعدی، و نصاب، و اخلاق مصور انوار سهیلی، و تاریخ معجم و منشأت امیر نظام، و ارشادالحساب را خواندم.

سال ۱۲۹۷ شمسی وارد رشته های علوم دینیه و عربیه شدم و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بودم.

در ظرف همیـن هفت سـال در علم صـرف؛ کتـاب أمثله، صـرف میر، تصـریف، و در نحـو؛ کتـاب عوامـل، انمـوذج، صـمدیه، سیوطی، جـامی، و مغنی ؛ و در بیـان: کتـاب مطوّل؛ و در فقه: کتـاب شـرح لمعه، و مکاسب؛ و در اصول: کتاب معالِم، قوانین، رسائل، و کفایه؛ و در منطق: [کتاب منطق]کبری، و حاشـیه[ملاعبدالله]، و شـرح شمسیه؛ و در فلسفه: کتاب شرح اشارات؛ و در کلام: کتاب کشف المراد را خواندم. و به همین ترتیب دروس متن (در غیر فلسفه و عرفان) خاتمه یافت.

ص: ۱۵۸

سال ۱۳۰۴ شمسی برای تکمیل تحصیلات خودم عازم حوزه نجف گردیدم و به مجلس درس مرحوم آیه الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شده یک دوره خارج اصول، که تقریباً شش سال طول کشید، و چهار سال نیز خارج فقه _ معظم له _ را درک نمودم؛ و هم چنین هشت سال در خارج فقه مرحوم آیه الله نائینی و یک دوره خارج اصول _ معظم له _ حضور یافتم و کمی نیز به خارج فقه آیه الله آقای سیدابوالحسن اصفهانی رفتم. کلیات علم رجال را نیز پیش مرحوم آیه الله حجت کوه کمری رفتم.

در فلسفه نیز به درس حکیم و فیلسوف معروف وقت، مرحوم آقای سید حسین بادکوبی موفق شدم. در ظرف شش سال که پیش _ معظم له _ تلمّـذ می کردم، منظومه سبزواری، اسفار، و مشاعر ملاصدرا؛ و دوره شفای بوعلی؛ و کتاب آثولوجیا، و تمهید ابن ترکه؛ و اخلاقِ ابن مسکویه را خواندم.

مرحوم بادکوبی از فرط عنایتی که به تعلیم و تربیت نویسنده، داشت، برای این که مرا به طرز تفکر برهانی آشنا ساخته و به ذوق فلسفی تقویت بخشد، أمر فرمود که به تعلیم ریاضیات پردازم. در امتثال امر _ معظم له _ به درس مرحوم آقا سید ابوالقاسم خوانساری که ریاضی دان زبردستی بود. حاضر شدم و یک دوره حساب استدلالی و یک دوره هندسه مسطّحه و فضایی و جبر استدلالی از _ معظم له _ فرا گرفتم.

سال ۱۳۱۴ شمسی در اثر اختلال وضح معاش، ناگزیر به مراجعت شده، به زادگاه اصلی خود (تبریز) برگشتم و ده سال و خرده ای در آن سامان به سربردم که حقّاً باید این دوره را در زندگی خود دوره خسارت

روحی بشمارم، زیرا در اثر گرفتاری ضروری به معاشرت عمومی وسیله تأمین معاش _ که از مجرای فلاحت بود _ از تدریس و تفکّر علمی، جز مقداری بسیار ناچیز _ بازمانده بودم و پیوسته با یک شکنجه درونی به سر می بردم.

در سال ۱۳۲۵ (شمسی) از سر و سامان خود چشم پوشیده، زادگاه اصلی را ترک گفتم و متوجّه حوزه قم گردیده، بساط زندگی را در این شهر گستردم و دوباره اشتغالات علمی را از سر گرفتم و تاکنون که اوایل سال ۱۳۴۱ (شمسی) می باشد روزگار خود را در این سامان می گذرانم.

البته هرکسی حسب حال خود در زندگی خود، خوشی و تلخی و زشت و زیباهایی دیده و خاطره هایی دارد. من نیز به نوبه خود و خاصه از این نظر که بیش تر دوره زندگانی خود را با یتیمی یا غربت یا مفارقت دوستان یا انقطاع وسایل و تهیدستی و گرفتاریی های دیگر گذرانیده ام، ولی پیوسته حس می کردم که دست ناپیدایی مرا از هر پرتگاه خطرناک نجات می دهد و جاذبه مرموزی از میان هزارها مانع بیرون کشیده به سوی مقصد هدایت می کند.

من اگر خارم و گر گل چمن آرایی هست که از آن دست که می پروردم می رویم

در اوایل تحصیل که به «صرف و نحو» اشتغال داشتم علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این رو هرچه می خواندم نمی فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذرانیدم. پس از آن یکباره عنایت خدایی دامن گیرم شده، عوضم کرد و در خود یک نوع شیفتگی و بیتابی نسبت به تحصیل کمال، حس نمودم. به طوری که از همان روز تا پایان ایام

تحصیل که تقریباً هفده سال طول کشیده هرگز نسبت به تعلیم و تفکر، درک خستگی و دلسردی نکردم و بساط معاشرت غیر اهل علم را به کلی برچیدم. در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حد اقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می گذرانیدم. و همیشه درس فردا را، شب پیش مطالعه می کردم و اگر اشکالی پیش می آمد با هر خودکشی بود، حل می نمودم و وقتی که به درس حضور می یافتم از آنچه استاد می گفت قبلاً ـ روشن بودم و هرگز اشکال و اشتباه درس را پیش استاد نبردم.(۱)

استادان

استادان

۱. آیه الله شیخ محمدحسین اصفهانی؛

۲. آیه الله نائینی؛

۳. آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی؛

۴. آیه الله حجت کوه کمری؛

۵. آیه الله سید حسین بادکوبی، حکیم و فیلسوف؛

۶. سید ابوالقاسم خوانساری.(۲)

شاگردان

شاگردان

علامه طباطبایی شاگردان فراوانی تربیت کرد؛ از جمله:

۱. آیه الله حسن حسن زاده آملی؛

۲. آیه الله عبدالله جوادی آملی؛

۳. علامه سید جلال الدین آشتیانی؛

۱- ۱. مرزبان وحی و خرد - یادنامه مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی، ص ۳۹.

۲– ۲. همان، ص ۴۰ و ۴۴.

۴. شیخ عبدالحمید شربیانی؛

۵. سید عزالدین زنجانی؛

۶. دکتر غلام حسین ابراهیمی دینانی؛

۷. علامه شهید مرتضی مطهری؛

۸. شهید دکتر محمد مفتح؛

۹. سید محمدحسین لاله زاری (مشهور به علامه تهرانی)؛

۱۰. آیه الله محمد تقی مصباح یزدی؛

۱۱. شیخ یحیی انصاری دارابی.

آثار

آثار او عبارتند از:

۱. «تفسیر المیزان» ۲۰ جلد؛

۲. «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛

۳. «نهایه الحکمه»؛

۴. «بدایه الحکمه»؛

۵. «رساله در برهان»؛

۶. «رساله در مغالطه»؛

۷. «رساله در تحلیل»؛

۸. «رساله در ترکیب»؛

۹. «رساله در اعتباریات» (افکاری که ساخته خود انسان است)؛

۱۰. «رساله در نبوات و منامات»؛

۱۱. «رساله در اثبات ذات»؛

ص: ۱۶۲

۱۲. «رساله در اسماء و صفات»؛

۱۳. «رساله در افعال»؛

۱۴. «رساله در وسائط میان خدا و انسان»؛

۱۵. «رساله در انسان قبل الدنیا»؛

۱۶. «انسان فی الدنیا»؛

۱۷. «رساله در انسان بعدالدنیا»؛

۱۸. «رساله در ولایت»؛

۱۹. «رساله در نبوت» (در این رساله ها میان عقل و نقل تطبیق شده است)؛

۲۰. کتاب «سلسله انساب طباطبائیان آذربایجان»؛

۲۱. حاشیه «کفایه الاصول»؛

۲۲. حاشیه بر کتاب «اسفار» ملاصدرا که در ۹ جلد منتشر شده است؛

۲۳. «وحی یا شعور مرموز»؛

۲۴. «دورساله در ولایت و حکومت اسلامی» (فارسی و عربی)؛

۲۵. مصاحبه های سال ۱۳۳۹ و سال ۱۳۴۰ شمسی با _ معظم له _ (در یک جلد، تحت عنوان، رسالت تشیع در دنیای امروز، منتشر گردید)؛

۲۶. مصاحبه های سال ۱۳۳۸ با پرفسور کُربن مستشرق فرانسوی در یک جلد تحت عنوان، شیعه؛

۲۷. «رساله در اعجاز»؛

۲۸. «علی و الفلسفه الالهیّه» (به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است)

۲۹. «شیعه در اسلام»؛

۳۰. «قرآن در اسلام»؛

۳۱. مجموعه مقالات، «پرسشها و پاسخها»؛ بحث های متفرقه علمی، فلسفی و....؛

۳۲. «سنن النّبی».(۱)

وفات

وفات

علامه طباطبایی در روز یکشنبه هیجدهم محرم سال ۱۴۰۲ ه . ق. ندای حق را لبیک گفت.

امام خمینی قدس سره

مقـام معظم رهبری، آیه الله العظمی خامنه ای، که در آن هنگام رئیس جمهور بود، در پی درگـذشت علامه طباطبایی، این پیام تسلیت را برای امام خمینی قدس سره، فرستاد.

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مبارک رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی

ضـایعه ارتحـال عـالم ربانی و دانشـمند عظیم الشأن فیلسوف و مفسـر کبیر قرآن حضـرت آیه الله علاّمه طباطبایی را که یکی از مفاخر کم نظیر عالم اسـلام بودند، به پیشگاه ولی عصر _ ارواحنا فداه _ و حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و حوزه های علمیه مخصوصاً حـوزه مقـدّس قم و مراجع عظـام تقلیـد و شـاگردان این مرحوم و همه اندیشـمندان و عاشـقان علم و فضـیلت تسلیت عرض می کنم.

شـادروان علاّـمه طباطبایی عمری را در راه خـدمت به اسـلام و معارف اسـلامی و تحقیق و تتبع در این راه صـرف کردنـد. این چشمه جوشان و

۱- ۱. مرزبان وحی و خرد (یاد نامه مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی)، ص ۴۲ و ۴۴. بوستان کتاب، قم، چاپ اول.

فیاض دانش و عرفان و تقوای اسلامی در تعلیم و تربیت شاگردانی که هریک در عالم اسلام دانشمندی برجسته اند توفیقی کم مانند داشته است، فقدان این عارف جلیل القدر و فیلسوف و متفکر بزرگ جهان اسلام ضایعه ای جبران ناپذیر است و بی شک جهان اندیشه باید از این فقدان و مصیبت سوگوار و داغدار باشد، یکبار دیگر این مصیبت را به حضور امام امت. مدظله العالی تسلیت گفته شادی روح آن فقید سعید را از درگاه ایزد منان مسألت می نمایم.

سید علی خامنه ای.

امام خمینی قدس سره (۱۲۸۱ _ ۱۳۶۸ ش)

زندگی نامه و مختصری از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و علمی

زندگی نامه و مختصری از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و علمی

حاج سید روح الله مصطفوی، مشهور به امام خمینی: فقیه، مرجع تقلید، فیلسوف و عارف، نویسنده، مبارز و رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران.

تولّد: جد اعلای امام خمینی، به نام «سید دین علیشا» از علمای کشمیر و مقیم هندوستان و گویا اصالتاً نیشابوری بوده و به کشمیر هند مهاجرت کرده است، و فرزند او سید احمد هندی (جد امام خمینی) با دختر یوسف خان فراهانی ازدواج کرد، و حاصل آن سه دختر و یک پسر به نام مصطفی بود که به عنوان چهارمین فرزند در ۱۰ بهمن ۱۲۴۱ (ه . ش) متولد شد.

مصطفی در زمان درگذشت پدر هشت سال داشت. او نیز به تحصیل علوم دینی در ایران و عراق پرداخت و پس از نیل به درجه

اجتهـاد در سال (۱۲۷۳ ه . ش.) به خمین بـاز گشت. او که وارث املاـک فراوان پـدر بـود، از مالکـان و علمـای بـا نفوذ منطقه خمین گردید. آیه الله حاج سـید مصـطفی که در ۴۲ سالگی، به قصد دیدار عضدالسـلطان شاهزاده قاجار و حاکم سـلطان آباد (اراک) از خمین خـارج شـده بـود، در بین راه به دلایـل نـامعلومی توسـط دوتن از خوانین، بـا سـلاح گرم کُشـته شـد. (۱۳۷۹ شمسـی). از سـید مصطفی سه دختر و سه پسر برجای ماند. آخرین فرزند او روح الله بود که در شب پنجشنبه ۲۰ جمادی الثانی (۱۳۲۰ ه . ق.)، مهر ۱۲۸۱ شمسی، به دنیا آمد. او هنگام درگذشت پدر ۵ ماه داشت، از آن پس تحت سرپرستی مادر و دایه و نیز عمه اش که زنی شـجاع بود، قرار گرفت. شـهادت پـدر، تـأثیرات عمیقی بر روح، روح الله گـذاشت و خاطره آن در شـکل بخشیدن به شخصیت و روحیه وی بی تأثیر نبود.

امام خمینی ۴ ساله بود که جنبش مشـروطیت در ایران آغاز شـد. در آن سال ها چون در خمین مدرسه ای وجود نداشت او به مکتب خانه رفت و بعد در یک مدرسه طلبگی (حوزه علمیه) نزد شـیخ جعفر، پسر عموی مادرش، پس از آن نزد میرزا محمود و افتخـار العلمـاء که معلم سـرخانه بود و نیز گـاهی نزد مـادر افتخارالعلماء دروس ابتـدایی ادبیات فارسـی و مقـداری حساب و هیئت آمـوخت، دروس مقـدمات را نزد حـاج میرزا محمـد مهـدی و مقـداری نزد حـاج میرزا نجفی شوهر خواهر خویش و در همین سـنین، تمرین خوشنویسـی را زیر نظر برادر بزرگش آیه الله سـید مرتضی پسندیده و آقا حمزه محلاتی فراگرفت. در ۱۵ سالگی در اثر شیوع وبا، نخست عمه و چند ماه بعد مادر را از دست داد.

ص: ۱۶۶

در ۱۹ سالگی و در سال (۱۳۳۹ ه . ق.) برای ادامه تحصیل به اراک رفت، حوزه اراک در سال ۱۳۳۲ ه . ق دوباره به همت حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گشوده شد. ابتدا در درس منطق شیخ محمد گلپایگانی و هم زمان در درس «مطول» شیخ محمدعلی بروجردی حاضر می شد. سپس نزد شیخ عباس اراکی «لمعه» را فراگرفت.

نوروز ۱۳۰۱ ه . ش برابر با ۱۳۴۰ ه . ق، آیه الله حائری به دعوت و اصرار جمعی از علماء به قم عزیمت کرد و حوزه علمیه قم را بنیان گذاشت. بسیاری از طلّاب نیز به تبع وی به قم مهاجرت کردند و امام خمینی نیز حدود ۴ ماه بعد به آنان پیوست. امام خمینی در این زمان جوانی مجرد، موقر، شوخ طبع و دارای ذوق شعری بود. نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی ادامه درس «مطول» را خواند. قسمتی از مکاسب را نزد آیه الله سید محمدتقی خوانساری فراگرفت و بخش دیگری از سطوح عالی را نزد آیه الله آقا میر سیدعلی یثربی کاشانی آموخت. همزمان با تحصیل فقه به تحصیل فلسفه پرداخت، ابتدا بخش مختصری از اسفار را نزد میرزا علی اکبر حکمی یزدی قمی خواند. سپس نزد حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی رفت و تمام منظومه را مدت ۴ سال فراگرفت. پس از آن در درس اسفار مرحوم قزوینی شرکت کرد و ضمن آن تدریس منظومه را آغاز نمود و در همان اثناء هیئت قدیم و جدید و شرح چغمینی را نزد آیه الله رفیعی خواند. امام به منظور آشنایی با افکار مادیون تا حدودی فلسفه غرب را در درس شیخ محمدرضا مسجد شاهی راجع به (نقد فلسفه داروین) و رساله عروض و قوانی او شرکت کرد.

در عرفـان، امام خمینی از همان ابتـدای ورود عارف حقیقی مرحوم شاه آبادی در تمام مـدت هفت سالی که در قم بود. علاوه بر آن که درس خصوصـی بـا او داشت در تمـام درس هـای عمـومی وی نیز حضور می یـافت و او را بـا عبـارت «شـیخ مـا» در تعـدادی از آثـارش نـام می برد. امـام می فرمایـد: «شـیخ بزرگوار ما که حقاً حق حیات روحانی بر گردن اینجانب داشت که با دست و زبان از عهده شکرش برنمی آیم».(۱)

در طی این هفت سال قسـمتی از «مفاتیح الغیب» و «منازل السائرین» «شرح مصباح الانس»، «شرح فصوص قیصری» را نزد ایشان خواند.

امام از همان ابتـدا توجه به مسایل سیاسـی داشت و به مرحوم آیه الله مـدرس ارادت خاص و ویژه ای داشت و لذا گاه به تهران می رفت و در میان تماشاچیان مجلس (پارلمان ایران) حضور می یافت و مواضع ضـد استبدادی مـدرس در او تأثیرات عمیقی می نهاد و الگوی سیاسی خویش را از او می گرفت و شخصیت او اینک آمیزه ای بود از فقه و فلسفه و عرفان و سیاست.

در سال ۱۳۰۸، در ۲۸ سالگی ازدواج کرد. در سال ۱۳۰۷ کتاب «شرح دعای سحر» را نوشت، یک سال بعد شرحی بر حدیث «رأس الجالوت» نگاشت. درسال ۱۳۴۹ قمری ــ ۱۳۰۹ شمسی، کتاب «مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه» را تألیف کرد.

در سال ۱۳۱۳ شمسـی یعنی حدود سـیزده سال پس از ورود به قم به درجه اجتهاد نایل شد. و پس از رحلت مرحوم حائری در درس کسی شرکت نکرده و فقط به تدریس اشتغال داشت.

ص: ۱۶۸

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۷.

درس اخلاق امام با استقبال طلّاب و مردم رو به رو شد و چون امام خمینی گاهی با کنایه در درسهایش مسایل سیاسی را مطرح می کرد، درسش در مدرسه فیضیه تعطیل شد و به مدرسه حاج ملاصادق منتقل شد. از نتایج این درس کتاب «اربعین ــ چهل حدیث» است که خلاصه بحث های اخلاقی اوست.

تصحیح و انتشار کتاب «عبقات الانوار» میرحامد حسین هندی در دفاع از عقاید شیعه و ائمه علیهم السلام و رد کتاب «تحفه الاثنی عشریه» که یکی از اهل سنت علیه شیعه نوشت. و به تألیف و حاشیه بر شرح «فصوص الحکم» و حاشیه «مصباح الانس» و «سرالصلاه»، و «آداب الصلاه»، پرداخت.

از شهریور ۱۳۲۰ شمسی فعالیت سیاسی و علنی او آغاز شد. در سال ۱۳۲۳ شمسی، علیه کتاب «اسرار هزار ساله» که توسط حکمی زاده نوشته شده بود، بنام «کشف الاسرار» در دفاع از احکام اسلامی نوشت و حتی اجازه نداد اسمش روی کتاب ثبت شود.

در سال ۱۳۲۷ ه ش، دولت اسرائیل رسماً اعلام موجودیت کرد، امام اعلامیه ای در محکومیت آن صادر نمود و تا آخر این موضع را حفظ کرد.

در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی، خفقان شدید حاکم بر کشور شد و امام در آن زمان به تدریس فلسفه و اخلاق و فقه و اصول اشتغال داشت و نیز تا سال ۱۳۴۰ ه ش کتاب های «تعلیقه علی «العروه الوثقی»، «والطهاره»، و «مکاسب محرمه» را تألیف و منتشر نمود.

در سال ۱۳۴۱ (ه ش)، که فعالیت سیاسی و انقلابی امام خمینی آغاز شد. سمت نخست وزیری از امینی به اسدالله علم سپرده شد. لایحه

انجمن های ایالتی و ولایتی در کابینه علم تصویب شد، سه شرط «مسلمان بودن، سوگند به کلام الله مجید و مذکربودن» رأی دهندگان و انتخاب شوندگان تغییر می یافت. به دعوت امام جلسه ای از علمای طراز اول قم در منزل مرحوم شیخ عبدالکریم حائری تشکیل شد و پس از گفتگوهای زیاد تصمیم به ارسال پیام نگرانی علما و مراجع به شاه در مخالفت با این مصوبه و نیز ارسال پیام به علمای مراکز و شهرستانها اتخاذ گردید. سرانجام دولت عقب نشینی کرد و در آذر ۱۳۴۱ شمسی لغو مصوبه را اعلام کرد. این موفقیت به «نهضت انجمن های ایالتی و ولایتی» یا «نهضت دوماهه» معروف شد. و برخی از مردم این پیروزی را جشن گرفتند. بعد شاه با حمایت امریکایی ها اصول شش گانه انقلاب سفید را اعلام کرد. با اعلام رفراندم انقلاب سفید، امام خمینی در اعلامیه دوم بهمن ۱۳۴۱ ه . ش مخالفت خود را چنین نوشت این رفراندم مقدمه ای برای از بین بردن مواد مربوط به مذهب است».

در سال ۱۳۴۲ شمسی با فرارسیدن نوروز امام به عنوان اعتراض به رفراندم، عید نوروز را عزای عمومی اعلام کرد. روز دوم فروردین ۱۳۴۲ شمسی به مناسبت سالگرد شهادت امام صادق علیه السلام، در مدرسه فیضیه مراسم سوگواری برگزار شد که منجر به زدوخورد میان طرفداران شاه و طلاب و مردم شرکت کننده در سوگواری شد و ارتش مداخله کرد و جمعی را دستگیر کرد. بعضی علماء در جو خفقان آن زمان زمزمه تقیه سر می دادند، اما امام خمینی با صدور اعلامیه ای تحت عنوان «شاه دوستی یعنی غارتگری» فتوای حرمت تقیه و وجوب

ص: ۱۷۰

اظهار حقایق را صادر کرد. در عصر ۱۴ خرداد ۱۳۴۲ که مصادف با عاشورا بود، امام خمینی با اعلام قبلی در حضور جمعیت انبوهی در مدرسه فیضیه، ضمن یادآوری و گرامیداشت یاد شهدای مدرسه فیضیه، سخنان مهیّجی علیه شاه و اسرائیل ایراد کرد. بامداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شمسی تعدادی از کماندوهای رژیم شاه با استفاده از تاریکی شب به منزل امام ریخته و او را دستگیر کرده و به تهران بردند. شاه تحت فشار علما و مردم، امام خمینی و عده ای از علمای دیگر را در ۱۲ مرداد ۱۳۴۲ شمسی آزاد و در خانه ای در تهران تحت مراقبت قرار داد. و در ۱۷ فروردین ۱۳۴۳ شمسی امام پس از ده ماه زندان و مراقبت، رسماً آزاد شد و به قم بازگشت. در ۱۴ مهر ۱۳۴۳ شمسی، لایحه کاپیتولاسیون در مجلس تصویب شد. بعد از آن امام برای مبارزه با این مصوبه، جلسه ای با مقامات روحانی قم تشکیل داد. صبح روز ۴ آبان ۱۳۴۳ شمسی، سخنرانی سرنوشت ساز خود را ایراد کرد. و سرانجام ۱۳ آبان ۱۳۴۳ شمسی، صدها کماندوی رژیم شاه، منزل امام را محاصره و وی را بازداشت و به ترکیه تبعید کردند. امام در ترکیه مشغول نوشتن کتاب «تحریر الوسیله» که حاشیه بر کتاب «وسیله النجاه» است، پرداخت و در آن کتاب احکام سیاسی مربوط به روابط خارجی و اسرائیل و امر به معروف و نهی از منکر، و قضاء و دفاع، درج شد. در ۱۳ مهر ۱۳۴۴ شمسی امام و فرزندش حاج مصطفی بدون مأمور و مانند دو مسافر به عراق فرستاده شدند. امام در آن دوران به تدریس و فعالیت سیاسی خود ادامه داد و با اعلامیه های خود، مردم و علما را راهنمایی می کرد. در آن زمان رویدادهایی به وقوع پیوست که متذکر آن نشده ایم.

اول آبان ۱۳۵۶ شمسی، حاج آق مصطفی فرزند امام خمینی به طرز مشکوکی در نجف درگذشت. پس از خروج شاه از ایران در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ امام خمینی تصمیم خویش را برای مراجعت به ایران اعلام کرد. سرانجام علیرغم همه تهدیدات، امام خمینی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ شمسی به کشور بازگشت و ایران شاهد باشکوهترین استقبال تاریخ از او بود. میلیونها نفر به پیشواز آمدند و امام با حضور بر سر مزار شهدای انقلاب در بهشت زهرا، سخنان مهمی ایراد کرد.(۱)

امام خمینی در روز شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۶۸، در ۸۷ سالگی درگذشت. در روز ۱۵ خرداد ۱۳۶۸، پیکر امام در بهشت زهرا با تشییع میلیونها نفر، دفن گردید.

اکثر مسئولان و علمای طراز اول کشور و انقلابیون عزیز از شاگردان و مریدان حضرت آیه الله العظمی امام خمینی قدس سره، هستند؛ مخصوصا مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله سید علی خامنه ای ـ دامه ظله العالی ـ که یار وفادار و مجاهد فداکار و جانباز دلباخته امام راحل و سکان دار نظام جمهوری اسلامی ایران است.

ص: ۱۷۲

---

۱ - ۱. دایره المعارف تشیع، زیر نظر (احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهادالدین خرمشاهی)، نشر شهید سعید حجّتی، ج ۷، ص ۲۶۵.

منابع

۴۸۴. سید جلال الدین آشتیانی، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ج ۱، ص ۲.

۴۸۵. ______________________، مقدمه شواهد الربوبیه، با تصحیح استاد سید جلال الدین آشتیانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.

۴۸۶. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸.

۴۸۷. امین سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

۴۸۸. میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء، چاپ کتابخانه حضرت آیه الله مرعشی.

۴۸۹. غلامحسین ابراهیمی دینانی، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۲ و ۳، انتشارات طرح نو، چاپ اول.

۴۹۰. آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالآضواء.

۴۹۱. آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر، دارالمرتضی، نشر مشهد.

۴۹۲. خوانساری، روضات الجنات.

۴۹۳. شیخ محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، کتابفروشی اسلامیه.

۴۹۴. ______________________، آثارالحجه، کتابفروشی برقعی.

۴۹۵. سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، مجموعه رسائل و مقالات، تصحیح غلامحسین رضانژاد.

۴۹۶. جامی نورالدین عبدالرحمن، الدّره الفاخره فی تحقیق مذاهب الصوفیه والمتکلمین و الحکماء المتقدمین.

۴۹۷. ملاعبدالله زنوزی، انوار جلیه، مقدمه سید جلال الدین آشتیانی.

۴۹۸. علی قلی خان بن قرچغای خان خلجی، احیای حکمت، ج ۱، تصحیح و تحقیق فاطمه فنا.

۴۹۹. صائن الدین علی بن محمد الترکه، مقدمه تمهید القواعد، با تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی.

۵۰۰. منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکماء و عرفای متأخر، انتشارات حکمت.

۵۰۱. فیض کاشانی، ده رساله، مرکز تحقیقات علمی و دینی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان، با تصحیح و تحقیق رسول جعفریان.

۵۰۲. ________________، مقدمه تفسیر صافی، ج ۱، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات (بیروت – لبنان).

۵۰۳. قاضی سعید، کلید بهشت، تصحیح سید محمد مشکات.

۵۰۴. ________________، شرح توحید صدوق، تصحیح دکتر نجفقلی حبیبی، ج ۱.

۵۰۵. ________________، شرح اربعین، چاپ قدیم.

۵۰۶. کربن هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، انتشارات کویر، چاپ دوم.

۵۰۷. عمررضا کحاله، معجم المؤلفین، ج ۷، داراحیاء التراث العربی.

۵۰۸. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴.

۵۰۹. سید شهاب الدین مرعشی، المسلسلات، ج ۲، انتشارات آیه الله مرعشی.

۵۱۰. رضا مختاری، سیمای فرزانگان، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ چهارم.

۵۱۱. مصطفی محقق داماد، نخبگان علم و عمل ایران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول.

۵۱۲. مدرس یزدی، ریحانه الادب، ج ۳ _ ۱، کتابفروشی خیام، چاپ سوم.

۵۱۳. مرزبان وحی و خرد، یاد نامه مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی، مؤسسه بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول.

۵۱۴. دایره المعارف تشیع، ج ۷، زیر نظر(احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی) نشر شهید سعید محبّی.

۵۱۵. مجله رواق اندیشه، شماره ۲۰.

۵۱۶. گزیده گوهر مراد، ملاعبدالرزاق لاهیجی، به اهتمام صمد موحد، کتابخانه طهوری، چاپ اول.

۵۱۷. تاریخ قم، محمدحسین ناصرالشریعه، دارالفکر، چاپ سوم.

ص: ۱۷۵

تاریخ حکمت در شهر قم حوریه عظیمی

اشاره

تاریخ حکمت در شهر قم

حوریه عظیمی

ص: ۱۷۶

مقدمه

مقدمه

ایران همواره مهد و از مؤلفه های اصلی تمدن بوده است. از میان علومی که در ایران پرورش یافته، فلسفه اسلامی درخشندگی خاصی پیدا کرده است.

صدرالمتألهین شیرازی

زندگی و تحصیلات ملاصدرا

صدرالمتألهین شیرازی

زندگی و تحصیلات ملاصدرا

صدرالدین محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی، مشهور به ملاصدرا و ملقب به صدرالمتألهین، در شیراز متولد شد. در مورد برخی مقاطع زندگی شخصی وی نکات مبهم و تاریکی وجود دارد، حتی تاریخ ولادت وی مورد اختلاف است؛ به طوری که تا چند دهه اخیر، تاریخ قطعی و مستندی ارائه نشده بود. علامه طباطبایی تاریخ تولد او را از محاسبه تاریخی برخی تألیفات وی، استخراج و سال ۹۷۹ه .ق. را اعلام کرد.

در حاشیه اسفار، در بحث اتحاد عاقل و معقول، به خط قوام الدین احمد ــ فرزند ملاصدرا ــ آمده است: «تاریخ این افاضه ــ اتحاد عاقل و

ص: ۱۷۸

معقول ــ روز جمعه ماه جمادی الاول از سال یکهزار و سی و هفت قمری است که از عمر مصنف ۵۸ سال گذشته است».(۱)

وی تحصیلات خود را در مدارس شیراز آغاز کرد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی ــ بنا بر یک احتمال ــ در آغاز دهه سوم عمر خویش که مصادف با سال های آغازین قرن یازدهم هجری بود، در جستجوی استاد ــ که سنتی تقریباً رایج در آن دوره بود ــ شیراز را به قصد اصفهان و قزوین ترک کرد.

وی در اصفهان، ابتدا نزد شیخ بهاءالدین عاملی علوم نقلی را تحصیل نمود، بعد به حوزه درس میرداماد که برجسته ترین استاد در علوم عقلی آن زمان بود، راه یافت. همچنین او نزد میرفندرسکی به فراگیری دانش پرداخت و علوم رسمی آن دوران را نزد بهترین استادان آموخت و به سمت استادی رسید. او در برخی شاخه های حکمت، از استاد خویش نیز فراتر رفت.(۲)

وی پس از اتمام تحصیلاتش ــ به احتمال زیاد ــ در سال ۱۱۰۷ه .ق. به زادگاهش بازگشت.(۳)

اقامت در قم

اقامت در قم

ملاصدرا در سال ۱۱۰۷ ه .ق با دنیایی از آموخته هایش، به زادگاهش

ص: ۱۷۹

---

۱ – ۱. این مطلب را علامه قزوینی هم در مقاله خویش بیان کرده است. ر.ک: یادنامه ملاصدرا، ص ۱. یعنی اگر از سال ۱۰۳۷، عمر مصنف ۵۸ سال کم شود سال تولد صدرا ۹۷۹ هجری قمری خواهد بود.

۲– ۲. ر.ک: روضات الجنان، ج ۴، ص ۱۲۲.

۳– ۳. ر.ک: ملاصدرا، ج ۱، ص ۲۳۳ ــ ۲۳۴.

بازگشت تا علوم خود را در اختیار طالبان آن قرار دهـد. امّا علمای قشری و جاهلان عالم نما او را تکفیر کردنـد. او در مقدمه اسفار اربعه، در این باره چنین می گوید.

«...مطـالبی را دریـافته بودم که در هیـچ یـک از کتاب های اهل فن و حکمای روزگار پیـدا نمی شـد... اما موانع مرا در نیل به مقصود مانع می شـد و زمین گیرم کرده بود و نمی توانسـتم یافته های خود را به سـبب آنچه از دشـمنی روزگار می دیدم بیان کنم بـا مشاهـده این شـرایط، روشـی را که مولای من و مولای آن کسانی که رسول خـدا مولای آنهاست انتخاب کردم...پس خار در چشم داشتم و استخوان در گلو».(۱)

صدرا بر آن شد از مردم کناره گرفته، به روستای «کهک» _ از توابع قم _ سکونت گزیند و به تأملات و تفکرات فلسفی خود مشغول گردد. برخی نوشـته انـد که وی «به روسـتای کهک تبعید شد»(۲) یا «سالیانی دراز در کوهسـتان قم (دهکـده کهک) متواری بود».(۳)

برخی معتقدنـد تحصیل علم نتوانست ملاصـدرا را راضـی کنـد و از زنـدگی دنیوی و اجتمـاع کناره گیری کرد و به روسـتای کهک رفت؛ زیرا این سـفر، سـفر سوم از اسـفار اربعه ای بود که وی در کتاب کبیر خویش آن را بیان کرده بود.(۴) و این که در آخر عمر به شیراز برگشت، سفر چهارم از اسفار مذکور بود.

۱- ۱.مقدمه اسفار.

۲- ۲. تاریخ علوم و فلسفه ایرانی از جاماسب حکیم تا حکیم سبزواری، ص ۷۶۲؛ دکتر حلبی نیز این مطلب را بدون ذکر منبع و مأخذ بیان کرده است.

۳- ۳. ر.ک، همان.

۴- ۴. ر.ک: «تاریخ فلسفه در اسلام»، ج ۲، ص ۴۷۵ _ ۴۷۶.

از نظر نگارنده، هردو عقیده نا صحیح است و شواهد تاریخی خلاف این ادعا را ثابت می کند؛ هرچند که سفرهای وی، اسفار چهارگانه را که در اسفار بیان فرموده، در ذهن تداعی می کند. سفرهای وی به قصد جامه عمل پوشانیدن به این اعتقاد نبود؛ زیرا می توان در کنار مردم و در اجتماع نیز این مراحل را طی کرد. وی ۱۵ سال در کهک بود(۱) و مکتب فلسفی اش را در آن جا سامان بخشید و همان طور که خود در مقدمه اسفار می گوید به شهود عالم معقول نائل آمد و آن چه را که قبلاً از طریق استاد و کتاب آموخته بود، با کمک ریاضت هایی شرعی که انجام می داد، از طریق اشراق می دید.(۲)

ریاضت هایی که از استادان خویش شیخ بهایی و میرداماد آموخته بود، التیام بخش دردها و نردبان ترقی اش در کشف و شهود شده بود. او برخی از این کشف و شهودها را در کتاب اسفار، با عنوان اشراق و الهام عرشی، یاد کرده است.

او در دوران اقامت در قم، توانست به تدریس و تألیف بپردازد و شاگردان برجسته ای را تربیت کند که پس از ترک قم به مقصد شیراز، یکی از شاگردانش حلقه تدریس وی را اداره کرد.

دوران زندگی ملاصدرا را می توان به دو دوره زیر تقسیم کرد:(۳)

۱- ۱. این مدت را عده ای بدون ذکر ماخذ آورده اند و تاریخی در همین حدود را می توان از محاسبه و سال های تحصیل و مراجعت به شیراز به دست آورد.

۲- ۲. ر.ك: مقدمه اسفار اربعه،

۳- ۳. برخی دوران زندگی وی را به سه دوره تقسیم کرده اند و مرحله دوم را عزلت در قم و مرحله سوم را از زمان پختگی و تألیفات وی در شیراز دانسته اند و زمان شکل گیری حکمت متعالیه اش را غیر از زمان اقامت وی در قم به شمار آورده اند و مدت اقامت در قم را با عنوان دوران عزلت و کناره گیری یاد کرده اند. ر.ك: «تاریخ علوم و فلسفه ایرانی از جاماسب حکیم تا حکیم سبزواری»، ص ۷۶۰ ــ ۷۷۶. از نظر نگارنده، این مطلب ناصحیح است؛ زیرا دوره دوم را جدا از دوره سوم دانسته اند، در حالی که دوران ریاضت های وی مصادف با شهودهای عرفانی و تعلیم و تدریس وی بود.

۱. دوره تحصیلات وی در شیراز و اصفهان و قزوین؛

۲. دوران پختگی وی که تدریس و تألیف وی در آن دوره بود. این دوره به اقامت در قم و بازگشت به شیراز ــ که به احتمال زیاد در سال ۱۰۳۸ه .ق.(۱) بوده ــ تقسیم می شود. اگر همان طور که از نوه وی نقل شده است، او در سال ۱۰۴۵ رحلت نموده باشد،(۲) حدود ۷ سال از این دوران را در شیراز و بیش تر آن را در قم گذرانده و کتاب اسفار را در قم تألیف نموده است.

با توجه به آن چه گفته شد، ملاصدرا نه تنها حکیمی قمی است، بلکه در رأس حکمای قم قرار دارد.

اهمیت ملاصدرا

اهمیت ملاصدرا

اهمیت و ارزش ملاصدرا نه تنها در این است که پس از ویرانگری هایی که مغول ها در صحنه علم و ادب به بار آوردند، مشعل علم را بر افروخت؛ بلکه ویرانگری های برخی علما قشری را نیز آباد و به طور کلّی، به احیای فلسفه اسلامی همت گماشت و مکتبی جدید را بنیان نهاد. فلسفه او را نه می توان کاملاً مستقل از فلسفه پیشینیان، و نه می توان عین همان فلسفه ها و احیا شده آن دانست.

۱- ۱. ر.ک: ملاصدرا، ج ۱، ص ۳۳۲ ــ ۳۳۳.

۲- ۲. سال وفات ملاصدرا را ۱۰۵۰ه .ق. ضبط کرده اند؛ اما از نوشته های یکی از نوادگان صدرا، چنین بر می آید که سال ۱۰۴۵ه .ق. صحیح است. سیر حکمت در ایران و جهان، ص ۲۷۶.

درست است که برخی از نظریات فلسفی او ریشه در آرای فلاسفه پیشین دارد، امّا این هرگز به معنای ترکیب بین مشرب های گذشته نیست. او برخی نظریات فلسفه های مشاء و اشراق را پذیرفت و اشکالات آنها را با دلایل متقن رد نمود.

بیش تر مسائل حکمت متعالیه برگرفته از فلسفه مشاء و اشراق است و صدرا از خرمن بزرگان فلسفه و عرفان و کلام خوشه هایی چیده و با هماهنگ کردن آنها حکمت متعالیه اش را بنیان نهاد، امّا حکمت متعالیه او با فلسفه های پیشینیان فرسنگ ها فاصله دارد.

برخی صدرا را احیا گر فلسفه نامیده اند.(۱) «ملاصدرا در خاکستر مکتب مرده ابن سینا که بر اثر حملات ناروای غزالی و پیروان اشعری مسلک و حنبلی مآب او و همچنین به دنبال حملات ویرانگر علم و اندیشه ترکان و مغول بی جان شده بود، روحی تازه دمید و جوانی را به وی بازگرداند.»(۲)

هرکس که بافلسفه اسلامی آشنایی داشته باشد و در آثار ملاصدرا و حکمای پیشین به طور عمیق نظر کند، تصدیق خواهد کرد که صدرا بنیان گذار و مبتکر حکمت متعالیه است؛ هرچند برخی مبانی آن را وامدار فلاسفه پیشین دانسته اند. صدرا احیاگر فلسفه اسلامی و بنیان گذار حکمت متعالیه است و بین وحی و عرفان و فلسفه جمع کرده و ثابت کرده که برهان و عرفان و قرآن از هم جدایی ندارند.

۱- ۱. ر.ک: تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۲، ص ۴۷۵. چنین آمده است که احیاء حیات فکری...با ظهور صدرالدین به اوج خود رسید.

۲- ۲. سیر حکمت در ایران و جهان، ص ۲۸۳.

افکار ملاصدرا

افکار ملاصدرا

در فلسفه ملاصدرا، نو آوری های فراوان به چشم می خورد که به چند نمونه برجسته آن اشاره می شود:

الف) اصالت و وحدت وجود: محور اصلی فلسفه صدرالمتألهین، اصالت و وحدت وجود است. بحثی با این عنوان در آثار فارابی و بوعلی سینا و شیخ اشراق دیده نمی شود؛ هرچند که در کلام حکمای مشائی گاه اشاراتی تلویحی درباره اصالت وجود می توان یافت که صدرا برخی از آنها را بیان کرده است.(۱) شیخ اشراق نیز در اعتباری بودن وجود مطالبی ذکر کرده(۲) که از نظر ملاصدرا، دقیق جلوه می کند.

این بحث از مهم ترین مباحثی است که ریشه در عرفان اسلامی دارد؛ ولی چنین شکل فلسفی را در مکتب میرداماد و شاگردش صدرا به خود گرفت. میرداماد با این که پیرو حکمت مشاء بود، اعتقاد به اصالت ماهیت داشت. شاگردش، ملاصدرا به تبعیت از استاد، اصالت ماهیت را پذیرفت؛ ولی پس از گذشت اندک زمانی، این نظریه را مردود اعلام کرد.

«وانّی کنت شدید الذب عنهم فی اعتباریه الوجود و تأصل الماهیات حتی هدانی الله و انکشف لی انکشافاً ان الامر خلاف ذلک هوان الوجودات هی الحقایق المتأصله الواقعه فی العین و ان الماهیات المعبر عنها فی عرف طائفه من اهل الکشف و الیقین بالاعیان الثابته ماشمت

۱- ۱. ر.ک: الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۳۹، ۴۸ و ۶۶.

۲- ۲. ر.ک: کتاب المقاومات، (مجموعه مصنفات شیخ اشراق)، ج ۱، ص ۱۵۶.

رائحه الوجود»(۱)

اصل دیگری که از پایه های اساسی فلسفه ملاصدرا محسوب می شود، وحدت و تشکیک وجود است. در این باب، ملاصدرا یکسره بر تعالیم فلسفه مشاء پشت پازد. فیلسوفان مشائی معتقد بودند وجودات، تباین ذاتی باهم دارند؛(۲) هرچند که وجود هر موجودی نسبت به ماهیت خودش اصالت دارد. از نظر صدرا، وجود در سراسر قلمرو هستی یکی بیش نیست؛ حقیقتی یگانه است که دارای شدت و ضعف و به عبارت دیگر، ذو مراتب است. ملاصدرا شالوده فلسفه اش را بر این مبانی استوار کرد.

ب) حرکت جوهری: از مباحث دیگری که قبل از ملاصدرا در بین حکمای اسلامی مورد انکار قرار گرفت، حرکت جوهری است. قبل از وی، حکمای مشایی، حرکت در چهار مقوله کم و کیف و این و وضع را پذیرفته و در رد حرکت در مقوله جوهر دلایلی آورده بودند.

این اصل در فلسفه هراکلیتوس و عرفای اسلامی به نحوی بیان شده بود، ولی دلایلی که در اثبات آن آورده شده و نتایج مهمّی که از آن گرفته شد، تنها مختص صدرا است.

وی به وسیله این اصل، بسیاری از مشکلات فلسفی از جمله ربط متغیر به ثابت، حدوث عالم و معاد جسمانی را که ابن سینا از اثبات برهانی آن اظهار عجز نموده بود، حل کرد.

۱- ۱. ر.ک: الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۴۹.

۲- ۲. حکیم سبزواری در شرح المنظومه، بخش حکمت، ص ۲۴۲، آن را به نظم کشیده است. وعند مشائیه حقایق تباینت و هو لدی زاهق

معنـای حرکت در جـوهر این است که حرکت در اصـل وجـود است و جـوهر اشـیاء به تدریـج تغییر می یابـد، این دگرگـونی تدریجی جوهر را، حرکت در جوهر می نامند.(۱) پس ذات اشیاء، نا آرام و هر آن در حال تغییر و تحول است.

این حرکت از چنـان نظمی برخوردار است که به راحتی نمی توان به آن پی برد؛ مثـل کسـی کنـار نهر آب می ایسـتد و بر اثر شیب تند رودخانه و سـرعت آب، عکس خود را به طور ثابت در آب می بیند؛ حال آن که عکس حاصل، انعکاس شـعاعی از چشم در آب است و آب هیچ آرام و قراری ندارد ولی صورت موجود در آن ثابت است.

شاید آیه «و تری الجبالُ تحسبها جامدةً و هی تمرّ مرّاً السّحاب»(۲) اشاره به حرکت جوهری باشد.

از جمله مبـاحثی که ملاصـدرا در آن هـا نو آوری داشـته و یـا بـا دلاـیلی متقن آنها را برهانی کرده، برهان صـدیقین در اثبات واجب تعالی، بحث تحقیقی در وجود ذهنی، اتحاد عاقل و معقول، قاعده بسیط الحقیقه کل الاشیاء و علم خدا است.

شاگردان و آثار ملاصدرا

شاگردان و آثار ملاصدرا

وی در اکثر علوم رسـمی زمان خویش، به درجه اسـتادی رسـیده و همیشه صدر نشـین کرسـی تدریس و سـرآمد علمای عصر خویش بود، امّا تاریخ، شاگردان زیادی برای وی ثبت نکرده است.

ص: ۱۸۶

۱- ۱. برای مطالعه بیش تر، ر.ک: اسفار اربعه، ج ۳، ص ۸۵ _ ۱۰۱.

۲- ۲. سوره نمل، آیه ۸۸ .

نکته حائز اهمیت این است که چند تن از شاگردان وی چنان در بین فلاسفه، برجسته و ممتازند که به حق سزاوار شاگردی استادی چون ملاصدرا را داشتند؛ از جمله آنها ملامحسن فیض کاشانی و ملاعبدالرزاق لاهیجی است.(۱)

مسلم است که صدرالمتألهین شاگردان دیگری نیز داشته است که ما از آنها اطلاعی نداریم. در ادامه بحث، به معرفی برخی از شاگردان صدرا که صفحاتی از تاریخ علوم عقلی در قم را به نام خویش مزین کرده اند، خواهیم پرداخت.

نکته شایان ذکر در مورد ملاصدرا آثار نفیسی است که به جا گذاشته است. بیش از ۴۰ کتاب و رساله از او باقی مانده است. اسفار اربعه مشهورترین اثر او در علوم عقلی است. وی در علوم شرعی نیز آثار گرانبهایی مانند تفسیر آیه الکرسی و اصول کافی و تفاسیر قرآنی نوشته است. وی اسفار و تفسیر آیه الکرسی را در قم، با عنایت خاص حضرت معصومه علیها السلام، نگاشته است. وی در مقدمه تفسیر آیه الکرسی، به قمی بودن خود اشاره کرده است:

«محمد المشتهر بصدرالدین ابن ابراهیم، الشیرازی مولداً والقمی مسکناً»

۱- ۱. استاد علامه سید ابوالحسن حسینی قزوینی معتقد است فیض، فیاض و تمام شاگردانی که برای ملاصدرا ذکر کردیم، در شیراز، در مدرسه ای است که الله وردی خان تأسیس کرده بود، نزد ملاصدرا به تحصیل علم پرداختند. ر.ک: یادنامه ملاصدرا، ص ۳ و ۴؛ اما این مطلب از نظر نگارنده صحیح نیست؛ چون ما دلایل متقنی داریم که فیض و فیاض و پسران صدرا در قم از محضر استاد بهره بردند؛ هرچند که علاقه به استاد، فیض را به شیراز کشانید، امّا او تنها دوسال در شیراز بود و فیاض به شیراز عزیمت نکرد و تا آخر عمر در قم ماند.

آثار دیگری نیز از او در دست است که برخی از آنها را در قم و برخی دیگر را در شیراز نوشته است و این آثار، تا امروز الهام بخش و راهگشای اهل علم و حکمت و یکه تاز میدان فلسفه الهی بوده اند؛ که عبارتند از: الشواهدالربوبیه فی مناهج السلوکیه، المبداء و المعاد، المشاعر، الحکمه العرشیه، شرح الهدایه الاثیریه، تعلیقه برالهیات شفا، الواردات القلبیه، مفاتیح الغیب، شرح اصول کافی، اسرارالآیات، حاشیه بر شرح تجریر خواجه نصیر، فی التصور والتصدیق و...؛ که نشان از وسعت علمی صدرا دارد.(۱)

ملامحسن فیض کاشانی

شرح حال

ملامحسن فیض کاشانی

شرح حال

محمدبن شاه مرتضی بن شاه محمود، معروف به ملامحسن، از علمای قرن یازدهم هجری است. وی در خانواده ای دانشمند به دنیا آمد؛ پدر و دایی اش از فقهای معروف کاشان بودند. وی علوم ادبی و عربی و منطق را نزد آنان فراگرفت.

سال تولد وی را ۱۰۰۷ ه . ق. نوشته اند؛ که صحت و سقم آن جای بحث دارد. او در فقه، حدیث، تفسیر، فلسفه، اخلاق و شعر توانا بود.

وی در ۲۰ سالگی به اصفهان رفت و علوم ریاضی را نزد استادان حوزه علمیه اصفهان فراگرفت. همچنین در آن شهر، محضر استاد شیخ بهاءالدین عاملی را درک کرد نیز نزدیک به دو سال از تبحّر استاد سید ماجد بحرانی در علوم حدیث، در شهر شیراز استفاده کرد.

۱- ۱. برای مطالعه بیش تر آثار ملاصدرا، ر.ک: ریحانه الادب، ج ۲، ص ۴۵۹ _ ۴۶۰.

پس از طی این مراحل از تحصیل، به زیارت خانه خدا مشرف شد که در بازگشت، شهر به شهر می گشت و از دانشمندان شهرهای مختلف استفاده می کرد، تا این که در قم محضر ملاصدرا را درک کرد و در این آشنایی استاد به او لقب فیض داد. ملامحسن فیض چگونگی آشنایی خویش با صدرا را چنین می نویسد:

«بعد از حج، شهر به شهر می گشتم و هرجا دانشمندی می یافتم از او استفاده می کردم؛ تا این که در قم به خدمت صدر اهل عرفان و بدر فلک ایقان، ملاصدرا _ آن که در فنون علم باطن، امام عصر و وحید دهر بود _ مشرف گشتم. مقیم آستان وی شده و بیش از هشت سال به مجاهده نفس و ریاضات مشغول شدم؛ تا در علوم باطن نیز بصیرت حاصل گشت و در آخرالامر به شرف مصاهرت وی نائل و دختر او را در نکاح خویش در آوردم.»(۱)

استفاده وی از محضر استاد به این جا ختم نمی شود. او چون شیفته استاد بود، همراه استاد به شیراز رفت و مدت دوسال دیگر در کنار استاد بود و پس از آن به کاشان برگشت.

شاید سال حرکت وی از قم به شیراز سال ۱۰۳۹ ه .ق. یا سال ۱۰۳۸ ه . ق. و احتمالاً همراه همسر جوان و فرزندش ملامحمد علم الهدی _ یکی از مفاخر ایران _ بوده است. وی در سال ۱۰۹۱ه . ق. در ۸۴ سالگی درگذشت.(۲)

۱- ۱. ملاصدرا، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲- ۲. ریحانه الادب، ج ۳، ص ۲۴۵.

اهمیت فیض

اهمیت فیض

فیض از جمله نوادری است که در علومی که آموخته بود، به حد اعلا رسید و جامع علوم عقلی و نقلی و از مهره های کم نظیر در عرصه علم گردید. درباره او در ریحانه الادب آمده است:

«...عالم ربانی فاضل کامل صمدانی و عارف سبحانی از اجلای علمای امامیه قرن یازدهم هجری، عهد شاه عباس ثانی؛ که فقیه، محدث، مفسر، محقق، مدقق، و حکیم، متکلم متأله، ادیب، شاعر ماهر و علوم عقلیه و نقلیه را جامع و در خبر فهمی و تفطن به مبانی احادیث و اخبار دینیه بی نظیر و در تطبیق اصول ظواهر با بواطن و جمع ما بین اصول شریعت و طریقت متفرده بود و به فرموده روضات الجنات، نظر او در این موضوع در تمامی فرقه محقه معلوم نشده و علاوه بر مراتب علمیه در مکارم اخلاق طاق و مشهور آفاق...»(۱)

در اهمیت ملامحسن فیض همین بس که محضر یگانه حکیم دوران اخیر جهان اسلام، ملاصدرا را درک کرده و از سرچشمه حکمت متعالیه سیراب گشته است.

استادش، ملاصدرا، از ستارگان درخشان عرفان بود، مرحوم فیض نیز مذاق عرفانی داشت. از این رو، بُعد عرفانی اش در مراتب بالاتری شکوفا شد. وی به حدیث و اخلاق گرایش بیش تری پیدا کرد.

این که وی در عرفان و اخلاق پیش رفت چشمگیری نسبت به فلسفه داشت، از ارزش فلسفی وی کم نمی کند؛ زیرا ورود در حوزه یک علم او را از حوزه های دیگر غافل نساخته بود. علاوه بر آن، همه

ص: ۱۹۰

۱- ۱. همان، ج ۳، ص ۲۳۸ _ ۲۳۹.

فلاسفه بعد از ملاصدرا، فلسفه او و پیشینیان وی را خوب درک کرده اند و حکیم سبزواری نیز از حکمای بنام پس از ملاصدرا، بنیان گذار مکتبی نو نیست، بلکه توانست فلسفه صدرا را به خوبی یاد بگیرد و خوب تقریر کند؛ هرچند که در بعضی موارد نیز نظراتی مخالف صدرا اتخاذ کرده است. همچنین است ملامحسن فیض.

وی ۱۰ سال _ که ۸ سال آن در قم و ۲ سال در شیراز بود _ حکمت را نزد استادان فرزانه آموخت.

هانری کوربن وی را ممتازترین شاگرد ملاصدرا در حکمت عرفانی می داند و معتقد است:

«ملامحسن هم برحکمت مشاء اشراف دارد و هم بر حکمت اشراق. هیچ یک از قلمروهای دانش اسلامی برای او ناشناخته نیست. او همچون استاد خود ملاصدرا، برجسته ترین نمایندگان اندیشه شیعی است.»(۱)

شاگردان و آثار فیض

شاگردان و آثار فیض

کثرت و تنوع آثار فیض، نشان از کمالات و تبحر وی در علوم مختلف دارد. برخی، آثار او را افزون بر ۲۰۰ کتاب و رساله نوشته اند. تمام آثار فیض به دست ما نرسیده است.

تعداد آثار وی به طور دقیق مشخص نیست. برخی ۸۹ کتاب برای وی ثبت کرده اند. در ریحانه الادب، ۱۲۰ کتاب وی نام برده شده است؛(۲)

۱- ۱. «فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی»، ص ۶۷.

۲- ۲. ر.ک: ریحانه الادب، ج ۳، ص ۲۴۲ _ ۲۴۵.

از جمله:

المحجه البیضاء فی تهذیب الاخلاق، آداب الضیافه، الامکان والوجود، اصول المعارف، عین الیقین، اذکارالصلوه و اذکار الطهاره و الاذکار المهمه، جواب الابهری عن کیفیه علم الله تعالی بالموجودات فی الازل، جواب السؤال عن تجدد الطبایع و حرکت الوجود الجسمانی بتجدد الامثال، جواب مسئله الوجود فی بیان انه مشترک لفظی او معنوی، حاشیه اواشح سماویه استاد خود میرداماد، احسن التقویم، التوحید، صافی و اصفی، مصفی، تنویر المذاهب، الجبروالاختیار، الجبر والتفویض، جلاءالعیون و الشافی و الوافی.

بحث دیگری که بیانگر جامعیت ابعاد علمی اوست، شاگردانی است که تربیت کرده است. از بزرگ ترین شاگردان وی، فرزندش ملامحمد علم الهدی و قاضی سعید قمی است.

ملاعبدالرزاق لاهیجی

مختصری از زندگی محقق لاهیجی

ملاعبدالرزاق لاهیجی

مختصری از زندگی محقق لاهیجی

ملاعبدالرزاق بن علی بن حسین لاهیجی قمی، از دانشمندان بزرگ قرن یازدهم هجری و شاگرد و داماد ملاصدرا بود و لقب «فیاض» را از استاد گرفته بود.

به نظر می رسد از نظر سنی، فیاض از فیض بزرگ تر بوده و در حکمت، بیش تر از او درخشیده؛ که آثار علمی اش گویای آن است.

برخی از رابطه فیاض با استاد چنین استنباط کرده که وی مدّت بیش تری نزد استاد بوده(۱) و قبل از فیض محضر استاد را درک کرده

۱- ۱. ر.ک: ملاصدرا، ج ۱، ص ۳۶۰ _ ۳۶۱.

است. از اشعارش چنین بر می آید که وی نه تنها شاگرد ملاصدرا، بلکه مرید و کاملاً شیفته وی بود.(۱)

او فلسفه، منطق، کلام و عرفان را از صدرا در قم آموخته و به وی بسیار علاقه مند شده بود. نکته ای که از نظر نباید دور داشت، این است که با این همه علاقه، ملاعبدالرزاق همراه ملاصدرا در سال ۱۰۳۹ ه . ق به شیراز نرفت و با مکاتباتی که با استاد داشت، دوری وی را تسکین می داد. اشعاری که او در وصف استاد سروده، بیانگر آن است که هر آن آرزوی رسیدن به استاد را می کرد، اما این که چرا همراه استاد قم را ترک نکرد، نکته ای است که در بحث از اهمیت فلسفه ملاعبدالرزاق روشن خواهد شد.

فیاض در صحنه علم، خدمات ارزنده ای نمود. شاگردان ممتازی تربیت کرد و آثار ارزشمندی به یادگار گذاشت و در سال ۱۰۵۱ یا ۱۰۷۲ ه . ق. در قم رحلت کرد. احتمال صحّت تاریخ اول (۱۰۵۱ ه . ق) بسیار ضعیف است.

برخی محققان و مورخان با در نظر گرفتن تاریخ جلوس شاه عباس به تخت سلطنت و این که محقق لاهیجی کتاب «گوهر مراد» را به نام

۱- ۱. آن چه در زیر می آید تنها بخشی از اشعاری است که پس از رحلت استاد خویش سروده است: برجانم از مصیبت استاد من رسید دردی که بر دل علی از فقد مصطفاست خالی نبودم ارچه دمی از مصیبتی آنها جدا و این غم دندان شکن جداست استاد من که هم أب و هم ربّ معنوی است تا حشر اگر پرستش خاکش کنم رواست طبعم که خاک تیره جهل و غرور بود از صنع کیمیاگریش این زمان طلاست از چاه ذل رساند به معراج عزّتم اقبال او، که بر سر من سایه هماست

سلطان وقت نوشته و کتاب «سرمایه ایمان» را پس از آن تألیف نموده، تاریخ دوم مورد تأیید است.(1)

اهمیت فیاض در تاریخ فلسفه

اهمیت فیاض در تاریخ فلسفه

چرا فیاض همراه استاد خویش به شیراز نرفت؟!

به این سؤال، جواب های متعددی می توان داد که هرکدام از آنها اشکالاتی دارد.

پاسخ صحیح از نظر نگارنده این است که تدریس، او را از رفتن به شیراز بازداشت؛ زیرا با رفتن وی حلقه تدریس از هم گسسته می شد یا به مسیری هدایت می شد که مدنظر و مورد قبول ملاصدرا و ملاعبدالرزاق نبود. از این رو، با کراهتی که از دوری استاد داشت و شاید به دستور استاد، در آن شهر ماند:

«سنت رایج در میان اساتید حوزه های علمیه بر این بوده است که گه گاه بنابر مصالحی شاگردانی را که توشه کافی از استاد برده اند و به مرتبه اجتهاد و کفاف رسیده باشند، طوعاً و کرهاً از خود دور می کنند. این نه به سبب بی علاقگی که به سبب شناخت قدر و مقام آنان و لیاقت استادی آنها برای داشتن شاگردان دیگر بوده است...جدایی فیاض و صدرالمتألهین و ماندن یکی در قم و رفتن دیگری به شیراز به حکم همین قاعده و سیره و سنت بوده و بعید نیست که صدرالمتألهین شاگردان و حوزه درس خود در قم را به وی سپرد و او را خلیفه و جانشین خلف خود کرده باشد...»(2)

۱- ۱. ر.ک: ریحانه الادب، ج ۳، ص ۲۳۴.
۲- ۲. ملاصدرا، ج ۱، ص ۳۶۲ _ ۳۶۳.

مطلب دیگری که در اهمیت فیاض بسیار چشمگیر است و نباید از نظر دور داشت، آثار وی و شاگردانی است که به دست وی پرورش یافته اند.

آثار او که حاکی از تنوع علمی وی است عبارتند از:

«الکلمات الطیّبه» در اصالت ماهیت یا وجود؛ «شرح الهیاکل» در حکمت اشراق؛ «حاشیه شرح اشارات خواجه نصیر»؛ «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»؛ «حاشیه بر حاشیه حفری بر الهیات شرح تجرید»، «حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی بر تهذیب المنطق»، «حاشیه جواهر و اعراض شرح تجرید قوشچی»؛ «سرمایه ایمان»؛ «دیوان شعر» و...(۱)

ارزش دیگر فیاض به شاگردان اوست که از میان آنان، قاضی سعید قمی و میرزاحسین لاهیجی فرزند فیاض از ستارگان درخشان آسمان علم و حکمت بوده اند. فرزند دیگرش، میرزا ابراهیم، نیز شاگرد او بود که اطلاع زیادی از ایشان در دست نیست، جز این که وی نویسنده کتاب «القواعد الحکمیه و الکلامیه» است.(۲)

فیاض؛ فیلسوفی متکلم نما

فیاض؛ فیلسوفی متکلم نما

ملاصدرا توانست در برابر متکلمان و محدثین اخباری، خود را فیلسوف بنامد و حوزه فلسفی تشکیل دهد؛ امّا فیاض مباحث فلسفی

---

۱ - ۱. برای اطلاع بیش تر از آثار فیاض، ر.ک: «ریحانه الادب»، ج ۳، ص ۲۳۴ و «تاریخ علوم و فلسفه ایرانی از جاماسب حکیم تا حکیم سبزواریی»، ص ۷۷۸ _ ۷۷۹.

۲ - ۲. ر.ک: «ریحانه الادب»، ج ۳، ص ۲۳۴.

را در لباس مباحث کلامی مطرح می کرد، تا از تیررس دشمنان بدخواه در امان باشد.(۱) این فیلسوف بزرگ و شاگرد بلاواسطه صدرا که حکمت اشراقی و مشایی و متعالیه را از او به تمام و کمال آموخته بود، علم کلام را تدریس می کرد و اغلب او را به عنوان متکلم می شناسند. آثار کلامی زیادی از وی به جا مانده و متکلمانی را تربیت کرده است.

مطلب دیگری که درباره وی حائز اهمیت است، اعتقاد وی به اصالت ماهیت است. نکته دیگری که فیاض لاهیجی را از دیگران ممتاز می سازد، عقیده وی به دلالت ذاتی الفاظ بر معانی است. وی معتقد بود نسبت و رابطه حقیقی بین لفظ و معنا بر قرار است؛ یعنی اگر شخصی لغتی را قبلاً نشنیده و آشنایی به آن ندارد و بشنود، ممکن است که با تفکر، معنای آن را حدس بزند.(۲)

قاضی سعید قمی

شرح حال قاضی سعید

قاضی سعید قمی

از حکما و عرفای عصر صفویه و نیمه دوم قرن یازدهم هجری، قاضی سعید قمی است که بسیار مورد احترام حکومت وقت بود و شاه عباس ثانی و درباریانش به زیارت وی می رفتند.

شرح حال قاضی سعید

محمد سعید، فرزند محمد مفید، معروف به قاضی سعید، در دهم ذی القعده سال ۱۰۴۹ه . ق. در قم متولد شد. او پس از تحصیل مقدمات

---

۱ - ۱. لازم به ذکر است که ملاصدرا نیز که خود را فیلسوف نامید، خالی از تبعات و پیامدها نبود؛ بلکه تاوان سنگینی پرداخت کرد که خود در مقدمه اسفار آن را بیان کرده است.

۲- ۲. برای مطالعه بیش تر، ر.ک: «روضات الجنات».

در قم و بعد از این که طب را نزد پدر آموخت، به اصـفهان مهاجرت کرد و بین اصفهان و قم در طول عمر شریفش در رفت و آمد بود و در ابتدای ورود به اصفهان، در زمره اطبای شاه عباس ثانی قرار گرفت.

در مورد سال وفات وی اختلاف نظر است و سالهای ۱۱۰۰(۱) و ۱۱۰۳ ه .ق(۲) و...را سالهای رحلت وی نوشته اند. امّا مصحح کتاب «شـرح توحیـد صدوق» معتقد است وی در هیجدهم رمضان سال ۱۱۰۷ ه .ق. در قیـد حیات بوده است.(۳) وی در قم به خاک سپرده شد.

_ آشنایی قاضی سعید با علوم رسمی زمان خویش

_ آشنایی قاضی سعید با علوم رسمی زمان خویش

قاضـی سعید با بسیاری از علوم رسمی زمان خویش آشنایی کامل داشت. وی علاوه بر تبحری که در مباحث تصوف و عرفانی داشت و کتـاب هـایی در این زمینه نوشت، در فلسـفه اشـراق و مشـاء، طب، فقه، علوم ریاضـی، حـدیث، تفسـیر و رجـال نیز از ستارگـان درخشـان عصـر خویش محسوب می شـد؛ به طوری که به «حکیم کوچک» لقب یافت(۴) و بـه سـبب این که در قم منصب قضـاوت داشت، به قاضـی سـعید قمی شـهرت یـافت این سـمت وی بیانگر احاطه او بر علوم شـرعی است. برخی وی را مؤید به «روح القدس» می دانند.(۵) او شاگرد ملامحسن

۱- ۱. ر.ک: «طرائق الحقایق»، ج ۳، ص ۱۶۲.

۲- ۲. ریحانه الادب، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳- ۳. ر.ک: شرح توحید صدوق، مقدمه مصحح، ص ۳.

۴- ۴. ر.ک: ریحانه الادب، ج ۳، ص ۲۶۸.

۵- ۵. مؤیداً بروح القدس فی استنباط الدقایق و النکات الخفیّه والاطلاع علی الاساریرالکشفه.

فیض، ملاعبدالرزاق لاهیجی و ملارجبعلی تبریزی و به شدّت تحت تأثیر مشارب فکری استادان خود بود. وی در حکمت متعالیه و عرفان از مرحوم فیض و در حکمت مشاء از محضر ملارجبعلی و ملا عبدالرزاق استفاده کرد. برخی معتقدند وی برخی آثار شیخ اشراق را نزد ملاعبدالرزاق لاهیجی خوانده است.(۱) نکته جالب توجه این است که استادان قاضی سعید از مذاهب فلسفی مختلفی بودند؛ فیض و فیاض بیش تر طرفدار حکمت متعالیه و نظریه اصالت وجود ملاصدرا بودند و ملا رجبعلی تبریزی طرفدار اصالت ماهیت و مشرب مشائیان بود.

مشرب فکری و فلسفی قاضی سعید

مشرب فکری و فلسفی قاضی سعید

با مطالعه آثار قاضی سعید، چنین به نظر می رسد که سبک قاضی و برخی دلایلی را که برای اثبات مطلوب خویش اقامه کرده، با واسطه استادان خویش، از ملاصدرا اخذ نموده است و در برخی موارد، اصولی را از فلسفه اسلامی پذیرفته است که تنها با تأیید و پذیرش مبانی صدرایی امکان پذیر است. با این حال، اختلاف نظر بین قاضی و ملاصدرا به چشم می خورد از جمله مبانی صدرا که مورد انکار وی قرار گرفته است، حرکت جوهری است. قاضی سعید تعلیقه ای بر اثولوجیای افلوطین نوشته که در کتاب «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» به چاپ رسیده و در این کتاب قاضی به ردّ حرکت جوهری

ص: ۱۹۸

۱- ۱. ر.ک: «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران»، ج ۳، ص ۶۰ _ ۵۹. قبلاً گفتیم که برخی معتقدند ملاعبدالرزاق در سال ۱۰۵۲ ه . ق. رحلت کرد و مصحح «شرح توحید صدوق» با توجه به این مطلب نتیجه گرفته از آنجا که قاضی در سال ۱۰۴۹ به دنیا آمده است و در سال ۱۰۵۲ ه . ق. سه ساله بوده، بنابراین نمی توانسته استاد قاضی سعید باشد، حال آن که گفتیم این تاریخ برای رحلت ملاعبدالرزاق، صحیح نیست.

پرداخته است.

استاد جلال الدین آشتیانی تناقض موجود در برخی آرای وی را ناشی از اختلاف مسلک استادانش دانسته و معتقد است با وجود این تناقضات، نباید مقام علمی و ارزش وی را نادیده گرفت.(۱)

اصل دیگر فلسفه ملاصدرا که وی به تبعیت از استاد خویش ملارجبعلی تبریزی آن را انکار کرده و خلاف آن را تأیید می کند، اصالت وجود است. وی در کتاب «نفحات الهیه» این مطلب را تحقیق کرده است.

عقیده دیگری که قاضی سعید به آن شهرت یافته اطلاق اشتراك لفظی وجود بر واجب تعالی و ممکنات است که در کتاب های «شرح التوحید» و «کلید بهشت»، به طور صریح متعرض این نکته شده است. بر این اساس، اطلاق صفات کمالیه نیز به نحو اشتراك لفظی خواهد بود و نه وجود خلق از جنس وجود حق است و نه صفاتش. پس وقتی می گوییم خداوند عالم و قادر است، به این معنا است که خداوند جاهل و عاجز نیست. به عبارت دیگر، وی در باب اسماء و صفات حق تبارك و تعالی، قائل به نفی مقابلات است.(۲) با توجه به این عقیده، بشر راهی برای شناخت حق و سخن گفتن در باره او ــ جل و علا ــ ندارد و زبان وی از اثبات صفات حق تعالی عاجز است. بنابراین، باب معرفت الهی به طور کامل مسدود است.

انبیا و اولیای الهی نیز در این باب اظهار عجز کرده اند؛ گرچه در ظاهر، صفاتی برای حضرت حق اثبات کرده اند، امّا نهایت معرفت او را

۱- ۱. ر.ك: «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران»، ج ۳، ص ۶۱.

۲- ۲. شرح توحید الصدوق، ص ۴۸۲.

نفی صفات دانسته اند. وی در تأیید این عقیده، به حدیث «اوّل عباده الله معرفته و اصل معرفه الله توحیده و نظام توحید الله نفی الصفات عنه...»(۱) از حضرت امام رضا علیه السلام استناد می کند.

وی در مورد آیات قرآن که صفاتی را برای خدا اثبات کرده، آن را اعتقاد اقراری اساس ایمان شمرده است که همین اعتقاد اقراری برای نجات انسان ها کافی خواهد بود.(۲)

این طرز تفکر وی ناشی از این است که به تباین در هستی قائل است و سنخیت میان خالق و مخلوق را نفی می کند. این، یکی از اختلافات اساسی بین او و ملاصدرا است. بابی که در فلسفه ملاصدرا به نام «سنخیت علت و معلول» گشوده شد، توسط شاگردانش به شدت مورد انکار قرار گرفت اشکالاتی که وی به ملاصدرا وارد کرد، همگی در زمان خود وی و پس از آن جواب داده شده اند.

آثار قاضی سعید

آثار قاضی سعید

قاضی سعید آثار زیادی دارد که هرکدام از آنها، از آشنایی وی با ابعاد مختلف علوم اسلامی حکایت می کند. این آثار عبارتند از:

«الاربعون حدیثاً» که در سی سالگی تألیف کرده و «شرح چهل حدیث» در معارف اسلامی است؛ «شرح توحید صدوق» که در ۳ جلد به چاپ رسیده است؛ «فوائد الرضویه» که با تعلیقه حضرت امام خمینی به چاپ رسیده است؛ «کلید بهشت»؛ «حقیقه الصلوه»؛ «روح الصلوه»؛

۱- ۱. «التوحید»، ص ۱۵.

۲- ۲. ر.ک: شرح توحید الصدوق، ص ۲۴۷.

«اسرار الصنایع» (در صناعات خمس)؛ «تعلیقه بر اثولوجیا»؛ «حاشیه به شرح اشارات خواجه»؛ «حدیقه الوردیه»؛ «السوانح المعراجیه» و....(۱)

میرزا حسن لاهیجی

زندگی نامه

میرزا حسن لاهیجی

زندگی نامه

بسیاری از حکمای معاصر از آبشخور فلسفه ملاصدرا سیراب شده اند. هنوز هم آثار گرانقدر او در حوزه های علمیه و دانشگاهها تدریس می شود.

ملامحمدبن ملامحسن فیض(ملقب به علم الهدی)، میرزا ابراهیم و میرزا حسن لاهیجی فرزندان فیاض و ملاابراهیم و قوام الدین احمد فرزندان صدراالمتألهین ستارگان درخشانی از نسل ملاصدرا هستند.

از میان همه آنان، آقامیرزا حسن، نوه دختری ملاصدرا و شاگرد و فرزند فیاض لاهیجی نسبت به دیگر فرزندان صدرا، بخش زیادی از تاریخ فلسفه در قم را به نام خود رقم زده است. وی بیش تر از همه آنان، در قم تألیف و تدریس داشته است. وفات وی نیز در سال ۱۱۲۱ ه . ق. در قم بوده و در همان شهر در قبرستان معروفی در مجاورت علمای اسلامی دیگر به خاک سپرده شده است.

جایگاه

جایگاه

وی از شاگردان ممتاز فیاض بود و همچون پدر در شهر مقدس قم،

ص: ۲۰۱

۱- ۱. آثار قاضی سعید را مصحح «شرح توحید الصدوق» در مقدمه، به طور کامل ذکر کرده است.

در کنار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام حوزه تدریس داشت و یکی از افاضل و حکما و متکلمین بنام عصر خویش به شمار می رفت. وی بیش از ۱۳ اثر نفیس و ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است. او با حکمت کاملاً آشنا بود. آثار وی دلیل روشنی بر توانایی وی در بحث های فلسفی است.

میرزاحسن برخی از مبانی فلسفه صدرایی _ از جمله اصالت وجود و وحدت آن _ را پذیرفته؛ ولی به فلسفه مشاء گرایش بیش تری دارد.(۱) پدرش _ محقق لاهیجی _ به خاطر شرایط حاکم، به ظاهر از پیروان شیخ الرئیس و شارح افکار وی بود؛ او نیز همان روش پدر را در پیش گرفت.

وی علاوه بر فلسفه، در کلام نیز تبحّر داشت و برخی از آثار خود را به مباحث کلامی اختصاص داده است.

او با تمام آن چه که گفته شد، و با وجود کثرت تألیفات و تدریسی که داشته نتوانست به طور کامل پا جای پای استاد و پدر خویش بگذارد؛(۲) هرچند برخی وی را هم طراز و شاید برتر از پدر دانسته اند. از جمله این افراد آقامیرزا طاهر تنکابنی است که به نقل از یکی از علمای معاصر، معتقد است اگر وی بر محقق لاهیجی ترجیح نداشته باشد، کمتر از او نیست.

۱- ۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۲۹۰.

۲- ۲. لازم به ذکر است که پدرش محقق لاهیجی نیز نتوانست در مرتبه علمی به حد استاد خویش برسد و با او برابری کند؛ بلکه وی تنها توانست علم و آرای استاد را به خوبی فرا بگیرد و آنها را تدریس کند، ولی هرگز همسنگ ملاصدرا نبود. امثال صدرالمتألهین کم نظیر، بلکه بی نظیر است که در رتبه علمی به مرتبه استاد خویش رسیده و حتی از استادان خویش برتر شده و مکتب فلسفی جدیدی بنیان نهاده باشند.

استاد آشتیانی نظر میرزا طاهر را درست نمی داند و معتقد است با وجود احاطه قابل توجه وی بر بحث های کلامی و فلسفی و مهارت در این مباحث، نمی تواند با ملاعبدالرزاق برابری کند.

«...پختگی و ورزیدگی و تسلط به مشارب مختلف حکمت و عرفان از مختصات مشخص آخوند ملاعبدالرزاق می باشد و همسنگ او کمتر کسی را می توان یافت و بعد از سید محقق داماد و ملاصدرا، شاید صاحب شوارق به کلیه متأخران ترجیح داشته باشد و گفته مرحوم آقامیرزا طاهر تنکابنی را باید حمل بر سبق لسان و یا صریحاً گفت آقای میرزا در این مقام گزاف کرده است.»(۱)

وی دارای کمالات علمی و حکیمی است که گمنام مانده و آن چنان که شایسته مقامش بود شناخته نشده است. و تنوع آثار علمی وی دلیلی بر این مدعاست. یکی از تألیفات وی کتاب «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» به چاپ رسیده که به خوبی بیانگر سطح علمی مؤلف است.

آثار

آثار

آثار وی عبارتند از: «آئینه حکمت» به زبان فارسی که در باره اصول دین تألیف نموده است؛ «اثبات الرجعه»، «اصول الدین»، «الفه الفرقه» (علم کلام)، «بدایع الحکم»؛ «جمال الصالحین فی اعمال السنه و الادب المستحسنه»؛(۲) «تالیف المحبه او تزکیه الصحبه فی ترجمه کشف الریبه

۱- ۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۲۸۹ ـ ۲۹۰.

۲- ۲. این کتاب آخرین تألیف وی است و در سال آخر عمرش تألیف این کتاب به پایان رسیده است.

عن احکام الغیبه»؛(۱) «التقیه»، «حاشیه بر وافی» ملامحسن فیض، «روایع الحکم» در حکمت؛ «زواهر الحکم» این کتاب در «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» به چاپ رسیده است؛ «شمع الیقین» در امامت،(۲) «مصابیح الهدی» و...

افول حکمت در قم

افول حکمت در قم

پس از ملاصدرا، ملاعبدالرزاق لاهیجی حوزه فلسفی را زنده نگه داشت، امّا چند دهه پس از رحلت وی، با رونق گرفتن حوزه شیراز و اصفهان، حوزه قم رونق خود را تا حدودی از دست داد و طالبان حکمت و دانش از سراسر ایران به سوی شیراز و اصفهان سرازیر شدند. هرچه چراغ حکمت در دیگر مراکز اسلامی روشن تر می شد، در قم رو به ضعف و خاموشی می گرایید؛ به گونه ای که حکمایی مانند محمد نعیما طالقانی، بهاءالدین محمد اصفهانی، ملاعبدالرحیم دماوندی رازی، ملامحمد صادق اردستانی، ملااسماعیل خواجویی، آقامحمد بیدآبادی، ملامحمد مهدی نراقی، ملاعلی نوری و ملانظرعلی گیلانی در حوزه اصفهان و شیراز پرورش یافتند، امّا در قم حکمایی در این مرتبه و مقام ظهور نکرد، البته ملامحمد نعیما که در زمان شاه سلطان حسین در اصفهان بود، هنگام سقوط اصفهان به دست افغانها، اقوام و خویشان خود را از دست داده بود به قم پناه برد که احتمالاً پس از ختم غائله دوباره به اصفهان بازگشت.

۱- ۱. مؤلف در این کتاب، «کشف الریبه» شهید ثانی را تلخیص و به فارسی ترجمه کرده و تحقیقاتی نیز به آن افزوده است.

۲- ۲. اغلب میرزا حسن را به نام صاحب «شمع الیقین» می شناسند.

انتقال حکمت از دیگر مراکز اسلامی به قم

انتقال حکمت از دیگر مراکز اسلامی به قم

آقامحمد رضا قمشه ای صهبا از حکمای بنام حوزه اصفهان بود که بنا به دلایلی اصفهان را ترک، و به تهران عزیمت و در مدرسه صدرا اقامت کرد. او عده ای از علما و دانش پژوهان را دور خود جمع و از سرچشمه وجود خویش سیراب نمود و شاگردان زیادی را تربیت کرد؛ از جمله آنان آقامیرزا هاشم اشکوری است که پس از رحلت استاد، عمر خود را صرف تألیف و تدریس در رشته های عرفانی و فلسفی کرد. شماری از شاگردان او که اغلب آنان از استادان علمای بزرگ معاصر ایران هستند، عبارتند از:

آقابزرگ حکیم، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، آقامیرزا احمد آشتیانی، آقاسیدحسین بادکوبه ای و آقامیرزا محمد علی اصفهانی. آقامیرزا محمد علی اصفهانی شاه آبادی پس از اتمام تحصیلات در نجف و تهران، در عهد زعامت آیه الله حائری به شهر مقدس قم مشرف شد و سالیان متمادی در آن شهر به تدریس فلسفه و عرفان پرداخت. به گفته استاد آشتیانی، به وسیله این عارف فیلسوف، پای فلسفه به قم باز شد.(۱)

قبل از تأسیس حوزه علمیه قم نیز به طور غیر رسمی، فلسفه توسط آقامیرزاعلی اکبر حکیم یزدی تدریس می شد. امام خمینی قدس سره فرمود: زمانی که حوزه تأسیس شد یکی از مقدسین گفته بود که ببین کار اسلام به کجا رسیده که در خانه آقامیرزاعلی اکبر باز شده است.(۲) وقتی

۱- ۱. ر.ک: شرح مقدمه قیصری، ص ۳۲ _ ۳۳.

۲- ۲. ر.ک: تفسیر سوره حمد، ص ۱۲۱.

این حکیم بزرگ رحلت کرد، با وجود این که وی از اکابر و افاضل حوزه و فردی متقی بود، شخصی بالای منبر در وصف وی گفت که من خود دیدم که او قرآن می خواند.(۱)

بنابراین، هرکس که فلسفه تدریس می کرد، محکوم به کفر می شد و این روند تا زمان علامه طباطبایی و حضرت امام نیز ادامه داشت. این جو ناسالم هرچند که برای فلاسفه مشکلاتی چند به بار آورد _ که در طی مقاله به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد _ امّا نتوانست به طور جدی، مانع تدریس و اشاعه فلسفه شود؛ به نحوی که حکمایی مانند میرزعلی اکبر حکیم، حاج شیخ مهدی حکیم قمی، میرزامحمد علی اصفهانی شاه آبادی، میرزا مهدی آشتیانی، سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، امام خمینی، علامه طباطبایی، حاج میرزاخلیل کمره ای، آیه ا...حسن زاده و آیه الله جوادی آملی به تدریس فلسفه پرداختند. در این بخش از مقاله، به طور مختصر و جداگانه، در باره برخی از آنها سخن خواهیم گفت.

آیه الله میرزامحمد علی شاه آبادی

زندگی نامه

آیه الله میرزامحمد علی شاه آبادی

زندگی نامه(۲)

میرزا محمد علی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی، از اکابر و رجال بزرگ فلسفه، حکمت، علوم غریبه، فقه و اصول در زمان خود

۱- ۱. ر.ک: همان.

۲- ۲. برای مطالعه بیش تر در مورد آیه الله شاه آبادی، ر.ک: «ریحانه الادب»، ج ۲، ص ۲۹۰ _ ۲۹۱.

بود. او در سال ۱۲۹۲ ه . ق.، در اصفهان، در خانواده ای دانشمند دیده به جهان گشود. وی علوم اسلامی را نزد پدر که خود از شاگردان ممتاز صاحب جواهر بود، فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به حوزه درس برادر بزرگ خود، آقا شیخ احمد مجتهد ــ که پیش از بلوغ به مرحله اجتهاد رسیده بود ــ و درس آقا میرزاهاشم چهارسوقی راه یافت.

شاه آبادی که تشنه فراگیری بود، به این مقدار قناعت نکرد، برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت کرد، وی پس از آن، در نجف محضر برخی از بزرگان را درک کرد. سپس به ایران برگشت و در تهران در محله شاه آباد اقامت گزید و از این رو به شاه آبادی معروف گشت. وی ۷ سال پس از تأسیس حوزه علمیه، به قم رفت و در آن حوزه درسی تشکیل داد، شاه آبادی در سال ۱۳۵۴ قم را به قصد تهران ترک کرد و در آن شهر، در سال ۱۳۶۹ ه . ق. دیده از جهان فروبست و در شهر ری و جوار حضرت عبدالعظیم علیه السلام به خاک سپرده شد.

استادان

استادان

وی علاوه بر پدر و برادرش، از محضر استادان بزرگ دیگری نیز بهره برد که از آن جمله اند آقامیرزا حسن آشتیانی، آخوند خراسانی، حاج میرزاحسین خلیلی و میرزامحمد تقی شیرازی.

او شاگردان فرهیخته ای را نیز تربیت نموده است. بهترین راه شناخت مرحوم شاه آبادی، شاگردان معظم له و آثار قلمی وی است. از برجسته ترین شاگردان وی، امام خمینی قدس سره است که در کتاب های خویش از استاد به نیکی و احترام یاد کرده است.

ص: ۲۰۷

از آثار شاه آبادی می توان به «رشحات البحار»، «الانسان و الفطره»، «الایمان و الرجعه»، «حاشیه بر کفایه» آخوند خراسانی، «مردم، اسلام»، «منازل السالکین» و «القرآن والعتره» اشاره کرد.

آقامیرزا مهدی آشتیانی

زندگی نامه

آقامیرزا مهدی آشتیانی

زندگی نامه

آقامیرزا مهدی آشتیانی تنها یک سال در قم اقامت کرد، امّا در این مدت کم بسیاری از فضلای حوزه علمیه قم از محضرش استفاده کردند. وی در شکوفایی استعدادهای فلسفی، سهمی به سزا داشت و در مدت حضور در قم، اسفار اربعه را تدریس کرد.(۱) مزار شریفش در قم است.

آقامیرزا مهدی در ذی القعده سال ۱۳۰۶ ه . ق. در شهر تهران، در خانواده ای عالم و علم پرور دیده به جهان گشود. او فرزند آقامیرزا جعفر مشهور به آقامیرزا کوچک است.

وی علوم ادبی و عقلی و نقلی را نزد پدر و عموی خویش آیه الله حاج میرزاحسن آشتیانی فراگرفت و محضر استادان فرزانه ای مانند آقاشیخ مسیح طالقانی، آخوند ملاعبدالرسول، آقاسید عبدالکریم، نجم الدوله، میرزا جهان بخش منجم و آقاشیخ محمدحسین ریاضی را درک کرد.

او در ۱۵ سالگی، به کسب اجازه نایل شد؛ امّا به این مقدار بسنده نکرد؛ برای تکمیل علوم عقلی، به خدمت میرزا ابوالحسن جلوه، آقامیرزاحسن کرمانشاهی و آقامیرزا هاشم گیلانی تشرف یافت و در

۱- ۱. امام خمینی در مدت تدریس ایشان، جهت احترام، کلاس خود را تعطیل کردند.

سال ۱۳۲۷ه . ق. به عتبات عالیات رفت و از حوزه درس آخوند خراسانی بهره مند گردید؛ امّا به سبب مریضی نتوانست در آن جا توقف کند و به ایران بازگشت. وی پس از معالجه، به نجف برگشت و در حوزه درس آیه الله یزدی طباطبایی راه یافت و از ایشان اجازه گرفت.

وی مسافرت های زیادی به مصر، بخارا، اسکندریه، هند، بلژیک، فرانسه، آلمان و ایتالیا داشت که برخی از آنها به قصد تحصیل و تدریس و برخی دیگر برای معالجه بود.

او در مسافرت به کشورهای غیر اسلامی، برخی معضلات کتاب «شفاء» و کتاب های فلسفی دانشمندان آن کشورها را حل کرد.(۱)

وی از محضر آیه الله فیروزآبادی، آیه الله نائینی، آیه الله آقاضیاء عراقی و آیه الله اصفهانی استفاده کرد و از آنها به دریافت اجازه نایل شد.(۲)

جایگاه

جایگاه

نکته حائز اهمیت درباره ایشان، آثار محققانه و کم نظیری است که به یادگار گذاشته است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. «اساس التوحید»: کتابی است به فارسی درباره قاعده «الواحد».

۲. «ترجمه اسفار».

۱- ۱. ر.ک: آثار الحجه، ج ۱، ص ۲۳۰ _ ۲۳۱.

۲- ۲. ر.ک: همان. علاوه بر استادانی که ذکر شد، ایشان از محضر استادان دیگری نیز استفاده کرده است. برای اطلاع بیش تر در این زمینه و درباره مراحل مختلف زندگی ایشان و اطلاعاتی جامع از این دانشمند بزرگ، ر.ک: تاریخ حکماء و عرفای متاخر، ص ۳۷۳ _ ۳۷۹.

۳. «ترجمه اشارات».

۴. «تعلیقات اشارات».

۵. «تعلیقات شفاء».

۶. «تعلیقات اسفار».

۷. «تعلیقات غررالفوائد».

۸. «تعلیقات فصوص الحکم».

۹. «تعلیقات مصباح الانس».

۱۰. «رساله در معاد جسمانی».

۱۱. «رساله در جبر و تفویض».

آقامیرزا مهدی به خاطر علاقه و مهارتی که به تدریس داشت، به مدرس مشهور شد. کلامی از بزرگانی چون آقامیرزا هاشم اشکوری و آیت الله شاه آبادی در روشن ساختن اهمیت این حکیم و مدرس بزرگ بسی مفید است.

آقامیرزا هاشم اشکوری درباره وی فرمود: «اگر حاج ملا هادی سبزواری صاحب منظومه نیز زنده بود بدین گونه تدریس نمی کرد.»(۱)

آیه الله شاه آبادی نیز فرمود:

«اگر اسباب برای ایشان جمع شود می توانند صدها حکیم ربانی تحویل جامعه بدهند.»(۲)

آیه الله میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۳۷۳ ه .ق دعوت حق را اجابت نمود.

۱- ۱. ر.ک: تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۳۷۹.

۲- ۲. آثارالحجه، ج ۱، ص ۲۳۱.

علامه رفیعی قزوینی

زندگی نامه

علامه رفیعی قزوینی

زندگی نامه

میرزا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، در میدان عقل و نقل، از یکه تازان و مفاخر امامیه است. وی در عصر خویش از استادان برجسته ای بود که شاگردان بزرگی در حکمت متعالیه تربیت کرد.

علامه در سال ۱۳۱۵ ه . ق. در شهرستان قزوین، در خانواده ای از اهل علم پا به عرصه وجود نهاد.

وی علوم دینی را در محضر پدر بزرگوارش آموخت و قزوین را به قصد تهران و آموختن علوم ترک کرد. او پس از تأسیس حوزه علمیه قم، به قم رفت و از محضر آیه الله حائری بهره برد و بعدها از مدرسان بنام آن حوزه گردید.

وی در محرم ۱۳۹۶ ه . ق. در ۸۱ سالگی، در قم ندای حق را لبیک گفت و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

جایگاه

جایگاه

الف) استادان

وی پس از فراگیری دروس سطح، برای ادامه تحصیل، به تهران رفت و در درس حاج شیخ عبدالنبی نوری، آیه الله حاج میرزا مسیح طالقانی، و آیه الله سید محمد تنکابنی و آیه الله شیخ محمد رضا نوری شرکت کرد و حکمت را نزد حکیم آقامیرزاحسن کرمانشاهی فراگرفت.

ص: ۲۱۱

علامه حسن زاده _ یکی از شاگردان برجسته ایشان که از نزدیک با ایشان آشناست _ در این مورد چنین می گوید:

«از آنجا که ذوق فطری و جبلت الهی او متمایل به معارف حقه حقیقی بوده و تار و پود وجودش از عشق به علوم عقلی _ کلام و حکمت و عرفان و ریاضیات _ درهم بافته شده بود، چنان چه از آثار او نیز مشهود است، حکمت را نزد حکیم متأله میرزاحسن کرمانشاهی، که استاد مشهور این فن بود، فراگرفت و علاوه بر این از محضر درس حکیم مرحوم حاج فاضل تهرانی شمیرانی و حکیم مرحوم میرزا محمود رضوانی قمی و حکیم ریاضی دان و شاعر ملامحمد هیدجی زنجانی بهره های شایان اهمیت گرفت و سپس علوم ریاضی را از محضر آقامیرزا ابراهیم زنجانی ساکن و مقیم تهران تحصیل کرد.(۱)

وی عرفان را نزد آقامیرزا هاشم اشکوری فراگرفت.

استادان دیگر وی عبارتند از:

آقامیرزا محمود کهکی قمی، حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، حاج شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی _ مؤسس حوزه علمیه قم _ و آقاشیخ علی رشتی، میرزا محمود رضوان قمی.(۲)

ص: ۲۱۲

۱- ۱. در آسمان معرفت.

۲- ۲. آقامیرز محمود کهکی قمی، متخلص به رضوان، از حکمای بزرگ قم است. وی در روستای کهک قم به دنیا آمد و برای تحصیل به حوزه قم و سپس به تهران رفت و در علوم عقلی از محضر حکیم محمد رضا قمشه ای بهره برد و یکی از بزرگ ترین مدرسان این علوم گردید. وی در تهران رحلت کرد و جسد پاکش به قم منتقل شد و در جهت شمالی صحن اتابکی حرم مطهر به خاک سپرده شد. تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۳۰۵.

ب) آثار

آثار وی عبارتند از: «رساله معراج»، «رجعت»، «شرح دعای سحر»، «حرکت جوهریه»، «غوصی در بحر معرفت» و...

این آثار همگی از فصاحت در کلام و موجز نویسی ایشان حکایت دارد. عقاید علامه را که در آثار ایشان انعکاس یافته است. شاید بتوان گفت که افکار ملاصدرا به بیانی ساده تر، بر زبان علامه جاری شده است.

ج) شاگردان

علامه قزوینی شاگردانی را تربیت کرد که هر کدام نقش بسیار مهمی را در سیر فلسفه در شهر مقدس قم ایفا کرده اند و از نوادر روزگار به حساب می آیند که از جمله آنها حضرت امام خمینی قدس سره، آیه الله حسن زاده آملی و آیه الله سید جلال الدین آشتیانی است.

امام خمینی قدس سره

زندگی نامه

امام خمینی قدس سره

زندگی نامه

امام خمینی در تاریخ بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ ه . ق. _ مصادف با سال روز میلاد مسعود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام _ در شهرستان خمین دیده به جهان گشود.

ایشان از عنفوان کودکی، شروع به تحصیل کرد و از آن جا که استعدادی فوق العاده داشت، قبل از پایان ۱۵ سالگی تحصیلات ابتدایی را تمام کرد و به تحصیل علوم اسلامی در محضر برادر

بزرگوارش، آیه الله پسندیده پرداخت. امام خمینی در سال ۱۳۳۹ ه . ق. برای ادامه تحصیل، به حوزه علمیه اراک راه یافت و در محضر استادان خبره، ادبیات را فراگرفت.

در سال ۱۳۴۰ ه . ق. آیه الله حائری به قم رفت و حوزه علمیه قم را تأسیس کرد. امام خمینی نیز به قم رفت و در مدرسه دارالشفاء ساکن شد و با جدیت هرچه تمام تر به تحصیل پرداخت؛ به نحوی که در سال ۱۳۴۵ ه . ق. در ۲۵ سالگی سطوح عالی را به اتمام رسانید و به محضر درس آیه الله حائری راه پیدا کرد تا در محضر ایشان پایه های علمی، فقهی و اصولی خویش را محکم گردانید و به اجتهاد رسید. در زمان رحلت آیه الله حائری امام خمینی از علمای برجسته حوزه محسوب می شد. علومی که امام خمینی آموخته بود، به فقه و اصول و تفسیر خلاصه نمی شود؛ بلکه ایشان در هئیت و فلسفه و عرفان نیز دستی توانا داشت. ایشان فلسفه مشاء و اشراق، به خصوص حکمت متعالیه صدرا و عرفان محی الدین را به خوبی آموخته بود.

جایگاه

جایگاه

هرچند که نوشتن درباره اهمیت علما به راحتی میسر نیست و اندیشه ای به وسعت اندیشه آنها می طلبد، و شاید سال ها بگذرد و تاریخ روند تکاملی خویش را طی کند ولی ابعاد وجودی این بزرگان بویژه حضرت امام تفسیر صحیحی نیابد؛ امّا آن چه در این جا مطرح می شود، بررسی همه جانبه خدمات ارزنده ایشان از مبارزات سیاسی و هدایت مردم، سقوط شاه و زمینه های فقهی و اصولی و...نیست، بلکه

اهمیت ایشان تنها از جهت علوم عقلی در چند نکته مختصر بیان می شود:

الف) اولین نکته ای که درباره حضرت امام حائز اهمیت است و نباید از نظر دور داشت، این است که در میان دانشمندان معاصر کمتر کسی پیدا می شود که در تمام علوم زمان سرآمد باشد، امّا امام خمینی قدس سره در چند رشته از علوم رسمی مهارتی ویژه داشت.

ایشان در فقه، اصول، تفسیر، هئیت، ریاضیات، فلسفه، کلام، عرفان و اخلاق، نه تنها در زمان خویش، بلکه پس از آن نیز ممتاز است.

ب) اهمیت دیگر حضرت امام، در آثار ارزشمندی است که به یادگار گذاشته است. از جمله آثار ایشان، «شرح اربعین حدیث» است که ۷ حدیث آن مربوط به مسائل عقل و ۳۳ حدیث مربوط به اخلاقیات است. در ضمن احادیث اخلاقی، مطالب عقلی بیان شده است.

از آثار دیگر ایشان کتاب «مصباح الهدایه» است که در ۲۷ سالگی تألیف کرده و کتابی عرفانی در مباحث نبوت و ولایت است. ایشان در ۲۹ سالگی کتاب «شرح دعای سحر» را به رشته تحریر در آورده است.

برخی دیگر از تألیفات حضرت امام عبارتند از: «تعلیقه علی شرح فصوص الحکم»، «حاشیه بر مفاتیح الغیب»، «اسرارالصلاه» یا «معراج السالکین»، «رساله فی الطلب والاراده»، «حاشیه بر رساله شرح حدیث رأس الجالوت» قاضی سعید قمی و شرح مستقلی بر آن حدیث، «کشف الاسرار»، «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، «آداب الصلوه»، «تفسیر سوره حمد»، «تقریر بر شرح المنظومه» و «تقریر اسفار اربعه».(۱)

۱- ۱. از ایشان آثار زیاد دیگری در زمینه فقه و اصول و زمینه های دیگر به جا مانده است.

ج) نکته سوم حائز اهمیت در مورد حضرت امام قدس سره تعداد شاگردانی است که در علوم عقلی و نقلی، از محضر ایشان بهره مند شده اند که برخی از آنها عبارتند از:

آیه الله سید علی خامنه ای، آیه الله شهید محمدعلی قاضی طباطبایی، آیه الله مصطفی خمینی، (فرزند امام)، آیه الله شهید دکتر محمد حسین بهشتی، آیه الله جوادی آملی، آیه الله شهید مطهری، آیه الله سبحانی، آیه الله مشکینی و آیه الله محمدی گیلانی و... .(۱)

د) نکته دیگر در اهمیت حضرت امام، استادانی است که ایشان درک کرده است و همگی از اعاظم و اکابر بوده اند و برخی با چند واسطه به علمای بزرگی مانند صدرالمتألهین می رسند.

حضرت امام قدس سره در فلسفه و عرفان، از محضر آیه الله شاه آبادی و آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیه الله میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره برده و همچنین محضر استادان خبره مانند آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آیه الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و آیه الله آقامیر سید علی یثربی کاشانی، آقاشیخ محمد گلپایگانی، آقاشیخ محمد علی بروجردی و آیه الله حاج سید مرتضی پسندیده را درک کرده است.(۲)

ه) اهمیت دیگر، تألیف کتابی است به نام «کشف الاسرار» که در جواب کتاب «اسرار هزار ساله» نگاشته شده است.

۱- ۱. برای مطالعه بیش تر درباره شاگردان ایشان ر.ک: بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی قدس سره.

۲- ۲. جهت اطلاع بیش تر، از استادان حضرت امام، ر.ک: «مجله آئینه پژوهش»، شماره ۵۸، مقاله آیه الله استادی، ص ۲ _ ۹.

باتوجه به این که مطالب کتاب «اسرار هزار ساله» در باره مسائل عقلی بود، از طرف علمای قم، پاسخ به آن بر عهده امام گذاشته شد. امام نیز آن را به نحو احسن انجام داد و با این که مدت مدیدی به درد چشم مبتلا بود و قادر به خواندن و نوشتن نبود، شروع به کار تألیف کرد و به طور معجزه آسا، دردچشم ایشان برطرف شد.(۱)

ی) ایشان از همان عنفوان جوانی، به عنوان پاسخ گوی شبهات عقلی نسبت به اسلام، در حوزه علمیه قم ایفای نقش می کرد؛ به گونه ای که «آن روز اگر کسی نسبت به مسائل دینی اشکالی داشت و برای حل آن به قم رجوع می کرد، با این که علمای طراز اول در قم می زیستند، او را برای برطرف کردن ابهام و اشکالش به حضور امام خمینی معرفی می کردند.»(۲)

به طور مثال، در سال ۱۳۶۳ ه . ق. شخصی به علت شبهاتی که معاندین به او تلقین کرده بودند، در اعتقاداتش دچار تزلزل شده بود. او برای کشف حقیقت، به قم مراجعه کرد. حضرت امام سه روز، با اهتمام هرچه تمام تر و تعطیل تدریس خویش، در رفع شبهات وی کوشید و او را به حقیقت رهنمون شد.

ـ تدریس علوم عقلی

ـ تدریس علوم عقلی

حضرت امام قدس سره مهارتی کم نظیر در علوم عقلی و تحقیق در مسائل پیچیده فلسفی و عرفانی داشت، و تارسیدن به نتیجه مطلوب،

۱- ۱. ر.ك: «بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی»، ص ۳۷ ـ ۳۸.
۲- ۲. همان.

جدیت و پیگیری می کرد. این جدیت، ایشان را از استادان منحصر به فرد حوزه علمیه قم قرارداد.

ایشان چهار سال، «شرح منظومه» را نزد آیه الله قزوینی فراگرفت سپس در درس «اسفار اربعه» ایشان شرکت کرد، ولی سه جلسه در درس اسفار که شرکت کرد، احساس بی نیازی از فراگیری اسفار کرد و از رفتن به کلاس خودداری و با مرحوم آیه الله آقامیرزا خلیل کمره ای به مباحثه اسفار پرداخت و همزمان با آن، در سال ۱۳۴۷ ه . ق.، در ۲۷ سالگی به تدریس منظومه مشغول شد. با وجود استقبال گرم دانش پژوهان، ایشان مواظب بودند که در کلاس درس افراد غیر متعهد شرکت نکنند. ایشان در این زمینه چنین می فرمایند:

«وقتی من در صحن حضرت معصومه علیها السلام حکمت درس می گفتم، حجره ای انتخاب کرده بودم که حدود هفده نفر جا داشت. عمداً چنان جایی را انتخاب کرده بودم که بیش تر نیایند آنها که می آمدند و افراد خاص و شناخته شده ای بودند، هم می گفتم درس مرا بنویسند و بیاورند اگر دیدم فهمیده اید اجازه می دهم بیایید وگرنه شما نباید فلسفه بخوانید چون مطالب را درک نمی کنید و باعث زحمت خواهید شد.»(۱)

حضرت امام همزمان با تدریس فلسفه، برای افراد خاصی کتاب های عرفان، از جمله «منازل السائرین»، را تدریس می نمود. این بدین معنا نیست که جو، کاملاً برای تدریس کتب فلسفی و عرفانی مناسب بود و حضرت امام در محیطی آرام و بسیار مناسب برای عده ای خاص فلسفه تدریس می کرد؛ بلکه امام در شرایطی فلسفه را تدریس

۱- ۱. پا به پای آفتاب.

می کرد که جوّ علیه اهل فلسفه و عرفان و شعر و هنر بود، حتی برخی از طلبه ها کتاب «مثنوی مولوی» را با انبردست بلند می کردند و حضرت امام به عنوان استاد مسلم فلسفه از این هجمه مستثنی نبود و خود ایشان درباره جوّ حوزه علمیه قم نسبت به تدریس فلسفه چنین می فرمایند:

«در مدرسه فیضیه، فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی، از کوزه ای آب نوشید؛ کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می گفتم.»(۱)

مشرب فکری

مشرب فکری

حضرت امام با این که در فلسفه اسلامی به حد اجتهاد رسید، مکتب فلسفی جدیدی ارائه نکرده است.

ایشان در پذیرش آرای حکما، خود را به گرایش خاص از مذاهب فلسفی محدود نکرده و در ضمن این که به تعبیر فرزندشان «دلبسته حکمت صدرایی است»(۲)، دیگر مکاتب فلسفی از جمله مشاء و اشراق را به خوبی در وجود خویش هضم کرده بود؛ چنان که در برخی از مباحث، نظریات صدرالمتألهین را مورد نقد قرار داده و نظریه شیخ شهاب الدین سهروردی و گاهی فلاسفه مشاء را تائید می کند و گاه نظری نو ارائه می دهد.

علامه سید محمد حسین طباطبایی

زندگی نامه

علامه سید محمد حسین طباطبایی

زندگی نامه

ص: ۲۱۹

۱- ۱. صحیفه امام.

۲- ۲. فصلنامه حضور

علامه طباطبایی در بیست و نهم ذی الحجه سال ۱۳۲۱ ه . ق. در تبریز چشم به جهان گشود. ایشان در اوان کودکی، پدر و مادر خود را از دست داد. پس از آن، همراه برادر بزرگش، محمد حسن، راهی مکتب شد و در مدت ۵ سال توانست کتاب های متداول درسی مکتب «قرآن کریم»، «بوستان» و «گلستان سعدی»، «اخلاق مصور»، «ارشاد الحساب»، «نصاب الصبیان» و «تاریخ معجم» را فرابگیرد و مقدمات و دوره سطح را در همان زادگاهش به پایان رسانید و در سال ۱۳۴۴ ه . ق. به خاطر علاقه ای که به ادامه تحصیل داشت، به مرکز بزرگ علم و دانش شیعه به نجف اشرف هجرت کرد و مدت ۱۰ سال از محضر استادان آن حوزه بهره مند شد. روح بلند پرواز وی هنوز از چشمه علم و عرفان استادان خویش سیراب نشده بود، که گرفتاری در امر معاش گریبانگیرش شد و او سال ۱۳۵۴ ه . ق. به زادگاهش بازگشت و مشغول کشاورزی شد و تا حدودی از مطالعه و تحصیل فاصله گرفت. در سال ۱۳۲۴ شمسی، با ظهور فرقه دموکرات و حمایت های شوروی از آنها، آذربایجان ناامن شد و علامه تصمیم به مهاجرت به قم گرفت و در شب عید نوروز سال ۱۳۲۵ از زادگاه خویش هجرت نمود و در آن شهر مقدس فعالیت های علمی و تحقیقی اش را شروع کرد.(1) ایشان در طی سال هایی که در قم تحت عنایت حضرت معصومه علیها السلام بود، آثار ارزنده ای مانند تفسیر کبیر «المیزان» را تألیف نمود و شخصیت های علمی بسیاری را تربیت کرد. علامه طباطبایی در روز یکشنبه هجدهم محرم سال ۱۴۰۲ ه . ق. (۲۴/۸/۱۳۶۰) رحلت کرد.

۱- ۱. ر.ک: مرزبان وحی و خرد، ص ۶۷ _ ۷۷.

اکنون آرامگاه علامه در قسمت مسجد بالای سر حضرت معصومه علیها السلام در شهر مقدس قم، در کنار آرامگاه آیه الله خوانساری، زیارتگاه طالبان علم و دانش است.

تحصیلات

تحصیلات

قبلاً به برخی از مراحل تحصیلی علامه به طور گذرا اشاره کردیم. امّا آن چه بیان آن ضروری به نظر می رسد، استادانی است که وی برای تحصیل علوم مختلف درک کرده است.

علامه طباطبائی دروس مقدماتی حوزه را نزد محمد علی سرابی، خط را نزد میرزا علی نقی و دروس سطح را نزد برخی استادان زادگاهش آموخت و پس از اتمام آن، به شوق تحصیلات بیش تر و بهتر، به نجف اشرف مشرف شد.

بدیهی است که مدت حضور ایشان در نجف از بهترین و پر بارترین سال های زندگی و تحصیل وی بود؛ زیرا در این ۱۰ سال، قلل رفیع علوم مختلف اسلامی از جمله فقه و فلسفه و عرفان را فتح کرد.

ایشان ۸ سال در درس آیه الله نائینی در فقه و اصول شرکت کرد و چند سال از محضر آیه الله سیدابوالحسن اصفهانی و آیه الله حاج میرزاعلی ایروانی در فقه بهره برد.(۱)

ایشان ریاضی عالی را به پیشنهاد یکی از استادان نزد علامه سید ابوالقاسم خوانساری آموخت.

۱- ۱. برای مطالعه بیش تر در مورد مراحل مختلف زندگی ایشان، ر.ک: زندگی نامه علامه طباطبایی به قلم علامه.

استاد فلسفه ایشان، آیه الله سید حسین بادکوبه ای بود. علامه عالی ترین کتاب های فلسفی را از ایشان فراگرفت.

علامه درباره فراگیری فلسفه چنین می نویسد:

«...در فلسفه نیز به درس حکیم و فیلسوف معروف وقت مرحوم آقاسید حسین بادکوبه ای موفق شدم در ظرف ۶ سال که نزد معظم له تلمذ می کردم «منظومه سبزواری»، «اسفار» و «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفای بوعلی»، کتاب «اثولوجیا»، «تمهید القواعد» و «اخلاق» ابن مسکویه را خواندم. مرحوم بادکوبه ای از فرط عنایتی که به تعلیم و تعلم بنده داشت برای این که مرا با طرز تفکر برهانی آشنا سازد، به ذوق فلسفی تقویت بخشد، امر فرمود به تعلیم ریاضیات بپردازم و در امتثال امر معظم له به درس مرحوم سید ابوالقاسم خوانساری که ریاضی دان زبردستی بود حاضر شدم و یک دوره حساب استدلالی، یک دوره هندسه مسطحه و فضایی و جبر استدلالی از معظم له فراگرفتم.»(۱)

علامه در نجف از محضر آیه الله حجت نیز در اصول کلی رجال بهره برد.

جامع معقول و منقول

جامع معقول و منقول

شخصیت علمی علامه شخصیتی کم نظیر بود. تعداد انگشت شماری از علما هستند که همزمان علوم مختلف را تحصیل کنند و ابعاد مختلف وجودی خویش را به طور هماهنگ رشد دهند.

جامعیت علمی و عملی علامه را از سه چیز می توان به دست آورد:

۱- ۱. مرزبان وحی و خرد، ص ۸۱.

۱. استادانی که در رشته های مختلف اسلامی درک کرده است.

۲. آثاری که به یادگار گذاشته است، حاکی از جامعیت علمی ایشان است.

۳. شاگردان علامه که به خوبی بیانگر شخصیت علمی او هستند.

در این جا، به اختصار، به آثار و شاگردان وی اشاره می شود:

از علامه بیش از ۳۰ کتاب که هر کدام از آنها خود دارای چند جلد است و همچنین مقالات زیادی به جا مانده است. «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر ارزشمند تفسیری علامه در ۲۰ جلد به زبان عربی نگارش یافته است که علاوه بر مزایا و محاسنی که نسبت به تفاسیر دیگر دارد، در ضمن تفسیر به مباحث فلسفی نیز پرداخته است.

اثر دیگر ایشان «اصول فلسفه و روش رئالیسم» است. ایشان از طریق آشنایی و مصاحباتی که با استاد هانری کوربن فرانسوی داشت، در طی ۲۰ سال، اسلام را به نقاط مختلف جهان معرفی کرد.

برخی دیگر از آثار علامه عبارتند از:

برخی دیگر از آثار علامه عبارتند از:

«قرآن در اسلام»، «بدایه الحکمه»، «نهایه الحکمه»، «علی و فلسفه الهی»، «شیعه در اسلام»، «حاشیه بر کفایه»، «رساله ای در حکومت اسلامی»، «رساله ای در ولایت»، «رساله ای در نبوت»، «رساله ای در برهان»، «رساله ای در مغالطه»، «رساله ای در مشتقات»، «رساله ای در عالم غیب» و «رساله ای در توحید ذاتی».

شاگردان علامه طباطبایی اکنون از افتخارات ایران اسلامی محسوب می شوند و هریک از آنان دارای حوزه تدریس و آثار قلمی

ص: ۲۲۳

ارزنده ای هستند. از برجسته ترین شاگردان ایشان آیه الله حسن زاده آملی، آیه الله جوادی آملی و آیه الله مصباح یزدی را می توان نام برد.

مشکلات تدریس علوم عقلی در قم

مشکلات تدریس علوم عقلی در قم

در آن زمان، عده ای بر سر راه تدریس وی موانعی را به وجود آوردند و این مشکل روح آزادمنش وی را عذاب می داد؛ امّا همت و پشتکار آن بزرگوار چنان بود که در برابر مشکلات طاقت فرسا، برای رسیدن به هدف والای خویش مقاومت می کرد.

هنگامی که ایشان «اسفار اربعه» ملاصدرا را در حوزه علمیه قم تدریس می کرد از طرف برخی مقدس مآب ها و علمای قشری به وی اعتراض شد؛ تا آن که کار به جایی کشید که خواستند با واسطه قراردادن آیه الله بروجردی، به اهداف خود برسند.

به این منظور، عده ای از نجف و مشهد نامه ای به آیه الله بروجردی نوشتند که چرا به طور رسمی در حوزه علمیه قم علوم عقلی تدریس می شود و صدها نفر در آن شرکت می کنند. آنان آن قدر فشار آوردند که آیه الله بروجردی شخصی را نزد علامه طباطبایی فرستاده و پیغام دادند که من با فلسفه مخالف نیستم، خودم هم در اصفهان نزد جهانگیرخان قشقایی فلسفه خوانده ام، امّا تفاوتی بین فلسفه ای که استاد ما تدریس می کرد، با فلسفه ای که شما تدریس می کنید، وجود دارد؛ به این صورت که مرحوم جهانگیرخان، عده ای را که صلاحیت داشتند، انتخاب می نمود و شخصی که استعداد درک مطالب فلسفی را نداشت، اجازه حضور در آن درس را نداشت؛ ولی شنیده ام که درس فلسفه شما

عمومی است و افراد زیادی در آن حضور دارند. و اگر شما صلاح می دانید، درستان را محدود کنید تا کسانی که صلاحیت دارند از آن استفاده کنند.

علامه طباطبایی نامه ای در جواب ایشان نوشتند که مضمون آن عبارت است از:

من وقتی وارد قم شدم، مطالعه ای در وضعیت موجود قم کردم و در نیازهای جامعه اسلامی اندیشه کردم. نیاز سنجی کردم، دیدم جامعه ما نیاز دارد که اسلام را از منابع اصیل خودش بشناسند تا در صورت نیاز بتوانند از معارف اسلامی دفاع کنند و در درجه اول وظیفه روحانیت همین است...بنابراین ما در حوزه باید درسی داشته باشیم که طلبه از لحاظ استدلالی قوی شود و بتواند عقاید اسلامی را اثبات کند و از مواضع اسلام دفاع کند. و این تنها از راه فلسفه میسر است.

ایشان در جواب آیه الله بروجردی که گفتند در کلاسهای ما تعداد محدودی شرکت می کردند، چنین گفتند که، در آن زمان شبهات اعتقادی و الحادی تنها در کتاب و بحث های فلسفی بیان می شد. امّا امروز این شبهات نقل قهوه خانه هاست. شبهات بین مردم پخش است و چون عام و فراگیر است، جوابگویی نیز باید عمومیت داشته باشد.

اکنون نمی توان چند نفری را انتخاب کرد. و برای آنها درس گفت. و به این صورت به شبهات پاسخ گفت و تربیت چند نفر مفید فایده نخواهد بود. و در پایان متذکر شدند که این نظری است که من دارم و برای خودم بر اساس آن واجب دانستم که این درس ها را ادامه دهم و الان ادامه این درس ها را برای خودم واجب شرعی می دانم. ولی در

کنار این قضیه اطاعت از شما و جلوگیری از شق عصای مسلمین را هم واجب می دانم. اگر شما امر بفرمائید من آنچه را که وظیفه خود تشخیص داده ام عمل خواهم کرد.

به دنبال این قضیه چند روزی درس استاد تعطیل شد. و دوباره تدریس را شروع کردند. و اتفاقات زیادی در این سال ها افتاد و مشکلاتی را حضرت علامه در راه تدریس تا آخر تحمل کرد تا این که ندای حق را لبیک گفتند.(۱)

علامه حسن حسن زاده آملی

زندگی نامه

علامه حسن حسن زاده آملی

زندگی نامه

حسن حسن زاده آملی در سال ۱۳۰۷ ه . ق.، در اطراف لاریجان آمل، در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. او پدر و مادرش را در یک جمله چنین توصیف می کند:

«...در حجر کفالت و تحت مراقبت پدر و مادری الهی تربیت و از پستان پاک مادری مؤمنه عفیفه صدیقه شیر نوشیده ام.»(۲)

ایشان تا ۲۲ سالگی در زادگاه خود، به تحصیل کتب ابتدایی رایج محصلین علوم دینی، نزد استادان و روحانیون آمل مشغول بود و پس از آن به شوق تحصیل به تهران عزیمت کرده و در بیست و پنجم جمادی الاول ۱۳۸۳ ه . ق.، در ۳۵ سالگی، تهران را به قصد قم ترک گفت و سالیان متمادی به تدریس و تألیف پرداخت.

ص: ۲۲۶

۱- ۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مقاله استاد مصباح یزدی، ص ۹ (۲۲/۸/۶۸)

۲- ۲. نامه ها و برنامه ها، ص ۲۳۲.

تحصیلات

تحصیلات

همان طور که قبلاً اشاره شد، ایشان تحصیلات ابتدایی را در آمل به پایان رسانید. برخی از کتاب هایی که ایشان در این دوره فراگرفته، عبارتند از: «نصاب الصبیان»، «جامع المقدمات»، «شرح الفیه سیوطی»، «حاشیه ملاعبدالله» بر تهذیب منطق، «شرح جامی بر کافیه» در نحو و «شمسیه» در منطق، «شرح نظام» در صرف، «مطول» در معانی و بیان و بدیع، «معالم» در اصول و...را از محضر استادان آن سامان، مانند آقای محمد غروی، آیه الله عزیزالله طبرسی، آقاشیخ احمد اعتمادی، آقاعبدالله اشراقی و آقاابوالقاسم رجایی بهره گرفت.

وی در سال ۱۳۲۹، در مدرسه حاج ابوالفتح تهران، به درس آیه الله سیداحمد لواسانی و سپس در مدرسه مروی به محضر حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تهرانی راه یافت.

علامه درباره استفاده از محضر این استاد کلامی دارد که بیان آن در این مقام، جهت آشنایی با مقامات علمی ایشان سزاوار است:

«...آن بزرگوار چون پدر مهربان سالیانی دراز در کنف عنایتش همّ خویش را به تربیت و تعلیم من مصروف داشت و از فنونی چند دری به روی این ناچیز گشود.»(۱)

ایشان در معقول، شرح خواجه نصیرالدین طوسی بر «اشارات»، «اسفار اربعه» صدرالمألهین، کتاب «نفس و حیوان و نبات» و تشریح «شفا»، را در محضر علامه شعرانی خوانده و علاوه بر آن در محضر

۱- ۱. همان.

آیه الله رفیعی قزوینی نیز تلمذ و برخی از کتب عرفانی و فلسفی را نزد آن حکیم بزرگ تحصیل کرده است. کتبی که ایشان از آن استاد آموخته، عبارتند از: «اسفار اربعه» ملاصدرا، شرح علامه فناری بر «مصباح الانس» و...

همچنین حکمت «منظومه»، بحث نفس «اسفار» و نصف شرح خواجه بر «اشارات» را از استاد میرزا مهدی آشتیانی فرا گرفت. علاوه بر آن چه گفته شد، وی محضر استادان فرزانه ای مانند آیه الله حاج محمدتقی آملی، استاد محمد حسن فاضل تونی، علامه محمد حسین طباطبایی، آقای محمد حسن الهی طباطبایی، حاج سید علی قاضی تبریزی و سید مهدی قاضی را درک کرده و از خرمن آنها خوشه ها چیده است.(۱)

تألیفات و تدریس

تألیفات و تدریس

ایشان از همان ابتدا در ضمن تحصیلات ابتدایی در آمل، تدریس می کرد؛ امّا تدریس وی به طور متوالی از بدو ورود به قم شروع شد.

در مورد تألیفات علامه نکته حائز اهمیت، کثرت و تنوع موضوعی آثار ایشان است که از گستردگی دامنه علوم آن حکیم عارف حکایت می کند.

۱. «تکمله منهاج البراعه» به زبان عربی، در ۵ جلد تألیف یافته و با مقدمه ای از استاد علامه شعرانی به چاپ رسیده است.

۱- ۱. برای اطلاع بیش تر از استادان ایشان، ر.ک: تاریخ حکماء و عرفای متأخر؛ نامه ها و برنامه ها.

۲. رساله ای در رؤبیت و عدم آن بر مشرب حکمت و کلام.

۳. «انسان کامل» از دیدگاه نهج البلاغه.

۴. «نهج الولایه» کتابی است در مورد امام العصر و الزمان حضرت مهدی (عج).

۵. «تعلیقات بر شرح خواجه طوسی بر حکمت اشارات ابن سینا».

۶. «تعلیقات بر اسفار اربعه ملاصدرای شیرازی».

۷. «شرح فصوص فارابی».

۸ . «دروس اتحاد عقل و عاقل و معقول».(۱)

۱- ۱. عنوان ۶۰ اثر از ایشان در کتاب «نامه ها و برنامه» بیان شده است. برخی دیگر از کتب ایشان که پس از سال ۱۳۶۳ ه . ش. تألیف یافته، در آن ذکر نشده است.

فهرست منابع

۵۱۸. آثار الحجه (یا تاریخ و دائره المعارف حوزه علمیه قم)، محمدرازی، ۱۳۷۴.

۵۱۹. التوحید، محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی (صدوق)، بوذر جمهری مصطفوی، تهران، ۱۳۷۵ ه . ق.

۵۲۰. الحکمه المتعالیه فی الاسـفار العقلیه الاربعه، صدرالـدین شـیرازی، داراحیاءالتراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ه . ق.

۵۲۱. المحجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، فیض کاشانی

۵۲۲. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، سید حمید روحانی، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۱.

۵۲۳. پا به پای آفتاب، امیر رضا ستوده، چاپ پنجره، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۵۲۴. تاریخ حکماء و عرفای متاخر، منوچهر صدوقی سها، انتشارات حکمت، تهران، چاپ اول حکمت، ۱۳۸۱.

۵۲۵. تاریـخ علوم و فلسـفه ایرانی از جامـاسب حکیم تـا حکیم سبزواری، عبـدالرفیع حقیقت، انتشـارات کوشـش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۵۲۶. تاریخ فلسفه در اسلام، میان محمد شریف، مرکز نشر دانشگاهی، تهران،

ص: ۲۳۰

چاپ اول، ۱۳۶۵.

۵۲۷. تفسیر سوره حمد، امام خمینی قدس سره، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۳.

۵۲۸. تقریرات شرح المنظومه.

۵۲۹. در آسمان معرفت، حسن حسن زاده آملی، انتشارات تشیع، چاپ سوم،۱۳۷۶.

۵۳۰. روزنامه جمهوری، ۲۳/۸/۶۸.

۵۳۱. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، میرزا محمد باقر موسوی خوانساری، تحقیق: اسدالله اسماعیلیان، مکتبه اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ ه . ق.

۵۳۲. ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه اولقب یا الکنی و الالقاب، محمدعلی تبریزی معروف به مدرس.

۵۳۳. سیر حکمت در ایران و جهان، سید محمد خامنه ای، بنیاد حکمت اسلامی ملاصدرا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵۳۴. شرح المنظومه، حاج ملاهادی سبزواری، انتشارات حوزه علمیه قم.

۵۳۵. شرح توحید الصدوق، قاضی سعید قمی، تصحیح و تعلیق: دکتر نجفعلی حبیبی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.

۵۳۶. شرح مقدمه قیصری، سیدجلال الدین آشتیانی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵.

۵۳۷. صحیفه امام.

۵۳۸. فصلنامه حضور، خرداد ۱۳۷۰، شماره ۱، تهران.

۵۳۹ . فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، هانری کوربن، ترجمه سید جواد طباطبایی،

ص: ۲۳۱

انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۵۴۰. کتاب المقاومات، (ج ۱، از مجموعه مصنفات شیخ اشراق)، شیخ شهاب الدین سهروردی، تصحیح و مقدمه: هانری کوربن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۵۴۱. مجله آیینه پژوهش، ۱۳۷۸، شماره ۵۸، قم.

۵۴۲. مرزبان وحی و خرد، (یادنامه مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۵۴۳. مشخصاتی از آثار حکمای الهی ایران، استاد سید جلال الدین آشتیانی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۵۴۴. ملاصدرا، زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین، سید محمد خامنه ای، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۵۴۵. نامه ها و برنامه ها، حسن حسن زاده آملی، انتشارات قیام، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۷.

۵۴۶. یادنامه ملاصدرا، (به مناسبت چهارصدمین سال تولد حکیم عالیقدر صدرالدین شیرازی)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹